

رفتارهای جنسی بشر

نویسنده: اروین هیرله (1)

مترجم: جهانگیر شیرازی

Erwin J. Haeberle-1

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

4	مقدمه: رفتار جنسی چیست؟
4	تاریخ واژه
11	معانی امروزی واژه
17	کشش (نیروی محرکه) جنسی
19	عوامل دخیل در رفتارهای جنسی بشر
22	رشد و تکامل رفتار جنسی
22	پیش درآمد
25	نسخه ها و پیش نویسهای جنسی
30	ابعاد اجتماعی و فرهنگی
32	مراحل رشد
56	انواع اولیه رفتارهای جنسی
57	خودتحریکی
62	ارگاسم در خواب
65	خودارضایی
69	آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه و انواع آن
88	رفتارها و برخوردهای فرهنگی با انواع مقاربتهای جنسی دگرجنسگرایانه
89	آمیزش جنسی همجنسگرایانه و انواع آن
100	رفتارها و برخوردهای فرهنگی با انواع مقاربتهای همجنسگرایانه
101	تماس جنسی با حیوانات
104	تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی
105	حقوق جنسی
109	نابهنجاریهای جنسی
110	پس زمینه تاریخی جنسیت شناسی
123	اقلیت های جنسی و مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن
129	گی ها و لزبین ها
132	دوجنسگرایان (بایسکسوالها)
134	ضربدریها (swingers)
135	فتیش ها
136	سادومازوخیستها
137	ترانس وستابیت ها
144	ترانس سکسوالها
149	آسکسوالها
150	رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی
151	تماس جنسی بزرگسالان با کودکان
157	بچه بازی (پدوفیلی)
160	جنبه های روانی و قضایی پدوفیلی
162	زنای با محارم (Incest)
165	فحشای کودکان
168	پورنوگرافی کودکان

170	روسپیگری
174	جنبه های قضایی روسپیگری
180	روسپیگری زنان و انواع آن
184	روسپیگری الکترونیکی زنان
187	روسپیگری مردان و انواع آن
188	روسپیگری مردان همجنسگرا
189	روسپیگری الکترونیکی مردان
191	روسپیگری مردان دگرجنسگرا
192	خشونت جنسی
194	انواع مزاحمت های جنسی
198	تجاوز جنسی و انواع آن
201	زنان قربانی
204	مردان قربانی
206	کمک به قربانیان
209	مثله کردن اندام های جنسی دختران و زنان
210	انواع مثله کردنها
214	منشاء، شیوع و توجیهات مثله کردنها
220	استراتژی برای پیشگیری و مقابله
222	سنوالات آزمون

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟

لینگام و یونی



این سمبل مذهب کهن هند، اتصال اندام جنسی مرد (لینگام) به اندام جنسی زن (یونی) را نشان می دهد. این سمبل در بسیاری از معابد هندویی، جایی که وصلت بین زن و مرد به عنوان مظهري از نیروی پایان ناپذیر کیهانی مورد پرستش قرار می گیرد، یافته می شود.

گرفته شده از یک نقاشی هندی (قرن 18 بعد از میلاد)

مفهوم مدرن «رفتار جنسی» بیانگر یک دیدگاه علمی از جهان و فعالیت بشر می باشد. این اصطلاح در دوران باستان و قرون وسطی ناشناخته بود، و حتی امروز هم در جوامع «ماقبل مدرن» ناشناخته می باشد. وقتی که آنها از مسائل مطروحه در این دوره آموزشی صحبت می کنند، کلمات خیلی متفاوتی به کار می برند، ولی آیا منظورشان با منظور ما یکی است؟ در تلاش برای پاسخ به این سؤال، متوجه می شویم که نمی توان به طور شایسته ای به مطالعه «رفتار جنسی» دست زد مگر آنکه ابتدا راه و روش تفکر خود را مورد غور و بررسی قرار دهیم.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟ تاریخ واژه

اصطلاح «رفتار جنسی» تا دوران مدرن در هیچ زبانی یافته نمی شود. در هیچ کجای انجیل ویا قرآن استفاده نشده، و برای نویسندگان کلاسیک غرب از هومر گرفته تا دانته، شکسپیر، سروانتس، ولتر، و گوته ناشناخته بوده است. درحقیقت، حتی خود کلمه «جنسی» (سکسوال) که امروزه صدها سال قدمت دارد هم، به تدریج معانی و مفاهیم متفاوت امروزی خود را به دست آورد. این لغت در ابتدا، بر عمل یا احساس دلالت نمی کرده، بلکه صرفاً بر وضعیت نر یا ماده بودن دلالت داشته است. (1)

البته ما می دانیم که در زمانهای کهن و سده های میانه، دهها و شاید صدها واژه و لغت برای اندامهای جنسی زن و مرد و برای عمل آمیزش جنسی، در بین مردم رواج داشته اند. ما این را هم می دانیم که مردمان قدیم درباره باروری و تولید «از گوشت و خون خود» صحبت می کرده اند. آنها معنی بوسیدن، در آغوش گرفتن و نوازش کردن را می فهمیده اند و با لذت نفس، تحریک جسمی و هیجان ناشی از آن آشنا بوده اند. آنها با افتخار از عشق و شوق، شیفتگی و تمنا، شور و شرر، محبت و دلدادگی، دلباختگی، کوپید(2) و زهره (ونوس) حرف می زده اند.

بعضی از زنان و مردان از «زبان کثیف» (3)، یا تصاویر برهنه، مجسمه ها، یا تماشا کردن و دید زدن، لذت می برده اند. برخی عاشق نمایش بدنهای برهنه خود یا مشاهده برهنگی دیگران بوده اند. دیگرانی هم در پی سرکوب «شهوت» خود بوده اند و با نفرت، از خواهش تن، هرزگی، نفس پرستی، یا اغوا شدن توسط شیطان صحبت می کرده اند. این دسته، عفت، حیا، پاکدامنی، عصمت و باکرگی را ارج می نهادند و در عین حال، خواهشهای نفسانی و گناه در برابر خداوند و طبیعت را محکوم می کردند. با این همه، با نگاهی دقیق تر

معلوم می شود که اجداد ما همه این چیزها را با یک واژه ساده توصیفی، و از جهت اخلاقی بی طرف، تحت عنوان «رفتار جنسی»، جمعبندی نکرده بودند.

- 1- امروزه واژه سکس (sex) در زبان انگلیسی از جمله دو معنی دارد، یکی به معنای جنس (مذکر/ مؤنث) و دیگری به معنای سکس (عمل جنسی). همین ممکن است فهم 9 بخش مربوط به تاریخ واژه سکس را برای خواننده فارسی زبان مبهم سازد. چون در جایی به معنای جنس (نر/ماده) و در جایی به معنای سکس به کار برده شده است. - مترجم
- 2- کوپید: خدای عشق در افسانه های یونان که به صورت کودک برهنه مجسم می شده-م
- 3- اشاره به حرفهای رکیک شهوت برانگیز-م

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟ تاریخ واژه 1

قبل از آنکه صفت «جنسی» (سکسوال) زاده شود، می بایست اسم «جنس» (Sex) وارد فرهنگ لغت



جان وی کلیف
(John Wycliffe)
حوالی 1328-1384 که
«ستاره صبح
رفرماسیون» هم نامیده
شده است»، حکیم الاهیات
در دانشگاه اکسفورد و
رئیس تیمی بود که اولین
ترجمه انگلیسی انجیل را
عرضه نمود.

شود. در زبان انگلیسی، این امر همزمان با ترجمه انجیل از لاتین توسط جان وی کلیف (John Wycliffe) و تیم او در سال 1382 اتفاق افتاد. در این ترجمه، نوح برای کشتی خود، از هر حیوان دو نوع را انتخاب می کند. جنس (Sex) نر و جنس (Sex) ماده. (پیدایش 06:19). در اینجا کلمه «جنس» به سادگی، چیزی در مایه نوع، تیپ، دسته، نژاد و یا گونه بود. درواقع، حتی تا مدتها در قرن هیجده میلادی، این واژه به همان حالتی مورد استفاده قرار می گرفت که واژگان فرقه و دسته؛ به عبارتی مثل اشاره به گروهی از پیروان یک دسته، یک گروه مذهبی، یک بخش، فرقه و یا یک شیوه تفکر، بود.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟ تاریخ واژه 2

صفت «جنسی» (سکسوال) در ابتدا کاربرد خیلی محدودی داشت و هیچوقت بر چیزی جز نمونه ای از یک نوع دلالت نداشت. تا اینکه در قرن هیجده میلادی بود که این لغت معنی و مفهوم گسترده تری یافت و

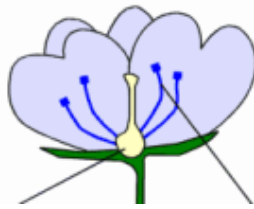


کارل ون لینه (Car Von Linne)
1707-1778، «پدر طبقه بندی» خوانده
شده است چرا که او سیستم بیلوژیکی
جهت نامگذاری، دسته بندی، و کلاسه
کردن ارگانسیم ها را تهیه نمود. او
"binary nomenclature" را معرفی
کرد، یعنی او به هر گیاه یا حیوان دو اسم
واگذار کرد؛ اول جینوس (مثل نام
خاتوانگی)، و در دنباله آن اسمی دیگر (مثل
نام).
مثال: Quercus rubra (بلوط قرمز)،
Homo Canis lupus (گرگ)، و
Sapiens (انسانی که امروز می شناسیم).

دلالت کردن بر روند تولید مثل را هم شامل گردید. این امر، تا حدودی، نتیجه پیشرفت علمی بود. برای مثال در سال 1735 گیاه شناس سوئدی کارل ون لینه (Car Von Linne) آنچه که او Methodus sexualis می نامید، را تهیه کرد که عبارت بود از متد یا سیستم طبقه بندی جنسی که طبق آن گیاهان بر اساس کاراکتر یا شماره های ساختاری تولید مثل خود، دسته بندی شدند. این روش، که اکنون منسوخ شده، بر متخصصان و حتی مردم عوام آن

زمان تأثیر زیادی بر جای نهاد ولی، یک نوع مخالفت عجیبی هم در برابر آن قد علم نمود. یعنی، سیستم لینه مورد حمله شدید تعدادی از رهبران مذهبی قرار گرفت که متوجه شده بودند که این سیستم امکان همزیستی مشترک یک مادگی با چندین ساقه (پرچم) نرینگی در یک گل واحد را مطرح می کند. این امر، بی نزاکتی

آشکاری بود و افترا به خداوند که غیر ممکن بود چنین فسادی را خلق کند. و به این خاطر، از معلمان بیولوژی درخواست گردید که از چنین امری با دانش آموزان جوان خود حرفی نزنند.



مقدمه- رفتار جنسی چیست؟ تاریخ واژه 3

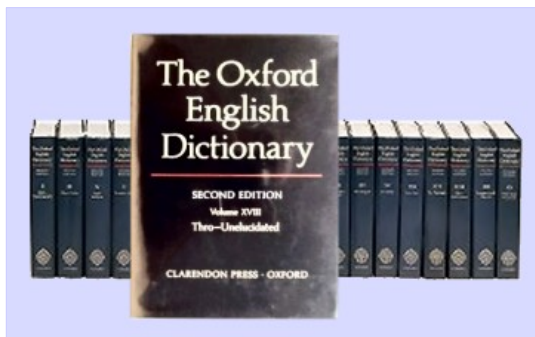
مخالفت با «متد طبقه بندی جنسی» لینه، تا حدودی قابل فهم بود. اخلاق گرایان بسیاری بر این تصور بودند که لینه و دیگر دانشمندان در پی «سکسوالیزه» کردن طبیعت، یا به عبارتی، نسبت دادن یک هدف شهبوانی به رویش هر برگ چمنی در طبیعت بود.

هرچند که این اتهام منصفانه نبود، ولی به هر حال برداشت عوام را منعکس می کرد. با پیشرفت سریع تحقیقات بیولوژی و پزشکی، عرصه های هر چه بیشتری از زندگی بی محابا مورد تحقیق و کالبد شکافی قرار گرفته، و رفتارها با هم مورد مقایسه قرار می گرفتند، و رابطه هایی که در گذشته حتی حس هم نشده بودند برملا شدند. **به محض آنکه مردم گلهای رز و نرگسیها را به عنوان موجوداتی جنسی در نظر گرفتند، کل سکس مفهومی فراگیر یافت و ابعاد کاملاً تازه ای به خود گرفت.** سکس ناگهان عمومیت (2) یافت، و این درک و فهم، به نوبه خود، خواه ناخواه بر اذهان قابل تحریک جوانان تأثیر بدی داشت. اما، طنز این است که، بعدها، خود اخلاق گرایان از مزایای چنین منظری سود جستند و تولید مثل انسانها را با صحبت از «گلها، پرندگان و زنبوران»، برای کودکان خود توضیح دادند.



2- منظور از آن عمومیت این است که حتی لقاح درختان هم به عنوان یک نوع عمل جنسی/سکسی تلقی گردید. مترجم.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟ تاریخ واژه 4



جنگال حول «متد جنسی» لینه دال بر آن داشت که مفهوم بسته قبلی sex گسترش یافته بود. حالا دیگر جنس نه تنها شامل مذکر و مؤنث می شد، بلکه روند تولید و انواع واکنشهای فیزیکی و روانی وابسته به آن را هم در بر می گرفت. به این ترتیب، در خلال 150 سال بعد از آن، تعدادی مفاهیم تازه و کاملاً ویژه ابداع شدند و سریعاً جذب اغلب زبانهای

دیکشنری انگلیسی اوکسفورد همه لغات موجود در زبان انگلیسی را ردیف و تعریف می کند. همچنین، هر جا که لازم باشد، تغییرات وارده در معانی آنها را هم از طریق ارائه اولین نقل قولی که در آن به کار رفته توضیح می دهد.

اروپایی گردیدند. زبان انگلیسی، مثل هر زبان دیگری، این روند عمومی را منعکس می کند. برای مثال، دیکشنری انگلیسی اوکسفورد لیست واژه های زیر را همراه با تاریخ اولین کاربرد آنها ردیف کرده است: "sexual intercourse" / مقاربت جنسی (1799)، "sexual function" / کارکرد جنسی (1803)، "sexual organs" / اعضاء و اندامهای جنسی (1828)، "sexual desire" / میل و شهوت جنسی (1836)، "sexual instinct" / غریزه جنسی (1861)، "sexual impulse" / تکانه و هوس جنسی (1863)، "sexual act" / رفتار و عمل جنسی (1888) و "sexual immorality" / بی اخلاقی و فساد جنسی (1911). جالب توجه آنکه بسیاری از این اصطلاحات جدید به محض کاربردی شدن شروع به گسترش معنی و مفهوم کردند. برای مثال، در ابتدا، از «اندامهای جنسی» صرفاً اندامهای مذکر و مؤنث (یعنی اندامهای آناتومیکی متمایز کننده هر جنس) مد نظر بود. این برداشت بعداً، با گذر زمان، اندامهای جنسی با لذت اروتیکی (اندامهایی که در فعالیت لذتبخش جنسی به کار می روند) را هم شامل گردید. در نتیجه، بلافاصله به هر رفتاری که به تحریک این اندامها منجر می شد، به عنوان یک رفتار «سکسوال/جنسی» نگریسته می شد. به همین دلیل، حتی این زمینه نیز فراهم شد که از رفتار «جنسی» بین دو فرد همجنس که مبنای آناتومی مشابهی داشتند هم، صحبت به میان آید.

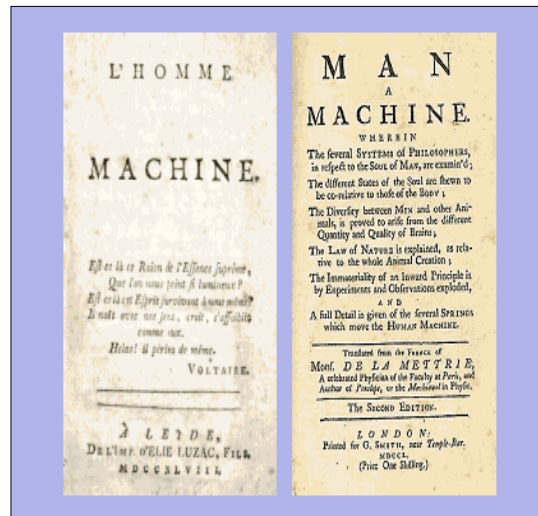
مقدمه- رفتار جنسی چیست؟ تاریخ واژه 5



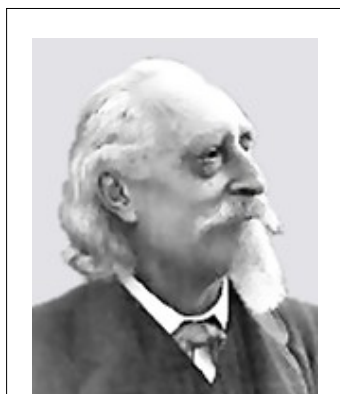
جولین اوفرای دلامتری (Julien Offray de La Mettrie) پزشک فرانسوی و فیلسوف ماتریالیسم، بیشتر به خاطر خلق (L Homme machine) انسان ماشینی معروف است. در این اثر بدن انسان مثل یک قطعه ماشینی تشریح گردیده. به نوشته خود نویسنده: جزئیات کاملی از چند مهره که موتور انسان را می گردانند، ارائه شده است. از آنجا که کتاب جایی برای روح مستقل و ابدی باقی نمی گذارد، توسط حاکمان، شرم آور و مقصوح تلقی شد و در انظار عموم به آتش کشیده شد. نویسنده فرار کرد و در برلین، در دربار پادشاه پروس، فردریک اعظم، پناه جست. دلامتری، در واقع صرفاً رشد اندرکی زمان خود را فرموده کرد و، به طور غیر مستقیم، تا حدود زیادی بر مطالعات رفتاری بعد از آن تأثیر گذاشت.

شکی نیست که تغییرات تدریجی در مفهوم «سکس»، تحول در تصویری که مردم از خود داشتند را منعکس می کرد. چون به هر حال، از اواخر قرنهای میانه، سبک زندگی در اروپا دچار تحولات پر شتاب و ژرفی شده بود. گذار از فئودالیسم به اقتصاد کاپیتالیستی، رشد تجارت و پیشرفت تکنولوژی باعث شکل گیری رفتارها، عادات و ارزشهای تازه ای گردید. طبقه متوسط شهری یا بورژوازی در حال ظهور، خود را به شکل بی سابقه ای با میزان بالاتری از نظم، انضباط، کنترل و انکار نفس بی سابقه ای تربیت نمود. بهره وری، وقت شناسی، تولید، و سود، به عنوان ارزشهای ایده آل جدید، معرفی شدند. به بدن انسان، به عنوان ماشینی که می بایست به اعلی ترین درجه ممکن از نظم و سودهی کار کند، نگریسته شد، و توقع بر این بود که این «ماشین» هم، در عملکرد جنسی خود عملگرا و مقرون به صرفه باشد. بنابراین، تکانه های جنسی خودانگیزه و امیالی که در استفاده «بهینه» از اندامهای جنسی، ایجاد اخلاص می کردند، به شدت سرکوب شدند. در نتیجه، همین سرکوب، انقیاد، مقهورسازی، و ترس از بدن، نظرها را به طور فزاینده ای متوجه کیفیت «جنسی» آن نمود.

کتاب جنجال بر انگیز دلامتری
چپ: صفحه عنوان کتاب به اصل فرانسوی (1748)
راست: ترجمه انگلیسی (1750)
(حدود بیست سال بعد، جیمز وات، با بهبود موتور بخار، «عصر ماشین»، یعنی انقلاب صنعتی را شروع کرد.)



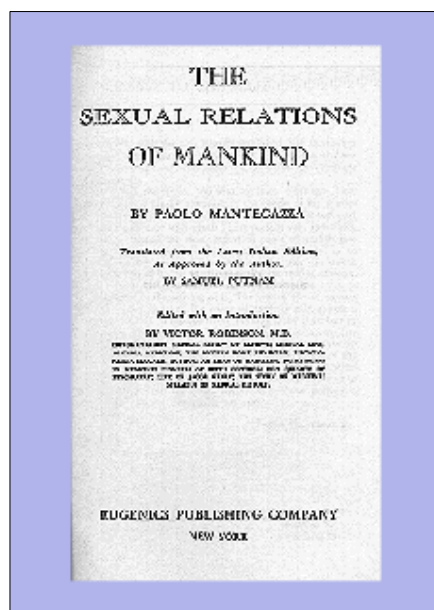
مقدمه- رفتار جنسی چیست؟ تاریخ واژه 6



پاولو مونتگازا (Paolo Mantegazza)
1831-1910
پزشک و مردم شناس ایتالیایی، سه جلد معروف و علمی «تریولوژی عشق»؛ «فیزیولوژی عشق-1872، بهداشت عشق-1877؛ و عشق بشر-1885 را منتشر کرد. در ترجمه انگلیسی کتاب اخیر به جای کلمه «عشق» «روابط جنسی» به کار گرفته شد.

در اوائل قرن نوزدهم ضمیر اسمی «جنسیت» (سکسوالیتی) در بحثهای علمی ظاهر شد. البته این لغت هم، باز در ابتدا، فقط به کیفیت مذکر یا مؤنث بودن اشاره داشت. ولی، در عرض چند دهه، برای مشخص کردن اشتغال به موضوعی جنسی به کار گرفته شد، و در آخر هم معنای برخوردار بودن از قدرت جنسی یا دارا بودن توانایی احساسات اروتیکی را به خود گرفت. حالا دیگر «جنسیت» (سکسوالیتی) معنایی فراتر از دلالت بر مذکر یا مؤنث بودن داشت، و لزوماً همیشه بر مقاربت زن و مرد یا تولید مثل هم دلالت نداشت، بلکه از آن فراتر رفت و حتی استمناء انفرادی (بدون دخالت دیگری) هم یک رفتار جنسی تلقی گردید، و از آن به عنوان تجلی جنسیت فرد برداشت می شد. یک چنین تحولی در تصور ادراکی، در ترجمه انگلیسی یک کتاب مهم ایتالیایی در آن زمان، نمایش داده شده است: مطالعات مونتگازا حول عادات جنسی خارجی (Gli amori degli uomini)، با عنوان «روابط جنسی نوع بشر» «The Sexual Relation of Mankind» ترجمه شد. به کار بردن «روابط جنسی» (Sexual Relation) به جای «عشق» (amori)، در این ترجمه، بیانگر پیروز شدن تحقیقات مدرن جنسی بر رهیافتهای سنتی به موضوع می باشد. به عبارتی دیگر، ars amatoria (هنر عشق)، به نفع Scientia sexualis (علم سکس) کنار گذارده شد. «عشق»، رموز، و اغلب گریزان، خیلی گنگ، شاعرانه و احساسی تلقی شد و می بایست با سلاح علم با آن رو به رو شد. در عوض «سکس» بیشتر فنی، بی طرف و موضوعی کمتر مبهم است که، با ذهن باز و بدون ابهام می توان به بررسی و تجزیه و تحلیل آن دست زد. بنابراین، «عشق» خود را برای فلسفه بافی و انهاد، «روابط جنسی» قابلیت مقیاسی و طبقه بندی شدن داشت.

بدون ابهام می توان به بررسی و تجزیه و تحلیل آن دست زد. بنابراین، «عشق» خود را برای فلسفه بافی و انهاد، «روابط جنسی» قابلیت مقیاسی و طبقه بندی شدن داشت.



نسخه آمریکایی «عادات جنسی خارجی» مونتگازا.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟ تاریخ واژه 7

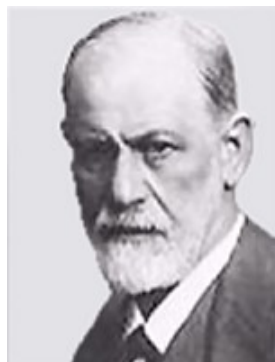


(Richard Von Kraft-Ebing)
ریچارد فون کرافت-ایبینگ 1840-1902
روانکاو شاغل در اتریش. مطالعات
تأثیرگذار خود Psychopathia
"Sexualis" (سایکوپاتولوژی جنسی) را
در سال 1886 به چاپ رساند. او در این
کتاب، موارد بسیاری از رفتارهای جنسی
غیر عرفی را برشمرد و آنها را به عنوان
علائمی از بیماری روانی دانست. او
همینطور برای برخی از این رفتارها
اسامی روانشناسانه در نظر گرفت؛ مثل
«سادیسم»، «مازوخیسم» و «اروتیک
بچه بازی».

در اواخر قرن نوزده میلادی، «جنسیت» مؤنث و مذکر، و
تظاهر ابعاد پرشمار آن موضوع و هدف پژوهشهای علمی قرار
گرفت. در واقع، مردم «سکس» را در همه جا می دیدند. اما در عین
حال، با محدودیت واژه ها و اصطلاحات جهت بیان عواطف، هوسها
واحساسات شهوانی خود مواجه شدند. تنوع خارق العاده در زبان
انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، ایتالیایی و آلمانی برای اندامهای
جنسی، عملکرد بدنی، و عشق ورزی، به مرور با واژه ها و
استعاراتی شرمگین و تعداد معدودی لغات ناقص یونانی و لاتین
جایگزین شده بود. چون، واژه ها و اصطلاحات گسترده بومی و
محلی به بهانه رکیک، مبتذل و «کثیف» بودن مورد بی مهری قرار
گرفته و کنار گذاشته شده بودند.

وقتی «فون کرافت- ایبینگ» (Von Kraft- Ebing) مطالعات
خود "Psychopathia Sexualis" را به زبان مادری اش، آلمانی،
منتشر کرد، زبان «عامه پسند» آنچنان فقیر، و جامعه به حدی حساس
شده بود، که کسی قادر نبود در ملاء عام، در مورد موضوع
«سکس» حرفی به میان آورد. نه تنها خود عنوان کتاب، بلکه حتی
بسیاری از عبارات و بخشهای صریح کتاب هم به زبان لاتین نوشته
شدند تا مبدا خواننده معمولی آنها را بفهمد و به رگ غیرتش بر
بخورد.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟ تاریخ واژه 8



(Sigmund Freud) زیگموند
فروید 1856-1939 «پدر روانکاوی»،
مفهوم سکس را به مقدار وسیعی گسترش
داد. او در آن تجلی یک کشش اولیه رو به
زندگی (اروس)، که علیه کششی مخالف
و رو به مرگ (تاناتوس) می جنگد، می
دید.

آنگاه که همه کلمات «کثیف» ممنوع شده بودند، چند اصطلاح
«قابل قبول» باقی مانده، باید آنچنان کش و قوس داده می شدند تا
کل علم معانی لغات را پوشش دهند. در همین رابطه، مثلاً کلمه
«جنسی» (سکسوال) با پر کردن خلاء ترمینولوژی به وجود آمده،
پیوسته معانی تازه ای به خود می گرفت. اروپائیان و آمریکائیان
مدرن، هنگام صحبت درباره بسیاری از پدیده های کاملاً مجزا و
بی ربط، جز به کار گیری کلمه مفرد «سکسوال» چاره دیگری
نداشتند. چنین کاربردی، به نوبه خود، بر ذهن و درک مردم جامعه
تأثیرگذار بود. مردم دیگر به این عادت کردند که در هر نوع
رفتاری، که پیش از این «پاک» و از جهت جنسی بی مورد می
نمود، انواع و اقسام تأثیرات ریشه و دلایل جنسی بیابند. به عبارت
دیگر، مردان و زنان، رفتار و نگرشی حساس و به شدت حشری
در قبال همدیگر در پیش گرفتند. در اوائل قرن بیستم، و تحت تأثیر
رشد فزاینده تفکر روانکاوانه، مفهوم سکسوالیتی هر چه فراگیرتر
شد. طوری که نه تنها بر تولید مثل و لذت جویی شهوانی، بلکه

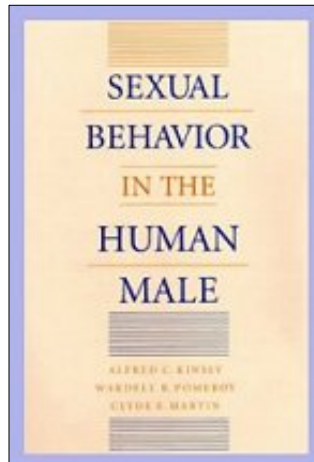
همچنین بر نیاز به عشق و احساس کمال فردی هم دلالت می کرد، از جمله به خود نفس «شور زندگی».
در واقع، فروید و پیروانش آموختند که عنصر و جوهری از جنسیت را تقریباً در همه فعالیت‌های بشری بیابند
و بعداً آن را به عنوان مظهر غریزه ای اولیه، تجلی یک «نیروی» پایه ای و قدرتمند، توصیف کردند.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟ تاریخ واژه 9

تاریخچه مختصر تاریخ واژه رفتار جنسی، می تواند ما را در درک و فهم یک حقیقت ساده کمک کند: وقتی که ما از رفتارهای «جنسی» بشر صحبت می کنیم فقط ساده و بی طرفانه رخدادهای حقیقی را توضیح نمی دهیم. بلکه همچنین نقطه نظر معینی را برای تمرکز بر این رخدادهای هم انتخاب می کنیم. به عبارتی، ما فلسفه ای شخصی (و چه بسا کوتاه فکرا نه) را بیان می داریم. چارچوب ذهنی خاص و مدرنی لازم است تا علائم «جنسی» را در هر گوشه ای باز شناسد و از «سکس» به عنوان نیرویی اساسی و نافذ در همه جا، درک و تصور داشته باشد. چنین ذهنیتی لزوماً ظرفیت و توان بیشتری در شهوترانی، یا زندگی پربار عشقی را بازتاب نمی دهد. درحقیقت، چنین امری چه بسا نشانه ای از شهوانیتی چلاق و زمین گیر شده یا بینوا باشد. داشتن اشتغال ذهنی در رابطه با سکس معادل برخورداری از کامیابی جنسی تمام عیار نمی باشد. به هر حال، به نظر می رسد وقار و متانت آن باشد که به کل موضوع با احتیاط نزدیک شویم.

برای مثال: بر همگان آشکار است که بسیاری از مردمان به اصلاح بدوی از بازشناسی عنصر جنسی در شرایط خاصی که برای مشاهده کننده مدرن غربی چیزی جز «سکس» نیست، باز می مانند. چنین چیزی حتی ممکن است در مورد مردمانی صدق کند که برای خشنودی جنسی جایگاه ویژه ای قائلند. آنها کلاً متوجه انواع متفاوت نشانه ها، علائم و دلالت‌های ممکن «متمدنانه» آن نمی شوند. می توان همین را به کودکان در فرهنگ خودمان که به فعالیتهای «جنسی» می پردازند، هم تعمیم داد. بسیاری از این فعالیتها برای آنها به هیچ وجه «جنسی» محسوب نمی شوند، بلکه درواقف، برداشتهای بزرگسالان را به مرور و اغلب بر خلاف میل خود، جذب می کنند.

و آخر اینکه، این یک تجربه عام روان درمانگران مدرن است که در گروه درمانیهای مختلط، بسیاری از مشکلات روابط دو طرفه با طبیعت و ریشه «جنسی» توضیح داده می شوند. در حالی که، با همین مشکلات در گروههای کاملاً مردانه یا کاملاً زنانه، به شکل دیگری برخورد می شود. در اینجا، بعد «جنسی» چندان مهم تلقی نمی شود، بنابراین، شرکت کنندگان آمادگی آن را دارند که به دنبال علل و ریشه های دیگری بگردند.



تصویر جلد اولین «گزارش» کینزی در سال 1948. همانطور که از عنوان پیداست، کتاب از منظر بیولوژیکی نوشته شده است. (مثلاً عنوان یکی از مطالعات بیولوژی ممکن است چنین باشد: رفتارهای خودآماده سازی در شمپانزه نر) یک مطالعه غیر بیولوژی عنوان دیگری انتخاب می کرد، اما کینزی می خواست فاصله خود را با دیدگاه آن زمان غالب پزشکی درباره سکس، حفظ کند. جالب آنکه، او تعریفی از مفهوم «رفتار جنسی» ارائه نداد، بلکه خیلی ساده بر این باور بود که خواننده معنی آن را می فهمید.

پیش درآمد- رفتار جنسی چیست؟ معانی امروزی واژه

وقتی که زبان حرفه ای دوران فعلی خودمان را مورد بررسی قرار می دهیم، متوجه می شویم که واژه «رفتار جنسی» بسته به موضوع، پس زمینه و علاقه علمی نویسنده، می تواند چهار معنی اولیه مختلف داشته باشد:

واژه «رفتار جنسی» می تواند دال بر این موارد باشد:

1. همه کنش و واکنشهای بیان کننده نقش جنوری (جنسیتی) فرد (رفتارهای جنسیتی).
2. هر رفتاری که «واکنش جنسی» بدن را در بر گیرد (رفتارهای اروتیکی).
3. همه فعل و انفعالات ضروری برای لقاح (رفتارهای تولید مثل).
4. همه مظاهر «غریزه زندگی» (رفتارهای بهبود بخش زندگی).

پیش درآمد- رفتار جنسی چیست؟ ملاحظه ای برای احتیاط

هنگام صحبت از رفتارهای جنسی، به خاطر داشتن تمایزات و تفاوت‌های بین رفتارهای جنسیتی، رفتارهای اروتیکی، رفتارهای تولید مثل و رفتارهای بهبود بخش زندگی، مهم و ضروری است. بسیاری از نویسندگان اصطلاح «رفتار جنسی» را به صورت گل و گشاد به کار می برند و تمایزی بین معانی مختلف آن قائل نمی شوند. آنها این اصطلاح را طوری به کار می گیرند که گویا معانی مختلف آن با هم قابل معاوضه اند، و در خلال یک بحث، بدون آنکه خود خبردار شوند، ممکن است از منظوری به منظوری دیگر تغییر جهت دهند و معانی مختلف رفتارهای جنسی را با هم قاطی کنند. این امر می تواند به خطایی اساسی منجر شود.

برای نمونه: پژوهشگرانی الگوی جفتگیری موشهای صحرایی را مورد مطالعه قرار دادند، یعنی رفتارهای باروری و تولید مثل آنان را، و بعداً از یافته های خود، به نتیجه گیری در مورد رفتارهای اروتیکی انسان رسیدند. اما، این کار خطاست. چون بدان منجر می شود که هر دو رفتار، بدون توجه به تمایزات آنها، «جنسی» نامیده شوند. این مثل «مقایسه سیب و پرتقال» می ماند که هر دو را میوه بنامیم. حالا اینکه موش صحرایی انسان نیست، به کنار، ولی کلاً این موضوع که رفتارهای اروتیکی و رفتارهای تولید مثل انسان موضوعاتی کاملاً جداگانه اند، نیز نادیده گرفته می شود یا، مثال دیگری را در نظر بگیریم: محققان در طول سالهای سال، شباهتهای اشتباه و نادرستی بین رفتارهای اروتیکی و رفتارهای جنسیتی (جنوری)، ترسیم می کردند. به همین خاطر، آنها، همجنسگرایی در مردان را معادل زنانگی در نظر گرفتند و آن را «انحراف جنسی» نامیدند. طبق نظر آنان، میل جنسی در بعضی از مردان «منحرف» شده، یعنی با میلی جایگزین گردیده که شاخص و معرف زنان می بود. یعنی در واقع این «منحرفان» «روحی زنانه در بدن مردانه» خود داشتند. این محققان متوجه این موضوع نبودند - یا نمی خواستند متوجه شوند- که آنها با دو موضوع کاملاً مجزا رو به رویند. نقش جنسی یک مرد، هیچ ربطی به گرایش جنسی او ندارد. در آخرین تجزیه و تحلیل، چه بسا مردان دارای رفتارها و حرکات غلیظ زنانه (بسیار فمینیین) از جهت میل اروتیکی به زنان تمایل داشته باشند، و در عین حال مردان بسیار «مردانه» و ماسکولین چه بسا به مردان دیگر گرایش داشته باشند. باز در اینجا هم، قصور در تشخیص تمایزات ضروری، مانع هرگونه شناخت واقعی گردید. در بخشهای بعدی به این تمایزات با جزئیات بیشتری پرداخته خواهد شد.

پیش درآمد- رفتار جنسی چیست؟ معانی امروزی واژه 1: رفتار جنسیتی (جنوری)



این اصطلاح «رفتار جنسی» می تواند به همه اعمال و واکنشهای بیانگر و بازتاب دهنده نقش جنسیتی (جنوری) فرد، اطلاق گردد. این یک تعریف عام و کلی است، اما کاربرد رایجی دارد. و کلاً اولین تأثیری که فرد به عنوان یک موجود «جنسی» بر جای می نهد را ثبت می کند؛ یعنی مذکر یا مؤنث بودن فرد، و درجه ماسکولین یا فمنین بودن ادا و اطوار او که فرد ناظر، اغلب ناخودآگاه، متوجه آن می شود و آنها را برای جنس مذکر یا مؤنث، مناسب و یا نامناسب می داند. اما فرد به نوبه خود، عمیق ترین حس خویشتن خویش بودن را از توانایی یا عدم توانایی اش در ایفاء و ابراز نقش جنسیتی ای که از آن برخوردار است، و منطبق سازی هویت خود با نقش جنسیتی واقعی اش، دریافت می کند. کوتاه سخن اینکه، رفتارهای جنسیتی فرد، هرگونه مرادوه اجتماعی او، از جمله مرادوه اروتیکی اش با دیگران را شکل می دهد.

رفتارهای جنسی در این شکل مقدماتی و اولیه، یعنی ایفاء نقش جنسیتی مذکر یا مؤنث، قبل از هر رفتار جنسی دیگری، آموخته می شوند. پروسه یادگیری نقش جنسیتی، بلافاصله از بدو تولد، یعنی از زمانی که به نوزاد اسم مذکر یا مؤنث داده می شود، لباس با رنگ صورتی یا آبی پوشانده، و به شکلی متناسب با جنس ظاهری اش بغل می شود، شروع می گردد. بعدها، از کودک در حال رشد و در سنین بالاتر، توقع می رود که علائم، حرکات و رفتارهای فمنین یا ماسکولین «متناسب» با جنس ظاهری اش از خود بروز دهد، و همین، به نوبه خود، بر دیگر رفتارهای جنسی او که بعد از آن یاد می گیرد، و در زیر به آنها پرداخته می شود، تأثیر می گذارد.

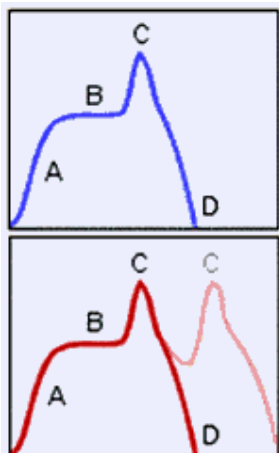
پیش درآمد- رفتار جنسی چیست؟ معانی امروزی واژه 1: رفتار جنسیتی جدول جمع بندی: جندر

جندر
- جندر به فمینیته و ماسکولینیتی (ادا و اطوار، رفتار، حرکات، شکل صحبت کردن، نشست و برخاست، و حتی نوع لباس و...) فرد دلالت دارد، که براساس کیفیت فیزیولوژیکی خاصی که در یک جنس تشویق و در جنس دیگر بازدارنده می شود، تعیین می گردد.
- افراد به آن حد و درجه ای فمنین یا ماسکولین می باشند که با جندر آنها مطابقت دارد.
- اغلب افراد از جهت جنوری با جنس فیزیکی خود تناسب دارند.
- اما، اقلیتی از افراد، تا حدودی، جنوری را اختیار می کنند که با جنس فیزیکیشان تناسب ندارد (ترانس وستیسیم)، و در اقلیت باز هم کوچکتری، این عدم تناسب، «انحراف»، کامل می باشد (ترانس سکسوالیسم).

البته، همانطور که مورخان فرهنگی مطلعند، مفهوم و محتوای نقشهای جنوری (جنسیتی) ممکن است از کشوری به کشوری دیگر، و از قرن به قرن دیگر، متفاوت باشد. بنابراین، چه بسا مردمان گذشته، از زنانگی و مردانگی برداشتی مغایر با برداشت امروزی ما داشته اند. این مفاهیم حتی امروز هم، ممکن است در همه بخشهای جهان به یک معنا نباشند. به عبارت دیگر، «جنس» یک مسئله بیولوژیکی است، اما جندر اغلب توسط فرهنگ شکل داده می شود. در عین حال که زنانگی و مردانگی از یک بعد بیولوژیکی برخوردار است، اما معنی حقیقی و چگونگی ابراز و بیان آنها می تواند با گذشت زمان تغییر کند. به هر حال، فارغ از اینکه این دو

در هر جامعه ای چگونه تعریف و تبیین می شوند، ولی در تعیین همه مرادده های جنسی بشری نقش عمده ای دارند.

پیش درآمد- رفتار جنسی چیست؟ معانی امروزی واژه 2: رفتارهای اروتیک



پاسخدهی جنسی
در انسان، پاسخدهی جنسی در مردان (آبی) و در زنان (قرمز) در اساس از الگوی مشابهی پیروی می کند.
A= برانگیختگی
B= پلاتو
C= ارگاسم
D= فرونشینی
ولی متغیراتی در پاسخدهی جنسی زنان دیده می شود؛ مثلاً ارگاسمهای مکرر که یک زن ممکن است در یک هم‌آغوشی تجربه کند.

2. این اصطلاح «رفتار جنسی» می تواند به هر نوع رفتار مربوط به «واکنش جنسی» بدن اطلاق گردد.
این تعریفی است مدرن و عملی، و بیانگر مشاهداتی است که حیوانات هنگام جفتگیری، تغییرات فیزیکی ای با نشان و ویژگیهای خاصی را تجربه می کنند که می توان آنها را تحت عنوان «پاسخدهی جنسی» (SEXUAL RESPOND) جمع‌بندی نمود. همچنین مشاهده شده که این واکنش و پاسخدهی جنسی حتی در شرایطی که تولید مثل غیر ممکن بوده هم اتفاق می افتد. مثلاً دیده شده که بعضی حیوانات، در تنهایی، آلت جنسی خود را تحریک می کنند، یا سوار حیوانی همجنس خود می شوند، یا سعی می کنند با حیوانی از گونه ای دیگر (که شامل انسان هم می شود) جفتگیری کنند. در همه این حالات، مشخصاً برانگیختگی جنسی دخالت دارد. این رفتار جنسی به معنای محدود کلمه است. در مورد انسان، این حالت اغلب رفتار شهوانی (اروتیکی) خوانده می شود.

پیش درآمد- رفتار جنسی چیست؟ معانی امروزی واژه 2: رفتارهای اروتیک پستانداران تکامل یافته تر



میمونهای در حال جماع
رفتار تولید مثلی؟
رفتار بیانگر سلسله مراتب و جلب رضایت؟
رفتار آرامبخش؟
رفتار لذت آور؟

در بسیاری از پستانداران تکامل یافته تر، رفتارهای جنسی را نمی توان تنها با مفاهیم تولید مثل و روابط زن و مرد توضیح داد. در واقع، در مواردی، این به اصطلاح رفتار جنسی را به راحتی می توان طور دیگری، ساده تر و بهتر بیان نمود، مثلاً «رفتار هشداری»، «رفتار استقبالی»، «رفتار جلب رضایتی»، «رفتار اعلام جایگاه سلسله مراتب» و امثالهم. مثلاً نوع خاصی از میمونهای نر، جهت اعلام خطر به کسی که وارد حریم زندگی آنها شده، آلت شق شده خود را نشان می دهند. آنها برای خوش آمد گویی یا جلب رضایت آنانی که در گروهشان از رتبه بالاتری برخوردارند در برابرشان با حالتی آماده جفتگیری ظاهر می شوند، یا با سوار کپتران خود شدن، قدرت و موقعیت برتر خود را در گروه اعلام می دارند. به همین خاطر، زمانی که ما چنین رفتارهایی را جنسی می نامیم، صرفاً آنها را توصیف کرده ایم، بدون آنکه چیز خاصی در اهمیت آنها بیان کرده باشیم. ما فقط می گوئیم که این رفتارها از نوعی بار جنسی، هر چقدر ابتدایی، برخوردارند. ما نمی

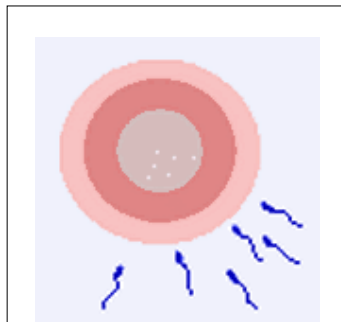
گوئیم که معنای آنها چیست. در واقع، چه بسا در بعضی از حیوانات مشاهدات زیادی لازم باشد تا بتوان به معنای واقعی این رفتارها پی برد.

پیش درآمد- رفتار جنسی چیست؟ معنای امروزی واژه 2: رفتارهای اروتیکی انسان

در نوع بشر، معنی رفتارهای جنسی به هیچ وجه روشن و مشخص نیست. نفس پاسخدهی جنسی ممکن است واضح باشد اما انگیزه و هدف آن رفتار چه بسا مبهم و نامعلوم باقی بماند. اگر بخواهیم برای توضیح بیشتر از یک اصطلاح معروف کمک بگیریم آنوقت می توان اصطلاح «استفاده از اهرم سکس به عنوان یک وسیله برای اهداف غیر جنسی» را به کار برد. به هر حال، بحث حول اینکه این اهداف کدامها هستند، همچنان لاینحل باقی است.

لازم به گفتن نیست که، صحبت از رفتارهای جنسی بدون اشاره به معانی و منظور احتمالی آنها، مزیتیایی در بر دارد؛ یعنی کاربرد بی طرفانه ما را از پیشداوری نسبت به موضوع باز می دارد. به همین دلیل، این شیوه امروزه، در بین پژوهشگران جنسی که برآنند تا تعریفی همراه با جزئیات کامل از عمل فرد، قبل از قضاوت در مورد علت عمل او ارائه دهند، متداول است. مشخصاً، این تعریف، همه انواع رفتارهای جنسی بشر را در بر می گیرد (خودتحریکی جنسی، مقاربت جنسی دگرجنسگرایانه و همجنس گرایانه، و تماس جنسی با حیوانات)، ولی درجه جایگاه و سلسله مراتب بین آنها را در بر نمی گیرد. و علاوه بر آن، راه را برای انواع تفسیرها از هر کدام از این رفتارها باز نگه می دارد. کوتاه سخن اینکه، تعریف فوق، سکس را معادل تولید مثل یا هر منظور خاص دیگری تلقی نمی کند. بلکه صرفاً توجه را به واکنش فیزیکی خاصی جلب می کند که در انواع مختلف فعالیتها مشترک می باشد. با این همه، ما می دانیم که دست کم در نوع بشر، این واکنش اغلب با یک احساس قوی لذت همراه است.

پیش درآمد- رفتار جنسی چیست؟ معنای امروزی واژه 3: رفتارهای تولید مثلی

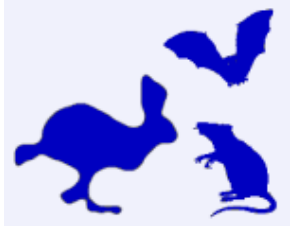


بسته شدن نطفه

شرط تولید مثل جنسی، وقوع یک رشته متوالی از کنش و واکنش فیزیکی توسط نر و ماده لازم است. در پستانداران، این رشته متوالی ممکن است به اتصال آلت جنسی آن دو به هم منجر شود، و همین اتصال به نوبه خود به بارور شدن سلول جنس ماده (تخمک) توسط سلول جنس نر (اسپرم) منجر می شود. مسلماً تنها بسته شدن نطفه کافی نیست، بلکه به دنبال آن بارداری و تولد موفقیت آمیز هم لازم است.

3. این اصطلاح «رفتار جنسی» می تواند به همه انواع رفتارها و واکنشهای لازمه لقاح، اطلاق گردد. این تعریفی است بسیار تنگ و محدود، و بیانگر این است که هر کدام از گونه های حیوانات تکامل یافته، به دو نوع جنس نر و ماده تقسیم شده اند، و به صورت جنسی تولید مثل می کنند. یعنی نر و ماده، سلولهای متفاوت اما مکمل یکدیگر، تولید می کنند. حیات تازه زمانی شکل می گیرد که سلول نر (اسپرماتوزوئید) با سلول ماده (تخمک) متحد شده و آن را بارور کند. لازمه تحقق چنین چیزی آن است که نر و ماده یک رشته از مراحل مشخص و متوالی از کنش و واکنشهای فیزیکی را به اتفاق طی کنند. این توالی (و هر قسمتی از آن) رفتار جنسی خوانده می شود.

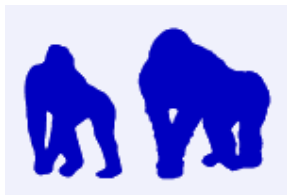
پیش در آمد- رفتار جنسی چیست؟ معانی امروزی واژه 3: رفتارهای تولید مثلی پستانداران کمتر تکامل یافته



در پستانداران کمتر تکامل یافته، رفتارهای جنسی به طور محکمی به وسیله کنترل‌های فیزیولوژی خاصی تنظیم می‌گردند. در زمانی خاص، هنگامی که امکان لقاح وجود دارد، نر و ماده نسبت به رفتارهای «اشاره ای» خاصی در همدیگر واکنش نشان داده و بنابراین به شیوه ای به مراد به هم می‌پردازند که سلولهای جنسی نر و ماده آنها به هم رسانده می‌شوند. مثلاً نر ممکن است بر پشت ماده سوار شود، آنوقت شاید آلت‌های جنسیشان به هم متصل شوند و احتمالاً حیوان نر در درون بدن ماده، جایی که ممکن است لقاح صورت گیرد، به انزال برسد. با این همه، توالی کل رشته های کنش و واکنشها به شرطی تکمیل می‌شود که همه اشاره های مورد نیاز توسط هر دو طرف دریافت شده باشند.

رفتارهای جنسی نر و ماده باید در هر قدمی به شکلی خاص مکمل همدیگر (همخوان) باشند. بدن این حیوانات طوری برنامه ریزی شده که لقاح را ممکن می‌سازد اما بدون مکمل سازی (همخوانی) دو طرفه، برنامه ریزی صورت گرفته مختل می‌شود و چه بسا شروع هم نشود. این، از جمله، بدان معنا است که رفتارهای جنسی این حیوانات «غریزه ای»، یعنی کاملاً از درون هدایت شده، نمی‌باشد، بلکه در پاسخ (واکنش) به محرکهای خاصی در زمانی که اتفاق می‌افتد، «شکل گرفته» یا «کنار هم ردیف» می‌شوند.

پیش در آمد- رفتار جنسی چیست؟ معانی امروزی واژه 3: رفتارهای تولید مثلی پستانداران تکامل یافته تر



در حیوانات تکامل یافته تر، کنترل‌های فیزیولوژیکی ذاتی مربوط به رفتارهای جنسی، جفتگیری «موفقیت آمیز» را تضمین نمی‌کنند، بلکه این کنترلها بایستی با آموزش و یادگیری تکمیل شوند. برای مثال، میمونها و بوزینه هایی که در انزوا رشد کرده و فرصت مشاهده یا تمرین جفتگیری را نداشته اند، کماکان ظرفیت واکنش نسبت به اشاره های (جنسی) میمون یا بوزینه هایی که ناگهان در برابرشان ظاهر می‌شوند، را دارند اما شاید بلد نباشند که چگونه با آنها تعامل کنند و در نتیجه حرکات بدنی آنها خام، نامناسب و همراه با دست و پا چلفتی باشد. بنابراین، لقاحی هم صورت نمی‌گیرد. با این حساب، کاملاً روشن می‌شود که رفتارهای جنسی «نرمال» این حیوانات تا حدود زیادی به تمرین و تجربه بستگی دارد. علاوه بر این، روشن است که رفتارهای جنسی بسیاری از حیوانات تکامل یافته تر بسیار متنوع و مفصل می‌باشد و کارکردی فراتر از صرفاً تولید مثل دارند و به موازنه و حفظ انسجام اجتماعی هم کمک می‌کنند.

پیش در آمد- رفتار جنسی چیست؟ معانی امروزی واژه 3: رفتارهای تولید مثلی بشر

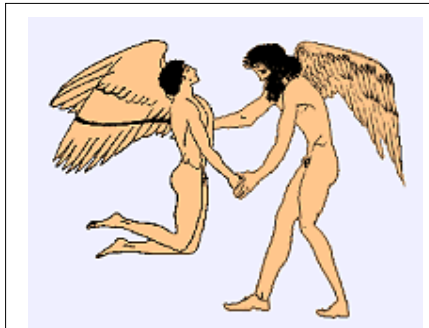


الگوهای رفتاری در تکامل یافته ترین پستاندار، یعنی نوع بشر، انعطاف پذیرتر و پیچیده تر است. انسانها با ظرفیت پاسخدهی جنسی نسبتاً ساده ای متولد می‌شوند، ولی به شکل خاصی، برای جفت گیری، برنامه ریزی (programmed) نشده اند. در نتیجه، تقریباً به طور کامل به مشاهده و تجربه وابسته اند. رفتارهای جنسی انسانها، بسیار متغیرند، و چه بسا تولید مثل،

هدف مقدم آن رفتارها نباشد. در عوض، ممکن است رضایت و خشنودی فردی و اهداف گوناگون اجتماعی او خیلی مهم تر باشند. به طور خلاصه، وقتی ما از انسان صحبت می‌کنیم، نمی‌توانیم سکس را معادل تولید مثل قرار دهیم. رفتارهای جنسی بشر خیلی فراتر از رفتارهای تولید مثل بوده، و به همین دلیل نیازمند تعریفی جامع‌تر و وسیع‌تر از آن چیزی که در فوق آمد، می‌باشند.

پیش درآمد- رفتار جنسی چیست؟ معانی امروزی واژه 4: رفتارهای بهبود بخش زندگی

4. این اصطلاح «رفتارهای جنسی» می‌تواند به همه مظاهر «غریزه زندگی» دلالت داشته باشد. این



اروس، خدای عشق (چپ)، توسط تاناتوس (راست) مهار شده است.
(نقاشی بر روی یک گلدان قدیمی یونانی.)

تعریف بسیار وسیعی است و رد پای آن می‌تواند به فروید و تنوری روانکاوی او برسد. فروید بود که مفهوم «لیبیدو» (لاتین: شور جنسی) را توسعه داد. این مفهوم در ابتدا برای او انرژی فیزیولوژیکی مرتبط با امیال جنسی را در خود جمع می‌کرد، اما بعداً آن را به معنای همه تلاشهای سازنده انسان تعبیر نمود. در انتها، فروید زندگی انسان را کلاً تحت تسلط دو غریزه متضاد بنیانی دانست که او آن دو غریزه را به نام دو خدای کهن یونانی: اروس (غریزه زندگی) و تاناتوس (غریزه مرگ) نامگذاری کرد. بخشی از پیروان او این دیدگاه را نپذیرفتند، اما تصور غریزه یا نیروی اروتیکی قدرتمند ذاتی، در سطح وسیعی مورد قبول واقع گردید و حتی به عنوان جزئی از فهم و دانش مدرن عمومی جا افتاد. بر همین اساس، در بسیاری از اذهان «کشش و میل جنسی»، بازتاب دهنده جستجوی انواع لذتها توسط انسان، و «سکس» انگیزه اصلی هر نوع فعالیت کیفیت‌زا و بهبود بخش زندگی گردید.

پیش درآمد- رفتار جنسی چیست؟ معانی امروزی واژه 4: رفتارهای بهبود بخش زندگی اروس، «غریزه زندگی»

هنگامی که «رفتار جنسی» به عنوان بیان و تجلی اروس، غریزه بنیانی حیات، تعریف شود، آنوقت



اروس
مجسمه «اروس» در میدان
پیکادلی سیرکوس لندن. ساخته شده
در 1893، در ابتدا قرار بود که این
مجسمه «فرشته رحمت عیسوی» را
تداعی کند، اما مردم خیلی زود
ترجیح دادند که خدای کهن یونانی
عشق را در آن ببینند.

«رفتارهای جنسی» اصطلاحی نسبتاً فراگیر می‌گردد، و نه تنها همه انواع عشق ورزی بین زن و مرد را در برمی‌گیرد بلکه همه دیگر اشکال فعالیت‌های انسان را هم شامل می‌شود. در واقع، حتی چه بسا از مکیدن انگشت و پستان مادر در کودکی گرفته تا خوردن، نوشیدن، رقصیدن، آواز خواندن، نقاشی کردن، یا جمع آوری آثار هنری در بزرگسالی را هم دربرگیرد. انگیزه، مسئله اصلی همه این فعالیتها است. چنانچه رفتاری با انگیزه لذت شخصی صورت بگیرد، اگر رفتاری بنا به انگیزه درونی نیاز به احساس کمال فردی انجام گیرد، اگر رفتاری فرد را ارضاء می‌کند و به او آرامش می‌بخشد، اگر احساس زنده بودن او را تشدید و تقویت می‌کند، آنوقت این رفتاری است جنسی. حتی می‌توان از این هم فراتر رفت و از رفتارهای جنسی در افرادی صحبت کرد که در مورد عشق خیال می‌بافند، یا به فانتزیهای اروتیکی خود، در جامعه، به شکلی سمبلیک و ناشناخته جامعه عمل می‌پوشانند.

این را هم می‌توان گفت که در بعضی از مردان و زنان، «میل و کشش جنسی» بلوکه، تار، و یا مختل شده می‌باشد، و به همین دلیل،

آنها برای رسیدن به ارضاء جنسی، به شیوه ای «منحرفانه»، به دیگران آسیب رسانده و یا آنها را مورد آزار و ضرب و جرح قرار داده و حتی به قتل می رسانند. در برخی از این حالات، حتی ممکن است سرخ مسائل جنسی کاملاً غایب باشد. ولی به هر حال، یک تجزیه و تحلیل روانکاوانه ممکن است بتواند رد پای علت آنها را بیابد و انگیزه «حقیقی» عمل را برملا کند. (از طرفی، در آخر، انگیزه «حقیقی» ممکن است کاملاً منفی از آب درآید، یعنی تجلی «تاناتوس، غریزه مرگ». با این حساب، آنوقت آشکار می شود که رفتار جنسی مورد شک واقع شده، کلاً جنسی نبوده است.)

این چند مثال شاید برای اثبات اینکه تعریف ارائه شده فوق از رفتار جنسی مشکل ساز است، کافی باشند. مسلماً این تعریف، همچون دو تعریف قبل از خود، تشریحی و بی طرفانه نیست. بلکه، ارزش مدار و حاوی عناصر قدرتمندی از حدس و گمان می باشد. در هر صورت، فایده آن برای دانشمندان ثابت نشده، اما با همین مشخصه، مورد توجه زیاد اخلاق‌گرایان و فلاسفه واقع گردیده است.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟

«کشش جنسی»

«کشش»: از بیولوژی تا روانکاوی

همانطور که مشاهده شد، حتی در سطح تئوری هم «سکس چندان ساده نیست». اضافه بر این، مشخصاً به آن شکلی که مردم معمولاً درباره «سکس»، «رفتار جنسی»، و یا «کشش/نیروی محرکه جنسی» صحبت می کنند هم، چندان دقیق نمی باشد، و مسلماً، برای یک تجزیه و تحلیل مستقل هم مناسب نیست. برای مثال، اگر چیزی به اسم کشش (نیروی محرکه) جنسی وجود داشته باشد، این کشش دقیقاً چه چیزیست؟ آیا نیرویی است برای تولید مثل؟ یا نیرویی است برای تخلیه فشاری خاص به روشی ویژه؟ آیا کششی است برای تجربه لذت؟ در ابتدا، باید روشن شود که این نیروی محرکه/کشش واقعاً چه چیزی هست.

اصطلاحات انگلیسی “sexual instinct”، “sexual drive”، “sex drive” (کشش سکس، کشش جنسی، غریزه جنسی) در آلمانی معادلی دارند به اسم “sexualtrieb”، مفهومی که بخصوص در اوائل قرن بیستم طرفداران زیادی یافت. ادعا می شد که غرائز یا کششها، نیروهایی فطری و درونی هستند که حیوانات را به انجام رفتارهای خاص و قابل پیش بینی، وا می دارند. بخصوص، نیروهای ویژه ای، حیوان را وا می دارند که خود را از مشقاتی همچون گرسنگی یا تشنگی برحذر دارد، یا تنش درونی را از طریق فعالیت جنسی تخلیه نماید. بنابراین، مثلاً، وقتی حیوانی به شکار طعمه می پرداخت، این امر دال بر عملکرد و فعالیت کشش گرسنگی آن حیوان قلمداد می شد، جستجوی آب، عملکرد غریزه مربوط به تشنگی را اثبات می کرد، و تلاش برای فعالیت جنسی، فعالیت و عملکرد کشش با همان نیروی محرکه جنسی را ثابت می کرد.

در اصل، واژه «کشش/نیروی محرکه» صرفاً یک اصطلاح محدود (در ادبیات) زیست شناسی بود. ولی همانطور که پیشتر دیدیم، برای زیگموند فروید، مفهوم غریزه جنسی یا کشش/نیروی محرکه جنسی ابعاد بیشتر و وسیعتری یافت؛ به این صورت که تحت نام میل جنسی (لیبیدو)، و بعدها اروس، بخشی از تئوری روانکاوی او گردید که با کمک آن در پی توضیح انگیزه های (عمدتاً نهفته در ضمیر ناخودآگاه) رفتارهای انسان برآمد. در واقع، تا همین امروز هم رهروان و هواداران فروید اصطلاح «کشش-نیروی محرکه جنسی» را به شکل خاص خود به کار می برند که هرچند توافق عمومی درباره آن وجود ندارد، اما در چارچوب دیگر پیش فرضهای روانکاوانه توجیه پذیر است. با این همه، حتی تا همین امروز هم، روانکاوی پیش از هر چیز، بیشتر موضوعی است اعتقادی تا سندی علمی.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟

«کشش جنسی»

1. «کشش» در روانشناسی



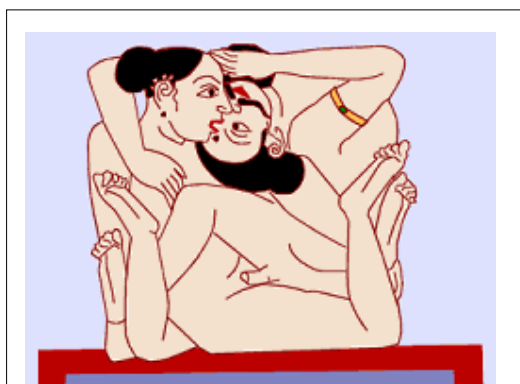
در مباحث علمی معاصر، کلمه «کشش/نیروی محرکه» مثل سابق، زیاد به کار نمی رود. درحقیقت، بسیاری از دانشمندان کلاً این مفهوم را رد کرده اند. آنها بر این باورند که توضیح گرسنگی به عنوان کشش/نیروی محرکه گرسنگی هیچ مزیتی ندارد، و به جای گفتن حیوانات «کشش تشنگی خود را ارضاء می کنند»، ترجیح می دهند بگویند که حیوانات آب می خورند چون تشنه اند. به علاوه، این نظر که حیوانات کلاً «باطنی» هستند و توسط نیرویی درونی «هدایت» می شوند، هر چه بیشتر مورد سؤال قرار می گیرد. با این همه، برای روانشناسان که در پی توضیح انگیزه هایی هستند که ریشه روانی دارند، مفهوم «کشش-نیروی محرکه» همچنان جذاب می نماید. به این خاطر، در کتابهای روانشناسی، مفهوم کشش-نیروی محرکه» ممکن است این طور تعریف شود: «شرایطی که در آن رفتار موجود زنده، به سمت احتراز و پرهیز از مشقت و سختی یا عدم توازن و تعادل روانی، هدایت می شود». کشش یا نیروهای محرکه در این مفهوم، چیزهایی مثل گرسنگی، تشنگی، نیاز به خواب، و نیاز به دمای معتدل می باشد. کمبود غذا، آب و خواب، یا دمای حرارت خیلی گرم یا خیلی سرد، این نیروهای محرکه را به فعل (عمل) وامی دارد. هر چه عدم توازن و تعادل بیشتر باشد، کشش/نیروی محرکه قویتر و شدیدتر است. با همین مختصات، هنگامی که غذا، آب، خواب و دمای حرارت مناسب فراهم گردید، آنوقت کشش/نیروی محرکه راضی می شود، و آرام می گیرد. البته تا زمانی که کمبود و عدم توازن مجدداً ایجاد می شود. نهایتاً، معلوم می گردد که این کششها / نیروهای محرکه، در زندگی موجود زنده نقش مهمی دارند. بدون آب، غذا، خواب، و در دمای حرارت بسیار گرم یا خیلی سرد موجود زنده تاب نمی آورد و می میرد.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟

«کشش جنسی»

2. «کشش و نیروی محرکه جنسی» چطور؟

امروزه دانشمندان استدلال می کنند که آیا مفهوم کشش/نیروی محرکه، حتی در موارد «ساده» هم واقعاً چیزی را می رساند یا نه. اما، هر چه که باشد، حداقل در رابطه با سکس، می توان دید که این مفهوم (کشش) معنای چندانی ندارد.



هنر عشق ورزی

در بعضی تمدنها و دوره های تاریخی، زنان و مردان، تکنیکهای جنسی مفصلی را در پیش می گرفتند که یادگیری آن لازمه تمرینات مفصل و طولانی بود و از هدف صرفاً تولید مثلی فراتر می رفتند. در عوض آنها در پی دستیابی به سلامت جسمی و روحی بودند. (تصویر فوق از یک نقاشی هندی قرن هیجدهم گرفته شده است.)

اولاً، فعالیت جنسی برای بقاء موجود زنده هیچ ضرورتی ندارد. بی غذایی و تشنگی به مرگ منجر می شود، اما زندگی بدون سکس تا به حال باعث مرگ کسی نشده است. دوم اینکه، قدرت و صلابت میل جنسی ربطی به حرمان جنسی ندارد. یعنی محرومیت جنسی همیشه به افزایش خواهش جنسی منجر نمی شود و فعالیت ممتد و مستمر جنسی هم، لزوماً آن را کاهش نمی دهد؛ بالعکس، کسانی که برای مدتی طولانی فعالیت جنسی ندارند، در آخر کلاً به سکس بی علاقه می شوند، اما افرادی که فعالیت جنسی بسیار زیادی دارند، راحت تر تحریک می شوند. علاوه بر آن، افراد، همیشه آگاهانه خود را تشنه یا گرسنه نمی کنند،

ولی اغلب آگاهانه به دنبال تحریک و فعالیت جنسی می روند. همچنین، برخلاف گرسنگی و تشنگی، تحریک جنسی ممکن است صرفاً به کمک عوامل روانی به تنهایی، شروع و تشدید شود. و آخر اینکه، تشنگی و گرسنگی تجاربی ناخوشایندند، درحالیکه تحریک جنسی به خودی خود خوشایند است و بر همین اساس خود به خود نوعی پاداش است حتی اگر شخص «ارضاء» نشود.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟

عوامل دخیل در رفتارهای جنسی بشر

محققان مدرن مسائل جنسی مفهوم کلی کشش/نیروی محرکه جنسی را عملاً کنار گذاشته اند. در عوض، میل به این دارند که آن را به اجزاء مختلف تقسیم کنند. در همان سال 1940، ر. ل. دیکینسون بین «استعداد جنسی، توان جنسی، و کشش جنسی» تمایزاتی قائل گردید. در 1948، آلفرد. س. کینزی از «قدرت» جنسی به عنوان نقطه مقابل «عملکرد واقعی» صحبت به میان آورد. و در سال 1958، لستر آ. کیرکندال تمایزاتی بین «ظرفیت جنسی، عملکرد جنسی، و کشش جنسی» را پیشنهاد نمود.

(“ Toward a Clarification of the Concept of Male Sex Drive, Marriage and Family Living, 20. November 1958 ”)

تا کنون، این رهیافت اخیر امیدوارکننده تر از بقیه به نظر می رسد و به همین دلیل شاید بد نباشد که در اینجا برهان کیرکندال را (البته با کمی تعدیل زبانی که او به خدمت گرفته) به کار گیریم. کوتاه سخن اینکه، هنگام صحبت درباره رفتارهای جنسی بشر، تمایز قائل شدن بین سه فاکتور اساسی مفید فایده می باشد:

1. توان جنسی، یعنی آنچه که فرد می تواند انجام دهد.
2. انگیزه جنسی، یعنی آنچه که فرد می خواهد انجام دهد.
3. عملکرد جنسی، یعنی آنچه که فرد در واقع انجام می دهد.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟

عوامل دخیل در رفتارهای جنسی بشر

سه فاکتور نامبرده 1

توان جنسی (یعنی ظرفیت و توانایی فرد به تحریک جنسی شدن و به ارگاسم رسیدن) به وضعیت عمومی جسمانی، و بخصوص به کارکرد سیستم عصبی و ماهیچه ای فرد بستگی دارد. این ظرفیت در افراد مختلف متفاوت است و حتی در خود فرد هم در زمانهای مختلف یکسان نمی باشد. برای مثال، توان جنسی فرد در دوران نوزادی، کودکی، نوجوانی، جوانی و پیری متفاوت می باشد.

انگیزه جنسی (یعنی میل به انجام فعالیت جنسی)، ممکن است تحت تأثیر سطح هورمونهای خاصی در بدن باشد، اما به نظر می رسد که عمدتاً به عوامل روانی بستگی دارد. عوامل مهمتر همانا شرایط اجتماعی و وضعیت و شرایط خاص هر موقعیت می باشند. با این حساب، (حد و حدود) انگیزه های جنسی در افراد مختلف متفاوت است، و در هر فردی هم در زمانهای مختلف یکسان نمی باشد.

عملکرد جنسی (صرف عمل و نه چیز دیگر) نه تنها به عوامل فیزیولوژیکی و روانی، بلکه به گیر آوردن فرصت و موقعیت هم بستگی دارد. لازم به گفتن نیست که مرز حداکثر عملکرد جنسی با توان جنسی فرد محدود می شود.

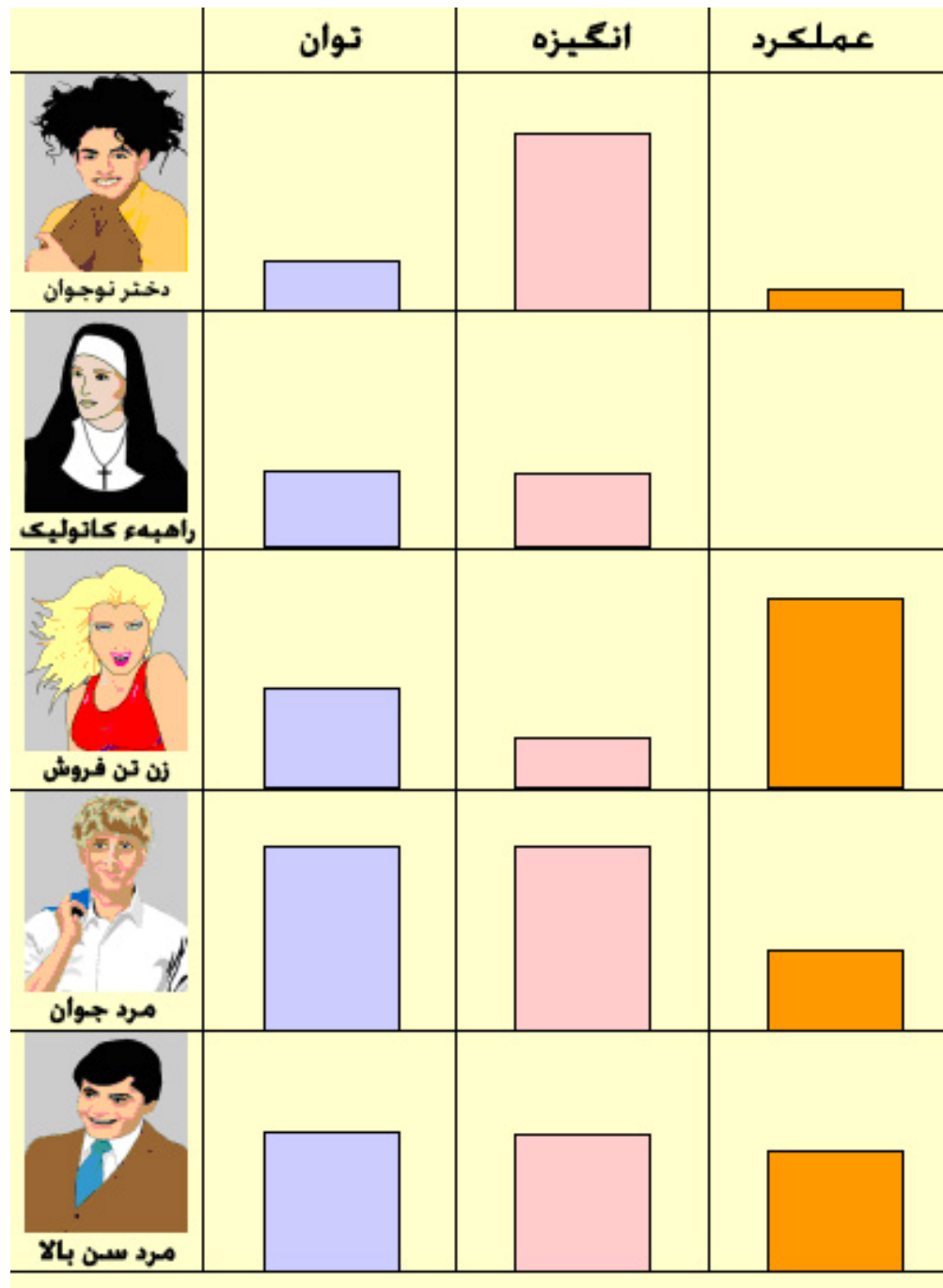
مقدمه- رفتار جنسی چیست؟

عوامل دخیل در رفتارهای جنسی بشر

سه فاکتور نامبرده 2

عقل سلیم به ما می گوید که توان، انگیزه و عملکرد جنسی همیشه بر هم منطبق نیستند، یعنی همه آنها همزمان فراهم نمی شوند. حداقل، در رابطه با سکس، تعداد کسانی که فرصت می یابند هر چه را که می توانند و هر چه را که می خواهند، انجام دهند، محدود است. تازه، پژوهشگران جنسی ثابت کرده اند که مثلاً در افراد مذکر، حداکثر توان جنسی، معمولاً بلافاصله بعد از بلوغ به فرد دست می دهد، درحالیکه بنا به انواع

محدودیت‌های اجتماعی، عوامل روانی بازدارنده درون فرد، و نداشتن فرصت و موقعیت، سطح عملکرد جنسی آنها در سطح خیلی نازلی قرار دارد و سالها بعد، زمانی که موقعیت بهتری برایشان فراهم شود، آنوقت ممکن است فعالیت (عملکرد) جنسی آنها به اوج خود برسد؛ اما در آن زمان، توان جنسیشان دیگر در آن سطح بالایی که قبلاً بوده، نمی‌باشد. مثال دیگری بیاوریم: ثابت شده که سطح توان جنسی زنان خیلی بالاتر از سطح انگیزه جنسی آنها است. و باز مشاهده شده که، در برخی افراد، ممکن است درعین پائین بودن سطح انگیزه جنسی، اما سطح عملکرد جنسی آنها بالا باشد. برای نمونه زمانی که انگیزه بیشتراقتصادی باشد (در حالت زنان روسپی)، یا بیشتر اجتماعی (نمونه زنانی که خسته اند و رغبتی به سکس ندارند اما برای راضی نگه داشتن شوهر، به سکس تن می دهند).



انواع ترکیبات فاکتورهای دخیل در رفتارهای جنسی بشر

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟

عوامل دخیل در رفتار های جنسی بشر

سه فاکتور نامبرده 3

با توجه به یافته های تحقیقات مدرن، دیگر صحبت از «کشش/نیروی محرکه جنسی» بشر چندان موجه نمی باشد. چنین رهیافت عجولانه ای، ره به جایی نمی برد. به نظر می رسد که بررسی جنبه های خاص و مشخص فعالیت های جنسی بشر امیدوارکننده تر می باشد. گفتنی است که بسیاری از چنین بررسی هایی پیشاپیش انجام گرفته و به نتایج مفید و گاهی تعجب آوری منتهی شده اند. کینزی «خرج کل» (یعنی تعداد دفعات عملکرد جنسی) را شماره گیری کرد. ویلیام اچ. ماسترز و ویرجینیا. ای. جانسون، در آزمایشگاه خود، نه تنها عملکرد جنسی، بلکه همینطور توان جنسی را هم اندازه گیری کردند. اینها و بسیاری مطالعات دیگر، در روشن کردن مسائل کمک زیادی کرده اند. در دوران فعلی، دانشمندان تحقیقات جزء به جزئی در عرصه انگیزه جنسی به پیش می برند. به هر حال، این کوششها و تلاشهای مشابه، ممکن است ما را به حقیقتی حول رفتارهای جنسی بشر رهنمون کنند که امروزه از نظرها پنهانند. می توان امیدوار بود که در آینده شناخت بهتری از معمای پیچیده رفتارهای جنسی بشر داشته باشیم.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟

تعریف ما 1- «رفتار» یعنی چه؟

قبل از هر چیز، باید گفت که خود مفهوم «رفتار» پیچیده می باشد و نیاز به شکافته شدن دارد. برای مثال بسیاری از نویسندگان بین رفتارهای «پنهان» و «آشکار» تفاوت قائل می شوند. برای نمونه:

1. رفتار «عملی شده» و قابل مشاهده (آشکار)
2. واکنشهای صرفاً روانی بدون هیچگونه تظاهر بیرونی قابل مشاهده (پنهان).

بنابراین در رابطه با رفتارهای جنسی، می توان بین اعمال جنسی انجام گرفته (آشکار)، و صرف احساسات جنسی (پنهان) تفاوت قائل شد و هر دو را می توان با هم تحت عنوان «رفتار» جمع بندی نمود. به هر حال چنین کاربردی نواقص خاص خود را دارد و اشکالات آن به تخصصهای خاصی مربوط می شود. به هر حال، ما در این دوره آموزشی انواع ممکن کاربردی مفهوم «رفتار» را به کار نگرفته ایم. بلکه، به تعریف نسبتاً ساده خودمان از مفهوم رفتار بسنده کرده ایم.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟

تعریف ما 2- تعریف به کار برده شده در این دوره آموزشی

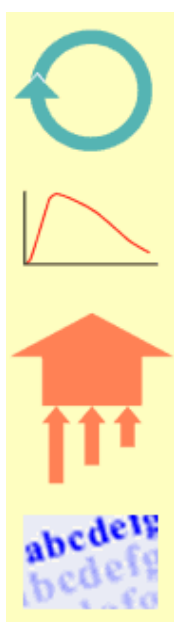
در این دوره آموزشی، اصطلاح «رفتارهای جنسی بشر» در هر دو شکل معنای وسیع و معنای محدود کلمه به کار برده شده است. وقتی که به معنای وسیع کلمه به کار برده شده، آنوقت خیلی ساده، به معنی هر چیزی است که مردم به عنوان موجوداتی جنسی انجام می دهند. این تعریف از جمله، چگونگی رفتار کردن به عنوان مذکر یا مؤنث را هم شامل می شود، یعنی چگونگی ادا کردن نقشهای جنسیتی مردانه یا زنانه خود، چگونگی انتخاب شریک جنسی و همینطور چگونگی رهیافت آنان به شریک جنسی خویش. استفاده اینچنینی از مفهوم رفتار جنسی ممکن است مبهم به نظر آید، اما وسیعاً پذیرفته شده و عموماً آن را می فهمند. لذا، مشکلی جدی ایجاد نمی کند.

اما، همانطور که دیدیم، تعریف مفهوم رفتار جنسی در معنای محدود کلمه، دشوارتر می باشد. بدون شک، رفتارهای جنسی به شکلی به تولید مثل ربط می یابند، یا حداقل، در ابتدا در رابطه با تولید مثل نضج گرفته اند. در عین حال، ما این را هم می دانیم که در حیوانات تکامل یافته تر و بخصوص در نوع بشر، کل قضیه به اینجا ختم نمی شود. بی گمان، فروید و پیروان او بر این پیش فرض هستند که در هر انسانی، یک غریزه جنسی اولیه، یا کشش قدرتمندی وجود دارد. خوشبختانه، برای اهداف محدود ما در این دوره آموزشی، رد یا تأیید چنین پیش فرضی ضرورتی ندارد. در عوض، می توانیم خود را به یک دیدگاه بیشتر عملی محدود کنیم. در بخشهای بعدی، مفهوم رفتار جنسی در معنای محدود زیر به کار گرفته شده است:

رفتار جنسی، هر گونه رفتاری است که شامل تحریک و برانگیختگی آلت جنسی شود.

ما در مورد علل، انگیزه ها و اهداف چنین رفتاری هیچگونه پیشداوری نمی کنیم.

رشد رفتارهای جنسی



به منظور درک پیچیدگی رفتارهای جنسی بشر و چگونگی رشد آن از کودکی تا پیری، محققان از مدلها و الگوهای متفاوتی استفاده کرده اند. برای مثال، آنها دوره آن را با یک دایره مقایسه کرده اند، و یا به یک منحنی صعود و سقوط کننده. و بعضیها هم آن را به صورت برآمد اجزاء متعامل چند نیرو با هم، و یا مظهر تنها یک نیروی کامل و جامع، دیده اند. اخیراً، یک نفر آن را به صورت عملکرد یک نسخه، یا نتیجه تعامل چند نسخه با هم، که از طرف جامعه ارائه گردیده و در فرد درونی شده، تعریف کرده است. اینگونه مدلها به عنوان ابزاری روشنگرانه که در درک واقعیتها به ما کمک می کنند، مفیدند، اما این مدلها خود واقعیت نیستند و جای آن را نمی گیرند. مدلها با هدف انجام مقایسه، که ممکن است در توضیح چیزهای غیر قابل فهم کمک کنند، تهیه و به کار برده می شوند. در همین راستا، زمانی که مدلها، دیگر پاسخگوی چنین هدفی نیستند، کنار گذاشته می شوند. به محض آنکه مشخص شد که مدلی مناسب نیست، با مدل دیگری که مناسبتر است و امکان فهم عمیق تری را فراهم می کند، جایگزین می گردد. این مسئله در رشته های علوم تحت نام جایگزینی الگویی (paradigm shift) معروف است. این جایگزینی، همیشه، و اکنون نیز، مشخصه پیشرفت علمی بوده و هست. (1) در این دوره آموزشی، ما طرحی از رشد جنسی بشر ارائه می دهیم. اما آگاهی و اشراف کامل هم داریم که این طرح ممکن است ابدی نباشد. در واقع، در آینده، کاملاً محتمل است که این طرح تغییر داده شود، اصلاح گردد و یا در نتیجه مدلی تازه و متفاوت، با طرح تازه ای جایگزین گردد. آنچه که ما در اینجا می توانیم انجام دهیم این است که توافقات امروزی سکسولوژی را جمعبندی کرده و ارائه دهیم.

(1) For a detailed discussion, see the book by Thomas S. Kuhn (1922 - 1996), The Structure of Scientific Revolutions, 1962

رشد رفتارهای جنسی پیش درآمد

ما، در یکی از بخشهای قبلی، بین سه عامل اساسی در رفتارهای جنسی بشر، قدرت، انگیزه و عملکرد، تمایزاتی قائل شدیم. ما این را هم توضیح دادیم که هر کدام از این سه عامل، کاملاً مجزا با نیروی برابر نیستند، و اینکه تعادل بین آنها و همینطور اهمیت هر کدام در زمانهای مختلف متفاوت می باشد. در حقیقت رفتارهای جنسی بشر، در قدرت، انگیزه، و عملکرد خود، از تولد تا مرگ، دستخوش رشد و توسعه مداوم می باشند. این رشد و توسعه زمانی کند و نه چندان قابل توجه (مثلاً در دوران کودکی)، و در زمانی دیگر، سریع، مهیج (نمونه دوران بلوغ) می باشد. به هر حال، تغییر و تحول حتی در میانسالی و پیری هم، که بعضی از آنها جزئی و تدریجی، و بعضی دیگر چشمگیر و ناگهانی، ادامه می یابند. به دیگر سخن، قدرت، انگیزه و عملکرد جنسی فرد در مراحل مختلف زندگی او، و با سرعتی متفاوت، در حال تغییر و تحول می باشند.

این تغییرات از دو دسته دلائل ناشی می شوند:

1. دلائل بیولوژیکی، طبیعی: ابتدا رشد و سپس انحطاط بدن
2. دلائل روانی: آموختن نسخه های جنسی و سپس ترک آنها

در بخشهای زیر، به این تغییرات و دلائل آنها با جزئیات هر چه بیشتری پرداخته می شود.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

پیشگفتار

یک چرخه؟



بیشتر اوقات، مسیر زندگی انسان از تولد تا مرگ، به عنوان یک چرخه توصیف شده است. حتی از «چرخه زندگی» انسان از کودکی، سپس عبور از مراحل مختلف رشد و بلوغ و میانسالی و کهولت، و سپس بازگشت به «کودکی دوم» او، صحبت به میان آورده شده است. اما، این حرفها تصنعی اند و خردمندانه نمی باشند. برای مثال، تفسیر کهولت به عنوان کودکی دوم به این باور غلط انجامیده که زنان و مردان کهول همچون کودکان «آسکسوال» هستند و نیاز یا توان جنسی ندارند. به هر حال، برای خود فرد، زندگی چرخه ای نیست، یعنی وقتی که تمام شد، دیگر

دوباره شروع نمی شود. در مواجهه با این حقیقت ناخوشایند، بعضی از مذاهب، به چرخه زندگی از نوع دیگری، «انتقال روح»، یعنی امکان تولد دوباره در قالب یک فرد دیگر یا در قالب یک حیوان، اعتقاد دارند، اما در بحث علمی فعلی، باید چنین اعتقاداتی را به کنار نهیم. با این همه، شاید بتوان زندگی انواع موجودات، از جمله انسان را به صورت دوره ای توصیف کرد: نسل جدیدی متولد می شود، زندگی می کند و از بین می رود، درست همچون نسلهای قبل از خود و این دور تسلسل همچنان و نسل اندر نسل تکرار می گردد. ولی در هر صورت، این تصویر درکل چیزی ارائه نمی دهد. به هر حال، در جهان مدرن ما، تجارب هر نسلی از تجارب نسل قبل از خود متفاوت است. و نه فقط این، بلکه در سطح فردی هم، تفاوت تجارب بسیار مشخص و برجسته می باشد، و در آخرین تجزیه و تحلیل، تجارب نسله با هم قابل مقایسه نیستند. کوتاه سخن آنکه: زیبایی و وقار هر زندگی انسانی براساس اصل منحصر به فرد و گذار بودن آن است. زندگی طی شده، دیگر تکرار نمی شود. این حقیقت حتی در مورد هر لحظه گذرای زندگی هم صدق می کند. وقتی لحظات می گذرند، هرگز باز نمی گردند.

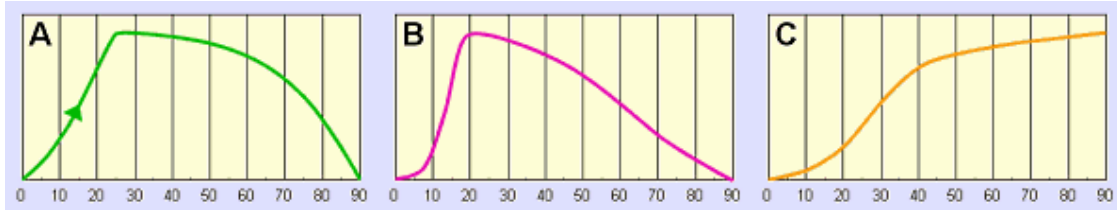
رشد و نمو رفتارهای جنسی

پیشگفتار

یک منحنی؟

هنگام توضیح رشد و نمو جنسیت بشر، بایستی خود ویژگی و منحصر به فرد بودن زندگی هر فرد انسانی را هم در نظر گرفت. ممکن است از شروع، رشد و تکامل، و بالاخره تحلیل رفتن و افول سخن به میان آورده شود، اما این چرخه نیست. حداکثر، ممکن است شکل انحناء و خمیدگی یک منحنی را تداعی کند، و این فقط به شرطی صدق می کند که قدرت فیزیکی و توان جنسی به عنوان معیار در نظر گرفته شوند. به هر حال، معیارهای دیگر، همچون ظرفیت و توان عشق ورزیدن، تجربه شادی و احساس رضایت و خرسندی، منحنی متفاوتی را ترسیم می کنند؛ یعنی صعود مداوم و قطع ناگهانی با مرگ.

در هر صورت، باید از مقایسه های ساده و سهل الوصول پرهیز نمود. رشد و نمو رفتارهای جنسی که ما در اینجا ارائه می دهیم، نباید به اشتباه، به عنوان، هنجار، نرم، و برای هر کسی الزامی تلقی شود، و طرحی هم نیست که فقط افراد بیمار یا بدسرشت از آن تمرد می کنند. رفتارهای جنسی بشر آنچنان پیچیده و متنوعند که هرگونه طرح، توصیف و توضیحی نمی تواند چیزی فراتر از یک کلی گویی ساده و مبهم باشد. البته در همین حد هم، تا حدودی در درک و فهم یک سری واقعیات در مورد خودمان، به ما کمک می کند.



- A- رشد بیولوژیکی:** این منحنی رشد بیولوژیکی انسان از تولد تا کهولت و سپس تحلیل رفتن و مرگ را نمایندگی می کند. شماره ها به دهه های زندگی اشاره دارند. در این منحنی، مثل منحنیهای بعدی، عمر درازی، در نظر گرفته شده است.
- B- توان جنسی:** این منحنی، توان جنسی یک مرد متوسط از تولد تا بلوغ، بزرگسالی و کهولت را نشان می دهد. به نزول پله به پله، بلافاصله بعد از اوج جوانی، دقت شود.
- C- توان و ظرفیت احساس شادی و رضایت خاطر:** این منحنی توان و ظرفیت انسان در عشق و ورزشی، شادی و خرسندی را نشان می دهد. به صعود مرتب تا آخر عمر دقت شود.

رشد و نمودارهای جنسی پیشگفتار: یک منحنی؟

کدام منحنی؟

همانطور که دیدیم، توان جنسی فرد ممکن است با گذر زمان کاهش یابد، درحالیکه توان او در احساس شادی و خرسندی همچنان افزایش می یابد. این شناخت تازه ای نیست، اما سئوالهای جالبی را برمی انگیزاند که به ندرت مطرح شده اند:

ذات و گوهر واقعی تجربه جنسی بشر چه چیزی می باشد؟ آیا تا ابد به توان و قدرت فیزیکی ما وابسته

است؟ آیا برای احساس رضایت جنسی، حتماً به نعوذ و ارگاسم نیاز داریم؟ به هر حال، عشق، بله عشق اروتیکی، می تواند در غیاب هرگونه پاسخدهی «جنسی»، همچنان عمیقتر شود. وقتی که عشق یافته شد، دیگر با گذر عمر فرسوده نمی شود. آنوقت بدیهی است که شادی و خرسندی ما، به جوانی و قدرتیمان ربطی ندارد. اما شادی چه چیز است؟ چه بسا لذت جنسی چیزی جز مدخلی بر رضایتمندیهای احتمالی دیگر نباشد. آیا آغازی بر رابطه ای هرچه عمیق تر و خصوصی تر، یا، به هم رسیدن جانها است؟ آیا نقطه شروع تحول فردی و سفری معنوی است؟ فرهنگهای زیادی، درست چنین اعتقادی داشتند، و به این دلیل هم، بر جنبه معنوی و متعالی لذت جنسی تأکید می ورزیدند، و این برای آنها، مسیری جهت رسیدن به مرحله بالاتری از هشیاری ذهنی بود. درحقیقت، احساس عمقی تر چه بسا به زنان و مردان کمک کند تا لحظه را دریابند و به گذرا بودن عمر و پذیرش همدیگر به عنوان موجوداتی با عیب و نقصهای خود، و لذت بری از کنار هم بودن، رو آورند. برای بعضیها تقسیم همین درک و آگاهی عمیق، خود سعادت است.



عشق به پرواز در می آید.

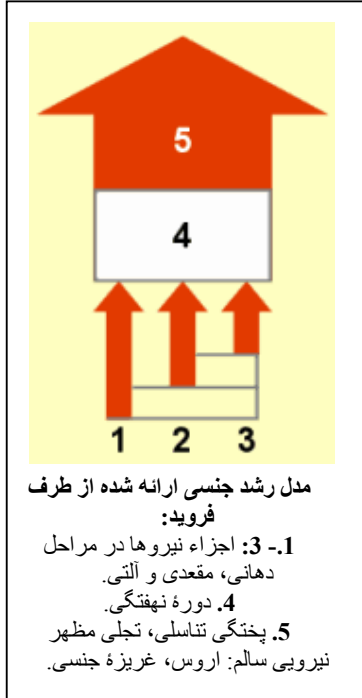
بنا بر باوری کهن، عشق قادر است زن و مرد را از دنیای مادی خارج و جان آنها را در آسمان به پرواز درآورد. نقاشی دیواری در کوئیکی در غرب چین، سلسله تانگ (قرنهای 7 تا 10 بعد از میلاد). گرفته شده از: موزه سکس چین.

البته، چنین اعتقاداتی خارج از قلمرو علم واقع اند، و در نتیجه از آنها می گذریم. سکسولوگها باید خود را به آنچه که قابل مشاهده و اندازه گیری است، محدود کنند. آنها باید به گفتن اصول، به شکلی که آنها را می یابند، و اینکه تنها «حقیقت کوچکی» از وضعیت جنسی بشر را بازگو می کنند، راضی باشند. آنها می دانند که آن «حقیقت بزرگ» برای همیشه از همه ما پنهان خواهد ماند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

پیشگفتار
یک کشش؟

در اوائل قرن بیستم، زیگموند فروید، طرح و مدلی از چگونگی رشد و نمو جنسی معرفی کرد که برای



مدل رشد جنسی ارائه شده از طرف
فروید:

1-3: اجزاء نیروها در مراحل

دهانی، مقعدی و آلتی.

4. دوره نهفتگی.

5. پختگی تناسلی، تجلی مظهر

نیرویی سالم: اروس، غریزه جنسی.

سالهای سال، در سطح وسیعی نه تنها از سوی روانکاوان پیرو او و اهالی دیگر علوم تخصصی، بلکه حتی به شکلی مصنوعی، از طرف عموم نیز، مورد استقبال قرار گرفت. امروزه، تئوریهای فروید مثل سابق طرفدار ندارند. در واقع، بسیاری از سکسولوگها بی سر و صدا آنها را کنار گذاشته اند، و امروزه از مدل‌های متفاوتی برای توضیح رفتارهای جنسی بشر استفاده می‌کنند. با این همه، بنا به دلایل تاریخی، بد نیست یک جمع‌بندی از نظرات فروید حول جنسیت دوران کودکی، ارائه گردد:

رفتار جنسی بشر بازتاب و مظهر نیرویی قدرتمند می‌باشد: اروس، غریزه زندگی. این مظهر در چندین مرحله رشد می‌کند:

1- **مرحله دهانی:** نوزاد از راه دهان به دنبال ارضاء و خوشنودی خود می‌گردد. (مکیدن پستان مادر، به دهان بردن هر چیزی که به دستش برسد).

2- **مرحله مقعدی:** لذتهای تهییج آور کودک حول مقعد او متمرکز می‌شوند. (دفع و نگهداری مدفوع و همینطور تمرین توالیت رفتن).

3- **دوره آلتی:** کودک به آلت جنسی علاقه مند می‌شود و از آن لذت می‌برد. در خلال همین مرحله، تعارض شروع می‌شود، یعنی عشق به والد همجنس خود، و نفرت از تعلق او به جنس مخالف. (به اصطلاح **عقدۀ اویدیپوس** در پسران، و **عقدۀ الکترا** در دختران). به محض آنکه این تعارض به این یا آن سمت حل شود، کودک وارد مرحله چهارم می‌گردد؛

4- **دوره نهفتگی:** که در خلال آن تمام خواهشهای جنسی نهان و خفته می‌شوند. ولی در دوره بلوغ با قدرت هر چه بیشتری بیدار می‌گردند و این زمانی است که نوجوان وارد پنجمین مرحله می‌شود؛

5- **مرحله تناسلی:** در این مرحله اجزاء نیروها (دهانی، مقعدی، و آلتی)

در هم آمیخته شده و به تعادل مناسب بین خود می‌رسند. ادغام موفقیت آمیز این سه نیرو در هم، به «پختگی تناسلی»، یعنی توانایی ورود به رابطه دگرجنسگرایانه رضایت‌مند، منجر می‌گردد. در عوض، اگر در یکی از مرحله‌ها (ی قبیلی) چیزی دچار اشکال شده باشد، فرد به پختگی آلتی نمی‌رسد و تجلی و بازتاب جنسی او هم به انواع ممکن دچار نقصان می‌گردد.

این جمع‌بندی، البته، کمی مصنوعی است. تئوریهای فروید در مراحل مختلف و در طی سالهای طولانی رشد کردند و پیچیده تر از آنند که بتوان آنها را در اینجا توضیح داد. به هر حال، همانطور که قبلاً گفته شد، محققان جنسی امروزه به آنها توجهی نمی‌کنند. آنها همینطور به نیرو / کشش جنسی هم باور ندارند؛ بلکه در عوض ترجیح می‌دهند که رفتارهای جنسی بشر را به عنوان پیش نویس (نسخه)، توضیح دهند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

پیشگفتار
یک نسخه آماده؟

در اوائل دهه هفتاد میلادی، دو جامعه شناس آمریکایی شاغل در انستیتوی کینزی، مدل جدیدی را برای توضیح رشد و شکل گیری رفتارهای جنسی بشر پیشنهاد دادند. **جان گانگون و ویلیام سایمون (John Gagnon and William Simon)** رفتارهای جنسی را به عنوان «رفتارهای پیش نویسی شده / نسخه ای» توضیح دادند. ("**Scripted behavior**") یعنی، به عنوان رفتارهایی که مطابق نسخه - یا مجموعه ای از نسخه های عین شده- که جامعه ارائه داده و فرد آنها را در خود درونی کرده، عمل می‌کنند. یک نسخه (پیش نویس) اجتماعی را می‌توان با یک فیلمنامه مقایسه کرد که به هنرپیشه‌ها اینک که چه باید بگویند و چگونه عمل کنند، و در صحنه های مختلف چطور بازی کنند، را ارائه می‌دهد؛ نقش آنها را تعیین می‌کند، به آنها می‌گوید که چگونه لباسی بپوشند، چگونه حرکت کنند و چطور با کاراکترهای دیگر معامله کنند. درکل، پیش نویس برای آنها و تماشاگران روشن می‌کند که کل نمایش و موضوع آن درباره چیست. نسخه‌ها و پیش نویسهای اجتماعی در همه عرصه های زندگی وجود دارند؛ هرچند که بعضی از آنها هرگز بیان نمی‌گردند. قوانین نوشته و نانوشته، چگونگی رفتار کردن در هر شرایطی را پیش پای ما می‌نهند؛ در مدرسه، محل

کار، در جشن، در ملاقات با یک غریبه، در مهمانی، صحبت تلفنی، رانندگی، چک کردن در فرودگاه؛ و خلاصه اینکه هر تعاملی در جامعه، یک نوع نسخه رفتاری را دنبال می کند، و به این دلیل، همه رفتارهای انسانی را می توان به عنوان رفتارهای نسخه ای (پیش نویسی شده) در نظر گرفت. رفتارهای جنسی هم از این قاعده مستثنی نیستند. درحقیقت، از لحظه ای که ما آنها را به عنوان نسخه های پیش نویسی شده در نظر می گیریم، تصویر کاملاً تازه ای از آنها در ذهنمان شکل می گیرد.



ویلیام سایمون (1930-2000) و جان گانگتون (م.1933)

این دوره آموزشی تنها شمه ای از تئوری آنها را معرفی می کند. برای اطلاع بیشتر به سند اصلی مطالعات آنها مراجعه شود:
J. Ganon, W. Simon, "Sexual Conduct: The Social Sources of Human Sexuality", Chicago. 1973
©Kinsey Ijnstutute

رشد و نمو رفتارهای جنسی

پیشگفتار: یک نسخه آماده؟

اساس بیولوژیکی



بایستی بر این نکته تأکید شود که همه رفتارهای جنسی از یک اساس و بنیان بیولوژیکی برخوردارند، و نسخه ها (پیش نویسی) فقط قادرند به خمیرمایه های درونی و مادرزادی شکل دهند.

یک مقایسه ساده موضوع را روشن می کند: هر کودکی با توان تکلم زاده می شود. اما، اینکه کودک چه زبانی یاد می گیرد، به محیط اجتماعی او بستگی دارد. او در انگلستان، انگلیسی، و در فرانسه، فرانسوی می آموزد. تنها این نیست؛ کودک والدینی سخندان، با مهر و عاطفه، که مرتب با او حرف زده می شود، نسبت به کودکی که نسبت به او بی توجهی شده، از مهارت زبانی بهتری برخوردار خواهد شد. و آخر اینکه، بعضی از کودکان از استعداد خاصی در زبان برخوردارند و این دسته از کودکان در مقایسه با کودکان دیگر، از شنیده های خود بهره بهتری می برند. کوتاه سخن اینکه، خمیرمایه درونی قدرت تکلم، در مسیرهای مختلفی رشد می کند، و حتی ممکن است در محیطی که به تلاش کودک جهت به کارگیری تکلمی بهتر، وقعی نمی نهد، زبانی خنثی و شلخته از آب درآید.

همین مسئله در مورد پتانسیل جنسی فرد هم صدق می کند. یعنی این پتانسیل در امتداد خطوط پیشنهادی محیط اجتماعی رشد می کند. کودکان از والدین و بستگان دور و بر خود می آموزند که کدام نقشهای جنسیتی مناسب آنها است، چه رفتارهایی «جنسی» قلمداد می شوند، کدام رفتارها مجازند و کدامها ممنوع. کودکان بزرگتر و نوجوانان، از حلقه اطرافیان که مرتباً گسترش می یابد و از دوستان خود، می آموزند که چه موقع و چگونه به شرکای جنسی بالقوه خود نزدیک شوند، چه چیزی با آنها انجام دهند و به کدام ترتیب. آنها این را هم یاد می گیرند که برای یک رابطه لذتبخش متقابل جنسی چگونه مذاکره

کنند، و چطور «خود را از خطرات به دور نگه دارند.» ولی به هر حال، توان و ظرفیت بالقوه جنسی آنها ممکن است تحت تأثیر تجارب و آموزشهای منفی، مختل و بازدارنده شده باشد. کوتاه سخن اینکه، افراد در مسیر رشد خود می آموزند که چگونه رفتارهای جنسی خود را بر اساس نسخه ها و پیش نویسهایی که محیط

اجتماعی در برابر آنها قرار می دهد، شکل دهند. آنها تلاش می کنند این کار را به شکلی انجام دهند که هم اسباب خرسندی خودشان را فراهم آورد، و هم مورد پذیرش جامعه واقع شود. اکثر مردم در این کار موفق می شوند اما نه همه.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

پیشگفتار: یک نسخه؟

یک فرآیند تعاملی

پذیرش و در پیش گرفتن یک نسخه (پیش نویس) جنسی، یک فرآیند تعاملی است، که طی آن فرد و جامعه حول یک نتیجه مورد پذیرش هر دو طرف مذاکره و به توافق می رسند. چنین امری همیشه به سازشها و توافقاتی نیاز دارد. برای مثال:

محیط اجتماعی نسخه ای را برای نقش جنسیتی ارائه می دهد، و فرد آن را به طور کامل، یا تنها بخشهایی از آن را می پذیرد، یا با توجه به نیازهای ویژه شخصی، تعدیلهایی در آن وارد می کند. این امر واکنش جامعه را برمی انگیزاند، که به شکل تأیید، در قالب ستایش و حمایت، یا به شکل مخالفت و سرزنش می باشد. واکنش جامعه، به نوبه خود ممکن است تمایل فرد به پذیرش یا نفی نسخه (پیش نویس) را تضعیف یا تقویت کند، که این باز به نوبه خود به واکنش اجتماعی می انجامد و الی آخر.

همین مسئله در مورد نسخه های اجتماعی حول رفتارهای اروتیکی و تولید مثلی هم صدق می کند. پذیرش و درونی کردن، یا رد و نفی این نسخه ها و پیش نویسهها ممکن است روندی طولانی، با مشقت و پر و پیچ و خم باشد، و تا حدود زیادی به سرسختی یا منعطف بودن خود نسخه ها و به روشی که به فرد ارائه می شوند، بستگی دارد. بعضی از افراد به راحتی خود را با انتظارات اجتماعی تطبیق می دهند، اما بعضی دیگر آنها را نفی می کنند و یا حتی در مقابل آنها سر به شورش می گذارند. این، به نوبه خود می تواند به واکنش اجتماعی بسیار متفاوتی بیانجامد. از سرکوب گسترده و آشکار تا تحمل و پذیرش از روی اکراه و ناچاری- و فرد هم ممکن است واکنشی درخور انجام بدهد یا ندهد. بسته به موضوع، حل این تضاد ممکن است بسیار طولانی باشد.



تعامل متقابل فرد و محیط اجتماعی

نمودار ساده شده فوق، مکانیسم ساده فیدبک را نمایش می دهد. فرد (نمای سرخ رنگ کوچک)، انواع نسخه ها از منابع مختلف (بخشهایی القابیی در پایه پیکانهای خاکستری بزرگ) را پیش روی خود می بیند. اما، واکنش فرد (پیکانهای قرمز رنگ) بخشهایی از نسخه (پیشنهادی) را تغییر می دهد (حروف سیاه رنگ نسخه را به رنگ قرمز در می آورد). نسخه تعدیل شده نهایی که پذیرفته می شود از همین کنش و واکنش و فعل و انفعال متقابل منتج می گردد.

وقتی به یاد آوریم که در دوران مدرن فعلی، فرد نه تنها با یک یا دو نسخه، بلکه با انواع نسخه های جنسی رقابتی مواجه می باشد، آنوقت موضوع نسخه های اجتماعی باز هم پیچیده تر، و سردرگمی بیشتر می شود.

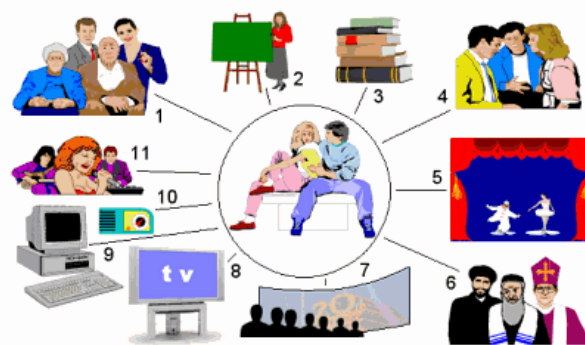
رشد و نمو رفتارهای جنسی

پیشگفتار: یک نسخه؟

نسخه های رقابتی

همانطور که همه ما بر اساس تجارب خود می دانیم، حتی از همان اواخر دروان کودکی، و بخصوص بعد از شروع بلوغ، تنها با یک نسخه جنسی مواجه نمی شویم، بلکه با انواع مختلف نسخه ها، که اغلب رقیب همدیگر، و گاهی حتی نسخه هایی انحصاری، مواجه می شویم. مسئله شاید در جوامع راكد ما قیل صنعتی، که استانداردهای جنسی ثابت همراه با مرزهای مشخص داشته اند، متفاوت بوده باشد، اما، جهان مدرن فعلی، همراه با انواع ارزشهای نامتجانس با ما مواجه می شود. مثلاً بزرگسالان مختلفی ممکن است معنی و مفاهیم متفاوتی از زنانگی و مردانگی به ما معرفی کنند. یا ممکن است والدین ما نخواهند که ما مقابله جنسی داشته باشیم، درحالیکه دوستانمان انجام آن را به ما پیشنهاد می دهند. معلمانمان ممکن است در رابطه با اقدام به فعالیت های جنسی خاصی به ما اخطار دهند، درحالیکه وسایل ارتباط جمعی همان فعالیت های جنسی را پسندیده و مطلوب جلوه دهند. رهبران مذهبی ممکن است ما را به خاطر استفاده از کاندوم محکوم کنند، درحالیکه مسئولان بهداشت استفاده از کاندوم را توصیه کنند و غیره.

در مواجهه با این همه نسخه های متناقض و متضاد، درنهایت ما انتخاب خود را می کنیم و نسخه ای را بر می گزینیم که با کاراکتر و شخصیت خودمان همخوانی داشته باشد. ما می توانیم این امر را با درهم آمیزی عناصر انتخابی نسخه های مختلف، در یک نسخه تازه و با معیارهای رفتاری فردی، متحقق نماییم. به هر حال، این کار همیشه آسان نیست. چون در آخرین تجزیه و تحلیل، نسخه شخصی ما، باید اجازه «داد و ستد» جنسی با دیگرانی که چه بسا نسخه های شخصی خاص خود را دارند، فراهم آورد. ضمناً باید محدودیتهای و مرزهای تعیین شده توسط جامعه را هم در نظر بگیریم. گاهی اوقات، یافتن تعادل مناسبی بین نسخه های جنسی رقابت آمیز در فرهنگمان، کار مشکلی است. به همین دلیل، دوره جوانی، دوران آزمون و خطا می باشد.



بعضی از منابع نسخه های جنسی

برخی از نسخه های جنسی ارائه شده به جوانان در فرهنگ ما، متضاد هم و گاهی انحصاری می باشند. در این تصویر فقط چند منبع برای نمونه آورده شده اند.

1. خانواده 2. مدرسه 3. کتابها 4. دوستان 5. تئاتر 6. رهبران مذهبی 7. فیلمها 8. تلویزیون 9. اینترنت 10. رادیو 11. موسیقی عامه پسند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

پیشگفتار: یک نسخه؟

سه بعد نسخه ها و پیش نویسیها

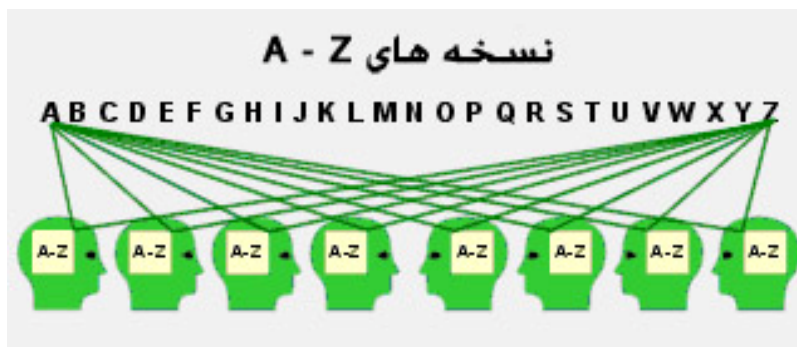
- ما می توانیم سه جنبه مختلف نسخه گزینی جنسی را از هم متمایز کنیم:
1. روند درون روانی که فرد در طی آن، یک نسخه یا معجونی از نسخه ها را بر می گزیند. این موضوعی است که به جنبه روانی فرد مربوط می شود.



2. فرایند مراوده ای که در آن دو یا چند نفر، نسخه های متفاوت خود را، در یک آمیزش جنسی با هم، آشتی می دهند و تلفیق می کنند.



3. فرایند فرهنگی که در طی آن، فرهنگی خاص، برداشت عام خود از این که چه رفتاری «جنسی» است و کدام رفتار جنسی خوب و کدام بد است را تعریف می کند و به آن پایبند می ماند. این فرایند، هنجارها و ارزشهای بنیادی آن جامعه را بازتاب می دهد، و تا حدود زیادی محتوای دو جنبه دیگر (درون روانی و مراوده ای) را تعیین می کند.



رشد و نمو رفتارهای جنسی

پیشگفتار: یک نسخه؟

بعد فرهنگی نسخه های جنسی

ابعاد روان درونی و مراوده ای بایستی در چارچوب بعد وسیع تر فرهنگی، که یک تعریف عموماً پذیرفته شده از اینکه چه چیزی «جنسی» است و چه چیزی نیست، ارائه می دهد، دیده شوند. بر این اساس، نسخه فرهنگی سپس اهمیت رفتار «جنسی» را هم توضیح می دهد، یعنی هم معنی و منظور، و هم ضرورت و اهمیت آن را. مهمتر از هر چیز آنکه نسخه فرهنگی تعیین می کند که آیا رفتارهای جنسی، رفتارهای اروتیکی و رفتارهای تولید مثل باید به هم ربط داده شوند یا نه، و اگر جواب آری است، تا چه اندازه. در برخی فرهنگها رابطه های بین این رفتارها، مثل، و در بعضی دیگر سفت و محکم اند. برای مثال، بعضی فرهنگها تأکید دارند که نقشهای جنسی (دوجنس) باید در مقابل همدیگر تعریف شوند (زن یک نوع رفتار و حرکات دارد و مرد رفتار و حرکاتی دیگر)، و اینکه رفتارهای اروتیکی باید در چارچوب مقابله جنسی بین زن و مرد محدود شود، و این رابطه اروتیکی همیشه باید در خدمت هدف تولید مثل باشد. فرهنگهای دیگر اما سخت گیری کمتری دارند. این فرهنگها به رفتارهای اروتیکی و رفتارهای تولید مثل به عنوان دو موضوع جداگانه می نگرند و به همین دلیل روابط بین دو همجنس را هم مجاز می دانند.



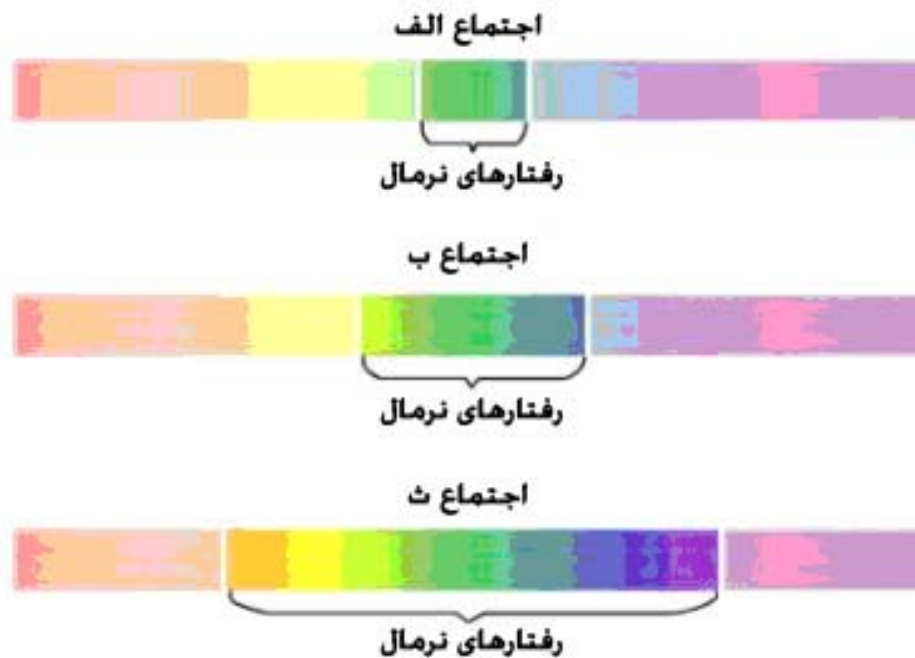
مسئله اینها بدین معنا است که مطالعات مربوط به سکس و جنسیت یعنی جنسیت شناسی (سکسولوژی)، هم در فرم و هم در محتوا، توسط فرهنگی که این مطالعات در آن صورت می گیرد، شکل داده می شود. درحقیقت، خود «سکس» یک ساختار فرهنگی است؛ و یک چیز واقعی و قطعی نیست بلکه یک مفهوم روشنفکری است که مسائل فرهنگی خاصی را منعکس می کند؛ بازنمایی از دانشمندی با چارچوب ذهنیتی خاص که از زاویه خاصی بدان می نگرند. به همین خاطر، مطالعه «جنسیت»، قبل از هر چیزی به معنای مطالعه ایدئولوژی جنسی جامعه ای خاص در دوره زمانی معینی، می باشد.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

پیشگفتار: یک نسخه؟

تغییر نسخه های فرهنگی 1

نسخه های فرهنگی تعیین می کنند که چه چیزی «جنسی» است؛ و کدام بخش آن خوب و کدام بخش آن بد است. این بدین معنا است که نسخه های فرهنگی «نرمالهای» جنسی را هم مشخص می کنند؛ یعنی شاخصهای مناسب نقشهای جنسیتی، رفتارهای اروتیکی و تولید مثلی را تعیین می کنند. ولی به هرحال، این معانی و مفاهیم، از فرهنگی به فرهنگی و از دوره ای تاریخی به دوره تاریخی دیگری، با هم متفاوتند. بنابراین، نرمالهای جنسی ممکن است در جامعه ای خیلی بسته و محدود تعریف شوند، در جامعه ای دیگر کمی بازتر، و باز در جامعه دیگری خیلی بازتر و گسترده تر.



طیف رفتارهای جنسی بشر و نرمالهای متغیر آن 1

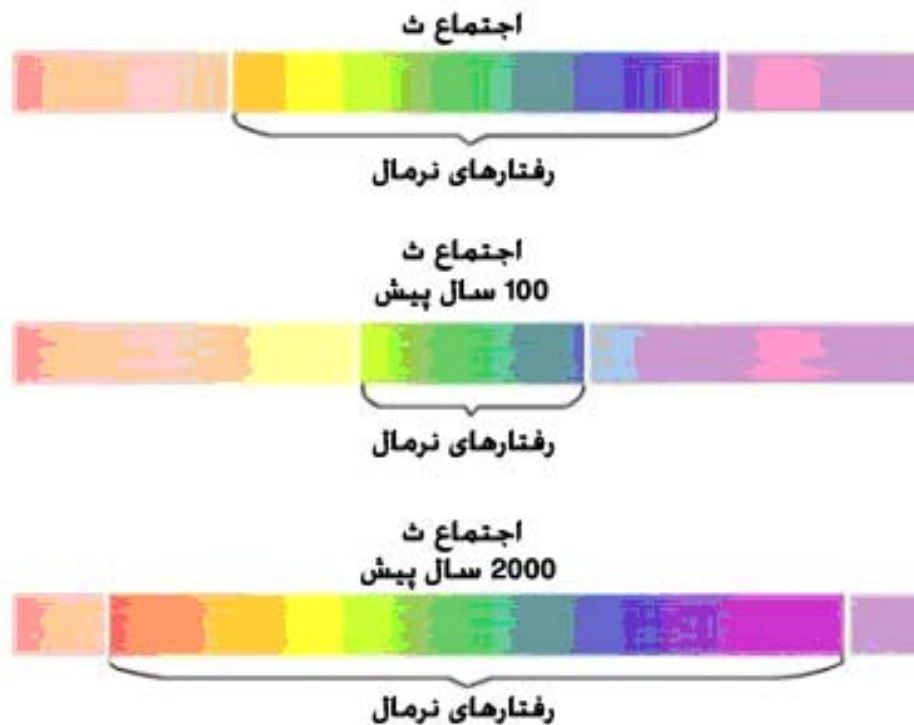
جوامع مختلف (الف، ب، ث) ممکن است مرزهای محدود و یا گسترده تری از این طیف را بپذیرند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

پیشگفتار: یک نسخه؟

تغییر نسخه های فرهنگی 2

شاخصهای نرمال جنسی ممکن است در ادوار مختلف یک فرهنگ واحد متفاوت باشند. بنابراین، جامعه ای ممکن است امروزه گسترده و وسیع تری از رفتارهای جنسی را به عنوان رفتارهای نرمال پذیرفته باشد، ولی یک بررسی تاریخی ممکن است نشان دهد که صد سال پیش این گستره «نرمالها» خیلی بسته و محدود بوده است. اگر باز هم عقبتر، مثلاً به 2000 سال پیش برگردیم، ممکن است کشف کنیم که گستره نرمالهای جنسی آن دوره خیلی وسیع تر از گستره امروزی بوده است. تصویر زیر شمایی کلی از وضعیت اروپای غربی را نشان می دهد.



طیف رفتارهای جنسی بشر و نرمالهای متغیر آن 2
 حتی خود یک جامعه (ث) ممکن است در دوران مختلف بخش محدود و یا گسترده تری از طیف رفتارهای جنسی را بپذیرد.

رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد

همانطور که قبلاً توضیح داده شد، اولین نسخه جنسی که موجود انسان جذب می کند، نسخه ای است که نقش جنسیتی «مناسب» او را تعریف می کند. از لحظه تولد، به دختران و پسران نامهای مختص جنسیتی داده می شود. به آنها لباسهای متفاوت پوشانده شده و با آنها به اشکال متفاوتی رفتار می شود. همراه با عبور از دوره نوزادی و ورود به مرحله کودکی، اسباب بازیهای متفاوتی به آنها می دهند، و به آنها می آموزند که «بیک دختر واقعی» و «بیک پسر واقعی» چطور است و چگونه رفتار می کند. به محض رسیدن به بلوغ، نقشهای پیشنهادهی نسخه های جنسیتی تا حدود زیادی در آنها درونی شده و همین توقعات و رفتارهای اروتیکی آنان را شکل می دهد. همینطور، لازم به گفتن نیست که، درونی کردن این دو نسخه جنسی (ابتدا جنسیتی و سپس اروتیکی)، قبل از روند احتمالی تولید مثلی آنها اتفاق می افتد.

در نتیجه، گشتن به دنبال «تفاوتهای طبیعی» در رفتارهای «جنسی» زن و مرد، کار خطایی است. در آخرین تجزیه و تحلیل، هر دو رفتارهای جنسیتی (جندری) و اروتیکی، نسخه ای و پیش نویس اند. علاوه بر آن، رفتارهای جنسیتی قبل از رفتارهای اروتیکی آموخته می شوند، و به این خاطر از همان ابتدا به آنها رنگ می دهند. (رفتارهای اروتیکی از همان ابتدا از رفتارهای جنسیتی رنگ می گیرند و تأثیر می پذیرند.م) نسخه احتمالی تولید مثلی که در ادامه می آید، بر اساس دو نسخه قبلی شکل داده می شود. به طور خلاصه، در امری که به مقدار بسیار زیادی نتیجه آموخته های اجتماعی است، شایسته نیست که به دنبال «طبیعت» بگردیم. در هر حال، تا آنجا که به رفتارهای جنسی بشر مربوط می شود، یافتن زیربنای بیولوژیکی در زیر روبناهای فرهنگی آن، کار فوق العاده مشکلی است.

با این وجود، می دانیم که جنبه فیزیکی سکس، یعنی ظرفیت و توان، انگیزه و عملکرد جنسی فرد در تمام طول زندگی در معرض تغییرات مداوم قرار دارد. همینطور، پذیرش و درونی کردن نسخه های جنسی کم و بیش در بزرگسالی تکمیل می شود، ولی اشکال بروز آنها در قالب رفتارهای جنسی ثابت نیست و در خلال

زمان دچار تغییر می شود. در بخشهای بعدی، توضیحات مختصری حول این تغییرات در خلال مراحل مختلف زندگی، از نوزادی تا کهنولت، آورده می شود.



رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد نوزادی

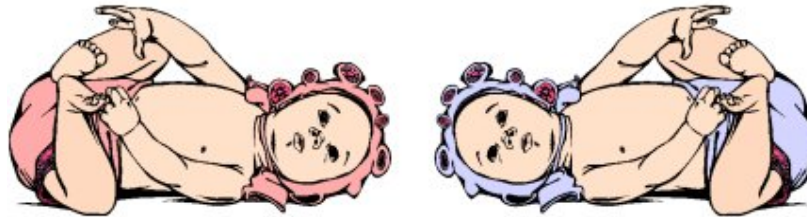


تصاویر سونوگرافی، جنبشهای مذکر در حال نعوذ را نشان داده اند، و حتی در نوزادان مؤنث مهبل خیس یافته شده است. با اصطلاحات به کار برده شده توسط ماسترز و جانسون، این پدیده ها را می توان «پاسخدهی جنسی» نامید، اما این کاربرد در مورد نوزادان شاید چندان مفید نباشد. چون می دانیم که واکنشهای فیزیکی و روانی مرتبط با تحریک «جنسی» دیرتر از این زمان ظاهر می شوند. برای نوزادان و کودکان خردسال، بسیاری از تجارب خوش و لذت آور کماکان مبهم اند. درحقیقت، صحبت از «حیات جنسی کودک»، که بعضی از سکسولوگها پیش کشیده اند، شاید چندان عاقلانه نباشد. جنسیت کودکی شاید بیشتر یک بدعت مدرن باشد تا یک کشف تازه. با نگاه به آن به عنوان یک ساختار فرهنگی، یعنی تفسیری تازه از حقایق قدیمی بیولوژیکی، بهتر درک می شود. در دوران گذشته به شکل دیگری به مسائل نگاه می شد، مثلاً ما می دانیم، در جوامع پیش الفبایی، و در سده های میانه اروپا، والدین، پدر و مادر بزرگها و پرستاران، برای آرام کردن کودکان خردسال، به استمناء آنها می پرداختند. آیا ما این را بایستی «سوء استفاده جنسی از کودک» برداشت کنیم؟ اجداد ما چنین برداشتی را درک نمی کردند. درواقع، حتی وقتی که خود کودکان دست به استمناء می زدند، خانواده شان، با این مسئله به عنوان یک امر «طبیعی» که کودک جهت خلاص کردن خود از یک ناراحتی مثل خارش یا گرفتن بینی خود انجام می دهد، برخورد می کردند. کودکان شاید شور و هیجان لذت بخشی احساس می کرده یا به ارگاسم می رسیده اند، اما، موضوع به عنوان یک تجربه «جنسی» تلقی نمی شده است. با شروع سپیده دمی عصر مدرن، موضوع «جنسی» گردید؛ یعنی از زمانی که خود دوران کودکی به عنوان مرحله ای خاص و محافظت شده از مراحل رشد انسان، در نظر گرفته شد. و این، به نوبه خود، توجهات تازه ای را بر ما مکتشف می سازد: فرد بالغی که علاقه اروتیکی به کودکان داشته باشد، نیاز این کودکان به محبت را به غلط به عنوان نیاز «جنسی» تلقی می کند. کودکان وقتی به منظور اروتیکی فرد بالغ پی می برند، چه بسا متعجب و شوکه شوند. خلاصه اینکه، مفهوم جنسیت کودکی (childhood sexuality) بنا به دلائلی مشکل ساز است. کاربرد بی رویه آن، به تصورات غلط می انجامد و به این دلیل بهتر است که چشم بسته پذیرفته نشود. در رابطه با نوزادان و کودکان، کلمه «جنسی» همیشه باید با احتیاط به کار برده شود.

رشد و نمو رفتارهای جنسی مرحله رشد: نوزادی رفتارهای جنسیتی

اصطلاح «رفتار جنسی» را قطعاً در رابطه با رفتارهای جنسیتی، یعنی رفتارهایی که نمایانگر کاراکتر فمنین یا ماسکولین هستند، می توان به نوزادان هم تعمیم داد. هنگام تولد، هر کودکی به عنوان پسر یا دختر شناخته می شود و این پیامدهای دراز مدتی به همراه می آورد. اسم اول نوزاد و لباسی که بر تن او پوشانده

می شود، رفتار جنسیتی او را تثبیت می کند. این رفتار جنسیتی، از طریق واکنشهایی که بزرگترها از خود بروز می دهند، تأیید، تثبیت و پالایش می گردد. (فرهنگهای مختلف اسامی و رنگهای مختص جنسیتها متفاوت را به کار می برند که چه بسا در طول زمان تغییر کنند.) در سالهای نخست زندگی، تفاوت جنسیتی پیشنهادی و مورد توقع ممکن است چندان دقیق و برجسته نباشد، ولی حضور دارد و با رشد کودک هر چه نمایان تر می شود. (در رابطه با استثناهای مربوط به تعیین جنس نوزاد هنگام تولد، به بخش انترسکسوالیتی مراجعه شود.) (بد نیست به شماره چهار فصلنامه جنسیت و جامعه، که یک دوره آموزش آناتومی و فیزیولوژیکی جنسیت انسان است، هم مراجعه شود.)



نوزاد دختر

نوزاد پسر

رشد و نمو رفتارهای جنسی مرحله رشد: نوزادی «پاسخدهی جنسی»

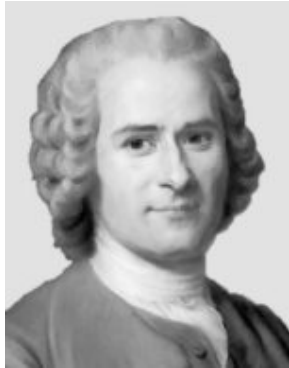
نوزادان در مدت زمان کوتاهی، تغییرات جسمی و روانی چشمگیری را از سر می گذرانند. آنها ممکن است خیلی زود از توانایی «پاسخدهی جنسی» ساده و اولیه برخوردار شوند، و برخی حتی شاید ارگاسم را هم تجربه کنند. آنها تا دو سالگی یاد می گیرند که از دستهای خود برای شناخت دنیای پیرامون و بدن خویش استفاده کنند. و در عرض چند ماه بعدی انتظار می رود که فعالیت مثانه و روده (ادرار و مدفوع) خود را در کنترل داشته باشند. این به نوبه خود، به آنها کمک می کند که نوعی حس استقلال را در خود پرورش دهند، و - اگر در کارشان دخالت نشود- ممکن است شروع به تحریک آگاهانه آلت جنسیشان کنند.

این بدان معنا نیست که این احساس و تجربه آنها با تجارب اروتیکی بزرگسالان قابل مقایسه می باشد، اما ترجمان این است که توان بیولوژیکی آن را می توان در مراحل اولیه زندگی کشف کرد. در دوره نوزادی و خردسالی، انواع تجارب لذتیخشی جسمی، مشخص و دسته بندی نشده اند. کودکان فقط به مرور یاد می گیرند که کدام احساس «جنسی» هست و کدام نیست. آنها این را از طریق نسخه عمومی فرهنگی که توسط والدین، بستگان و دیگر بزرگسالان به آنها منتقل می شود، یاد می گیرند.



رشد و نمو رفتارهای جنسی مرحله رشد کودکی

قبل از ورود به جزئیات مربوط به رشد جنسی در دوران کودکی، شاید یادآوری پیشینه تاریخی آن مفید واقع شود: در دوران باستان و قرون وسطی، به کودکان به چشم «خرده بزرگسالانی» که در حد توان خود، در همه فعالیت‌های روزانه شرکت داشتند، نگریده می‌شد. در قرنهای هیجده و نوزده میلادی بود که طبقات متوسط اروپایی و آمریکایی، کم‌کم به دوران کودکی به عنوان مرحله ای خاص و «معصوم» از مراحل زندگی که نیازها و قوانین خاص خود را دارد، پی بردند. درحقیقت، به مرور زمان، حتی نوجوانی (adolescence) هم به عنوان مرحله ای خاص و «محافظة شده» درآمد. در نتیجه مدت زمان وابستگی، فاصله بین کودکی تا بزرگسالی، که در خلال آن جوانان باید از فعالیت جنسی برحذر باشند، هر چه طولانی‌تر شد.



ژان-ژاک روسو (1712-1778)
اهل ژنو، به عنوان نویسنده و
آهنگساز در فرانسه و انگلستان
زندگی کرد. او از «بی‌گناهی»
جنسی کودکان پشتیبانی، و ادعا کرد
که نوجوانان را باید از کنجکاو
جنسی خودشان محافظت نمود.

کتاب اولیه ای در این موضوع، توسط ژان-ژاک روسو، یکی از مهمترین نویسندگان دوران روشنگری، نوشته شد. او در «امیل یا تربیت» (Emile or On Education 1762) اعلام می‌دارد که کودکان «کاملاً بی‌گناه» زاده می‌شوند و ناگهانی جنسیشان بایستی به صلاح خود آنها به کار گرفته شود. بعد از بلوغ، دانش جنسی بایستی فقط در رابطه با سئوالات مستقیم ارائه شود، اما حتی در آن صورت هم، می‌بایست با پاسخی که داده می‌شود، حال نوجوان را به هم زد تا کنجکاو او تحریک نشود. حتی شاید بهتر آن باشد که آموزش دهنده، روی جنبه رابطه‌آلتهای جنسی با متعوع ترین مدفوعاتشان، تأکید کند. در عین حال، می‌بایست مواظب هم بود که میادا با صراحت زبانی، شهوتی را نابهنگام تحریک نمود. تنها یک اشاره بی‌جا می‌تواند زندگی نوجوان را تباہ کند. تا آنجا که ممکن است، می‌بایست بی‌گناهی «طبیعی» نوجوان را از معرض تأثیرات مخرب اجتماع بزرگسالان محافظت نمود. ایده‌های روسو بر نسلهایی از مربیان آموزشی تأثیر بسیار عمیقی بر جای نهاد، و آنها هم، به نوبه خود به فضای خفقان جنسی قرن نوزدهم یاری رسانند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی مرحله رشد: کودکی رفتارهای جنسی

نقش جنسی اعطایی در زمان تولد، در طول سالهای کودکی تثبیت و پالایش می‌گردد. برآمد هر چه بیشتر در تفاوت نوع لباسهای دختران و پسران، مدل آرایش موها، نوع اسباب بازیها و غیره، با لطافت، اما آشکار و علنی، این را اعلام می‌دارد که دختران و پسران باید نقشهای اجتماعی متفاوتی به عهده بگیرند. این امر، حتی به رفتارهای اروتیکی بعدی که از آنها انتظار می‌رود هم، گسترش می‌یابد. به عنوان مثال، دختران کوچولو پیشاپیش یاد گرفته اند که درباره سینه خود، جایی که بعدها پستانشان رشد می‌کند، متواضع و فروتن باشند. با وجود آنکه قبل از بلوغ، سینه دختران و پسران مثل هم هستند اما دختران کوچولو را معمولاً با نیم تنه، یا با «بیکینی» می پوشانند تا قسمت بالای بدنشان پنهان شود، درحالیکه پسران فقط با شرت هستند و سینه هایشان دیده می‌شود. بنابراین، سینه دختران شروع به «اروتیزه» شدن می‌کند. ولی سینه پسران نه. (این یکبار دیگر به ما یادآوری می‌کند که به دنبال تفاوتهای «طبیعی» در رفتارهای اروتیکی زنان و مردان گشتن، امر خطایی است.)



در عین حال، بزرگسالان توضیح می دهند که از «یک دختر واقعی» یا «یک پسر واقعی» چگونه رفتارهایی توقع می رود. بیشتر کودکان در پذیرش و درونی کردن نقشهای جنسیتی اعطا شده به آنان، با مشکلی مواجه نمی شوند. درحقیقت در چهار سالگی آنها هویت جنسیتی بی شبهه ای را برای خود کسب کرده اند: دختران خود را به عنوان ماده / مؤنث، و پسران خود را به عنوان نر / مذکر بازمی شناسند. و حالا دیگر هویت جنسیتی و نقش جنسیتی آنها دو روی یک سکه گشته اند: مؤنثی و زنانگی (فمینیته)، و مذکری و مردانگی (ماسکولینیتی) به شکل بی نظیری، یکپارچه و بر هم منطبق شده اند.

اما با این حال، تعدادی از کودکان، بخشی یا کل نقش جنسیتی اعطایی را رد می کنند. دختران مردانه (ماسکولین) و پسران زنانه (فمینی) ممکن است اسباب نگرانی والدین خود شوند، و در مواردی استثنایی، کودکانی ممکن است به تعلق خود به جنس مقابل اصرار ورزند؛ دختران ممکن است اصرار ورزند که پسر هستند، و پسران ممکن است اصرار کنند که دختر می باشند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

مرحله رشد: کودکی

1 «واکنش جنسی»

در فاصله بین یک تا دو سالگی، کودکان شروع به کشف بدن خود می کنند. آنها همزمان با کشف انواع



جان بابتیست و عیسی مسیح
تصویری که در نقاشیهای رنسانس به وفور
دید می شود. تصویر فوق اثر جان ووت کلیو
(1464-1540) می باشد.

احساسات لذتبخش، معمولاً به بازی با اندامهای جنسی خود هم رو می آورند. در مرز دو سالگی، بعضی از کودکان، و در مرز پنج سالگی، نزدیک به نصف آنها ارگاسم را تجربه کرده اند. آنها حتی ممکن است کودکان دیگر را در آغوش گرفته و ببوسند. درحقیقت، اگر کسی در کارشان دخالت نکند، حتی ممکن است به اندامهای جنسی همبازیهای خود، از جمله خواهر و برادرهای خود هم، دست بزنند و با آنها ور بروند. در کل، پسران در این امر فعالتر از دختران عمل می کنند. با این همه، اغلب این کشفهای متقابل بدنهای همدیگر (در قالب «دکتر بازی») از حس کنجکاوی ساده نسبت به بدن همدیگر ناشی می شود و فاقد خصیصه اروتیکی در مفهوم بزرگسالی است.

همین مسئله حتی در مواردی که کودکان ادای مقاربت جنسی، و ایفای نقش «فاعل» و «مفعول» را درمی آورند هم، صدق می کند. همه اینها، بیش از هر چیزی، بازتاب تلاش برای شناخت خود و دیگران است. با این همه، با بزرگتر شدن کودکان، ممکن است آنها از تحریک اندامهای جنسی خود، «لذت خاصی» ببرند، و «سکس بازی» آنها با دوستانشان هرچه بیشتر خصلت جنسی/تهییجی به خود

بگیرد. کودکان مسن تر حتی ممکن است مجذوب کسی شده، «عاشق شوند» و رابطه نزدیکی با هم به وجود آورند. این «دوست ویژه و خاص» ممکن است به جنس مخالف و یا جنس موافق تعلق داشته باشد. و این مشکلی نیست. اما، بسیار مهم است که والدین رابطه نزدیک با فرزندان خود را حفظ کرده، و هنگام توضیح اندامهای مختلف بدن و کارکردشان به آنها، احساس راحتی کنند. کودکان از همان پنج سالگی می خواهند بدانند

که «بچه ها از کجا می آیند» و به پاسخهای صادقانه برای بسیاری از سئوالات جنسی خود نیاز دارند. در عین حال، آنها به فضایی برای آزمایشات خود هم نیازمندند. با این حساب، با کمک والدینی که این مسائل را درک و به فرزندانشان خود کمک می کنند، کودکان به مرور به موجوداتی «جنسی» فرا می رویند و برای رفتارهای اروتیکی آگاهانه آماده می شوند.

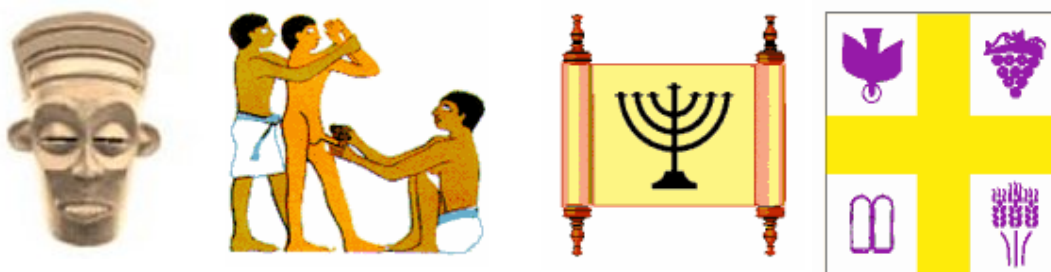
رشد و نمو رفتارهای جنسی مرحله رشد: کودکی «واکنش جنسی» 2



والدین و نزدیکان معمولاً از خود می پرسند که در برابر خودتحریکی و رفتارکشف متقابل بدنهای همدیگر که کودکان انجام می دهند، چگونه باید برخورد کنند. آیا می بایست مانع آن شوند؟ نادیده بگیرند؟ یا آن را تشویق نمایند؟ و به راستی هم، آیا چیزی به عنوان رفتارهای «جنسی» درخور و مناسب برای کودکان وجود دارد؟ تا امروز، برای این سؤال پاسخی که برای همه پذیرفته باشد، وجود ندارد، و حتی نفس چنین سئوالی ممکن است برای بسیاری از مردم ناروا جلوه کند. با این همه، در جهان «گلوبالیزه» شده ما، نسخه های جنسی متفاوتی در رابطه با کودکان، با هم در رقابتند، که بعضی از آنها بسیار سخت گیر و بعضی دیگر بی بند و بار می باشند. تنها یک اصل وجود دارد که همه جوامع مدرن آن را می پذیرند: کودکان را می بایست از نزدیکی اروتیکی کودکان خیلی بزرگتر، نوجوانان و بزرگسالان محافظت کرد. به عنوان یک قاعده، این نوع تماس «جنسی» تحمل نمی شود، و اگر بزرگسالان دست به چنین کاری بزنند، به عنوان مجرم مجازات می شوند. از جهتی دیگر، نسخه ها (پیش نویسهای) جنسی برای کودکان از جامعه ای به جامعه ای دیگر، و از گروهی به گروهی دیگر در جامعه، با هم بسیار متفاوت می باشند.

در طبقات متوسط «لیبرال» غربی، والدین معمولاً رفتار واقع بینانه ای درپیش می گیرند: به برخی از «سکس بازیهای» کودکی تا جایی که خصوصی باقی بمانند، اجازه داده می شود، اما مرزبندیهای دقیقی در مورد معامله با کودکان دیگر و بزرگسالان هم، اعمال می شود. در پیش گرفتن چنین راه میانه ای ممکن است رشد جنسی «آیده آل» را تضمین نکند، اما در اغلب موارد سازش و مصالحه کارآمدی است که ادامه رشد روانی کودک را هموار می سازد. در هر صورت، امروزه ما می دانیم که آن دسته از کودکانی که در محیطی حمایتی بزرگ می شوند، «دوره نهفتگی» را تجربه نمی کنند. آنها احساسات و فعالیتهای جنسی خود را شروع می کنند و بدون توقف تا مرحله بلوغ و بعد از آن ادامه می دهند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد: نوجوانی و جوانی



سمبلهای آمادگی (از چپ به راست) 1. در خلال این مراسم در آفریقا ماسکی پوشیده می شود. 2. مراسم ختنه یک نوجوان در مصر باستان. 3. سمبل ثواب یهودی. 4. تعمید مسیحیت.

ادولسنس (Adolescence) از لاتین گرفته شده و معنای رشد کرده را می دهد، و فاصله مابین بلوغ و بزرگسالی را دربر می گیرد. (1) در چند قرن اخیر، این دوره طولانی تر شده است، اما در بخش اعظم تاریخ بشر، این دوره نسبتاً کوتاه بوده است. در واقع حتی امروز هم، بعضی فرهنگهای سنتی - ماقبل صنعتی در نقاط مختلف جهان، ادولسنس را در مفهوم مدرن آن، به رسمیت نمی شناسند. آنها در عوض، برای تأیید و برجسته کردن رشد کودکان، مراسم به اصطلاح آمادگی را به محض رسیدنشان به بلوغ، اجرا می کنند. برخی از این سنتهای باستانی در جوامع مدرن غربی هم پابرجا مانده اند، اما معنا و مفهوم اصلی خود را از دست داده اند: به عنوان مثال مراسم ثواب یهودی و غسل مسیحیت عمدتاً مراسمی سمبلیک هستند. این مراسم ایمان اعتقادی و عضویت در جامعه (خودی) را تأیید می کنند اما فاقد هرگونه اثر اجتماعی می باشند. جوانان، ادولسنس، در معرض انواع محدودیتهای و محروم از حقوقی که شامل حال بزرگسالان می شود، باقی می مانند. و در واقع ممکن است سالها هم طول بکشد تا قادر شوند «روی پای خود بایستند»، تحصیلات خود را به پایان برسانند، محل زندگی خود را بیابند، و از جهت اقتصادی مستقل شوند. به عبارتی دیگر: بلوغ در اوائل نوجوانی شروع و چند سال بعد تمام می شود. ادولسنس با بلوغ شروع می شود و امروز حتی یک دهه تمام و شاید بیشتر هم طول می کشد.

بلوغ یک فرایند رشد (بلوغ) جسمی - فیزیکی است که صفات ثانویه جنسی را تولید می کند و به باروری می انجامد. در عوض، ادولسنس به عنوان بلوغ روانی و اجتماعی، که به شهروندی کامل منتهی می شود، تعریف می گردد. بلوغ یک پدیده بیولوژیکی، و ادولسنس یک پدیده فرهنگی می باشد.

(1)- در اینجا «نوجوانی» معادل ادولسنس گرفته شده است. مترجم

رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد: نوجوانی و جوانی رفتارهای نقش جنسیتی

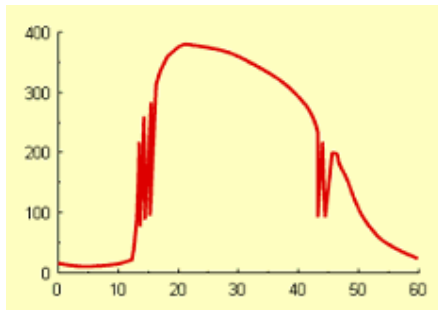


در دوران بلوغ، صفات ثانویه جنسی در دختران و پسران رشد می کنند. همزمان با نمایانتر شدن تفاوت‌های فیزیکی آنها، تفاوت‌های روانیشان هم هرچه برجسته تر می گردند. دختران، از بزرگسالان، و بخصوص گروه همسالان خود، می آموزند که چگونه زنانگی و جذابیت زنانه را در خود پرورش دهند، درحالیکه پسران می آموزند، «مردانگی با ابهتی» که مورد تأیید خانواده و دوستانشان است، را فرا گیرند. نسخه های مربوط به رفتارهای جنسیتی درخور هر جنس، ممکن است در جزئیات از جامعه ای به جامعه ای دیگر متفاوت باشند، اما در همه آنها از دختران و پسران توقع می رود که رفتارهای متفاوتی داشته باشند. دختران از پوشش متفاوتی استفاده می کنند، مدل موی متفاوتی را به خدمت می گیرند، به شکل خاصی آرایش می کنند و غیره. درحالیکه پسران، ظاهر «زمخت تری» را برای خود ترجیح می دهند و سعی می کنند در رقابتهای ورزشی برتری خود را به اثبات برسانند، یا از جهت فیزیکی سعی می کنند «مردانگی» خود را به اثبات برسانند. اما، باید به خاطر داشت که نه همه نوجوانان می توانند و نه همه آنها می خواهند که براساس این نسخه های قراردادی رفتار کنند، و توقعات گنجانده شده در آنها را برآورده کنند. همیشه کسانی هستند که یا نمی توانند و یا نمی خواهند در قالب نرمهای موجود، قرار گیرند. بعضی از نوجوانان، بخشهایی و یا کل نسخه های مربوط به رفتارهای جنسیتی پیشنهادی را رد می کنند. این موضوع، در فرهنگهای متعصب و سرکوبگر، می تواند به مقابله جویهای بی ثمر و انواع مشکلات دیگر بیانجامد. برای مثال ممکن است این شبیه به وجود آید که دختران «مرد صفت»، و پسران «اوا خواهر»، «گرایشات همجنسگرایانه» داشته باشند، و یا چنین اتهامی به آنها زده شود، درحالیکه چنین ادعایی ممکن است عاری از حقیقت باشد. در کل، نقش جنسیتی و گرایش جنسی، به عنوان دو بعد از ابعاد پایه ای جنسیت بشر، از همدیگر مستقل می باشند. به هر حال، حتی اگر آن سوء ظن حقیقت هم داشته باشد، باز هم دلیلی برای طرد و تبعیض نمی شود. به همین سبب، در همه انواع مسائل مربوط به نقشهای جنسیتی، ضروری است که والدین، خویشاوندان، و معلمان، صبور و حامی خوبی برای فرد باشند. در آخرین تجزیه و تحلیل، نوجوانان باید یاد بگیرند که خود را آنطور که «واقعا» هستند، قبول کنند و شایسته تر آن است که این مقبولیت مورد پذیرش محیط و اطرافیان آنها هم قرار گیرد.

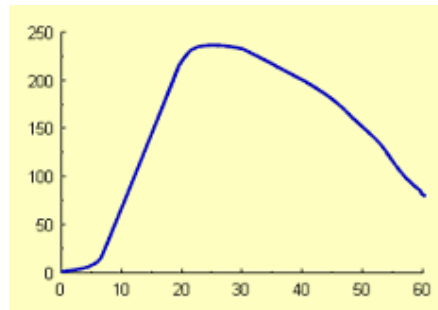
رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد: نوجوانی و جوانی پاسخدهی جنسی

تغییرات هورمونی ناشی از بلوغ، شهوت جنسی قابل ملاحظه ای، بخصوص در پسران، تولید می کند. آنها ممکن است در خواب به ارگاسم و انزال (استحلام) برسند، و در اوقات بیداری، نعوذ ناخواسته به آنها دست دهد. در اصل، آنها معمولاً چند سال بعد از اولین انزال، به اوج توان جنسی خود می رسند. آنها وقتی چاره دیگری ندارند، ممکن است به طور مرتب دست به استمناء بزنند. یا گاهی به همراه یک یا چند نفر از دوستان پسر خود، با هم استمناء می کنند. به این ترتیب، آنها با واکنش فیزیکی خود آشنا می شوند، واکنشی که آنها، حالا دیگر آن را «جنسی» می نامند. درمقابل، بسیاری از دختران، اولین بار چنین واکنشی را در کنار یک «دوست پسر» تجربه می کنند، و حتی در چنین حالتی هم، این احساس تجربه شده ممکن است تا حدودی مبهم باشد. علاوه بر آن، در این سن و سال، تنها نصف تعداد دختران نسبت به پسران، استمناء می کنند. البته استثناها همیشه وجود دارند، اما درکل می توان گفت که: درحالیکه دختران زودتر از پسران به بلوغ فیزیکی خود می رسند، اما پاسخدهی «جنسی» آنها کندتر رشد می کند. بنابراین، به عنوان یک قاعده کلی، دختران و پسران نوجوان همسن و سال، از جهت جنسی با هم توازن ندارند. پسران تماس فیزیکی بیشتری می طلبند، و

دختران نسبت به آن تمایلی نشان نمی دهند، نه فقط به خاطر قراردادهای اجتماعی، بلکه به این علت هم هست که به شدت پسران، نیاز آن را احساس نمی کنند. درواقع، بسیاری از دختران، در اواخر دهه سوم و اوائل دهه چهارم زندگی خود به اوج شهوت و توان جنسی خود می رسند.



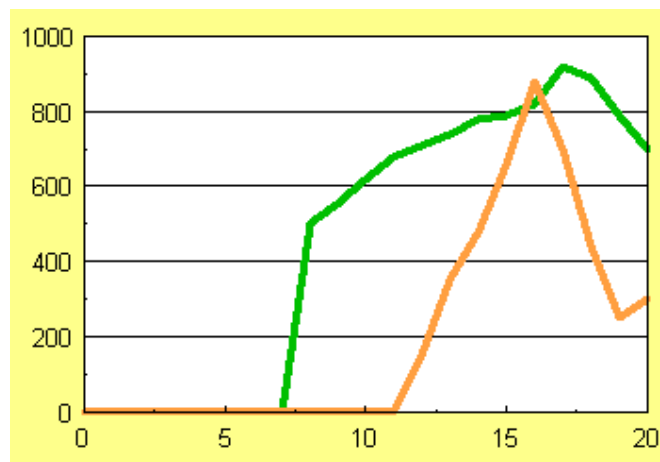
سطح متوسط استروژن در افراد مؤنث از کودکی تا بزرگسالی (0 تا 60 سالگی) (میلی گرم/24 ساعت) استروژن به همراه ادرار دفع می شود.



سطح متوسط تستسترون در افراد مذکر از کودکی تا بزرگسالی (0 تا 60 سالگی) میلی گرم/لیتر اندروسترون در پلازما

رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد: نوجوانی و جوانی واکنش جنسی 2

یادداشتهای جنسی دو مرد، آقایان ض. و ث.، تصویر خوبی از توان اولیه جنسی افراد مذکر ارائه می دهند. با وجود آنکه آنها در دو کشور مختلف اروپایی زندگی می کنند، اما از لحاظ جنسی نقاط اشتراک زیادی با هم دارند: هردوی آنها، در نوجوانی و جوانی، فرصت مقاربت جنسی نیافتند و در نتیجه به استمناء به عنوان تنها راه موجود پناه آوردند. هردو به محض آنکه بزرگتر شدند، ازدواج کرده و بچه دار شدند. و هردو هم به یادداشت برداریهای دقیقی که بیش از پنج دهه فعالیت جنسی آنها را توضیح می دهد، دست زدند. چنین یادداشت نویسی هایی به شدت نادرند، و در نتیجه محتوای آنها هم تعمیم پذیر نیستند. با این همه، گلچین معرفی شده، که بیست سال اول زندگی آنها را دربر می گیرد، درجه ای از فعالیت جنسی را ثبت می کند که هیچکدام از آنها قادر به انجام آن در بزرگسالی نیست. حداقل از این زاویه، یادداشتهای درواقع نمایی از یک مرحله عمومی رشد و نمو را بازتاب می دهند. در یادداشتهای آنها آمده که در فاصله 15 تا 17 سالگی، هرکدام سالانه حدود 900 ارگاسم داشته است، یعنی حدود 2 - 3 ارگاسم در هر روز. (درواقع فعالیت آقای ض. از همان کودکی، در «مرحله نهفتگی» مطرح شده توسط فروید، شروع می شود.)



دفعات استمناء در سال، از تولد تا بیست سالگی.
سبز: آقای ض، نارنجی: آقای ث.

رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد: نوجوانی و جوانی رفتارهای اروتیکی: یادداشتی تاریخی

در اواسط قرن نوزدهم، نوجوانان طبقات متوسط کشورهای غربی خود را از هر سو زیر نظر و تحت فشار احساس کردند. آنها را در راه آمادگی برای «زندگی واقعی» مشغول نگه می داشتند: مدت مدید تحصیلی، و مدت زمانهای هرچه طولانی تر جهت آمادگی برای شغلای تخصصی، مانع انحراف ذهنی آنها به سمت مسائل احساسی و عاطفی می شد. در آن دوره زمانی، جوانان حتی بعد از بلوغ هم «بالغ» نبودند. و از آنها انتظار می رفت که تا ازدواج، از مسائل جنسی دوری کنند، اما ازدواج ناممکن بود، مگر زمانیکه داماد کاری یافته و آنقدر پس انداز داشت که «بتواند نیاز مالی خانواده را تأمین کند». با این وجود، افراد بزرگسال تحصیل کرده از ظرفیت و نیروی شهوت نوجوانان و جوانان آگاه بودند و در همه فرهنگها آن را پاس می داشتند. درحقیقت، بسیاری از عشاق مشهور در هنر و ادبیات غرب، نوجوان می باشند: اروس و سایکه، پیراموس و ثایبه، ترویلوس و کرسیدا، دافینس و کول، فلوریر و بلانچفلور، آوکازیان و نیکولت، رومئو و جولیت. (Eros and Psyche, Pyramus and Thisbe, Troilus and Cressida, Daphnins and chloe, Floire and Blancheflor, Aucassian and Nicolette, Romeo and Juliet.)

پسران و دختران جوان اغلب به عنوان مظهری از رمانس و عشق آتشین تصویر می شدند: هلن فقط دوازده ساله بود که شوهرش منلائوس را ترک کرد و به همراه پاریس به تروی رفت. نارسیس فقط شانزده ساله بود که «بسیاری از دوشیزگان جوان در پی عشقش بودند». گانیمد حتی از این هم کم سن و سالتر بود زمانیکه زئوس او را محبوب خود کرد. هیاسینتوس در سن نوجوانی بود زمانیکه آپولو و زفیروس برای رسیدن به عشق او، با هم به مرافعه پرداختند. ما در ابراهای معروف هم به نمونه هایی از عشاق جوان بر می خوریم: چروبینو، این عاشق پیشه دلباخته در «ازدواج فیگارو» ی موتزارت حدود پانزده سال سن دارد، اوکتاویان در «روسن کوالیر» ریشارد اشترواس هفده ساله است و معشوق یک زن مسن تر متأهل. در آخر، فاصله بین اخلاق «از ما بهتران» و طبقات متوسط به سطحی رسید که ادامه آن اسباب شرم و فضاحت گردید. بخصوص جوانان علیه «ریای اخلاقی» بزرگترها سر به شورش زدند، و در نیمه دوم قرن بیستم، اغلب کشورهای غربی، رفتاری آسان گیر، زمینی و واقعی در قبال رفتارهای اروتیکی نوجوانان در پیش گرفتند.



تصاویری از داستانهای معروف قرن نوزده
(از چپ به راست) اروس و سایکه، نارسیس، گانیمد، آپولو و هیاسینتوس، رومئو و جولیت.
منبع:

FCIT, <http://etc.usf.edu/clipart>

رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد: نوجوانی و جوانی رفتارهای اروتیکی 2



برای بسیاری از دختران و پسران، دوره نوجوانی، زمانی است که آنها اولین تماس جنسی خود را با فردی دیگر برقرار می کنند. این دوره، زمانی است که آنها «عاشق» می شوند، و اهمیت واقعی پاسخدهی فیزیکی

خود را کشف می کنند. معنی و مفهوم «جنسی - سکسی» نسخه های مربوط به نقشهای جنسیتی که قبلاً به آنها آموخته شده هم، برایشان آشکار می شود. حالا دیگر، آن رفتارهای متفاوتی که در دختران و پسران رشد داده شده اند، در جذابیت متقابل آنها نسبت به هم، برجسته تر می گردند. در نتیجه آنها، هم توان و ظرفیت آن را دارند و هم مایلند که آگاهانه به رفتارهای اروتیکی متقابل با هم روی آورند.

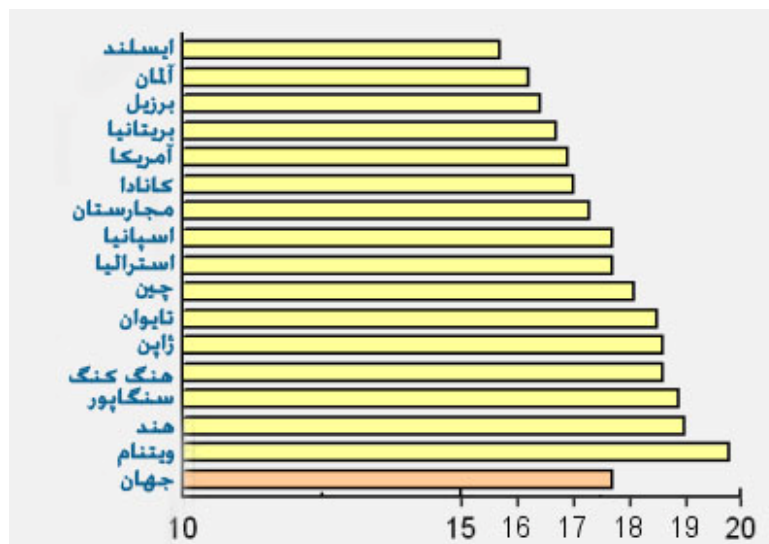
با این همه، بخصوص جوانی و نوجوانی، دوره قاطعی کردن و سرگیجه آور شدن پیش نویسها و نسخه های جنسی است. به عبارتی، این دوره ای است که نسل جوان باید از بین انواع نسخه های جنسی رقابتی، یکی را برگزیند و به طور همزمان با مسائل دیگری هم دست و پنجه نرم کند، از جمله، استقلال تدریجی از والدین، فقدان تجربه در امر چگونگی نزدیک شدن به جنس مخالف، کنجکاوی و سئوالات ذهنی حول کارکرد آناتومی و فیزیولوژیکی جنسی انسان، میل به آزادی فردی بیشتر و شورش علیه محدودیتها، بی اعتمادی فزاینده نسبت به همه مسئولان، آرزوی «یافتن جایگاهی برای خود در این جهان» و برنامه ریزی برای آینده، نیاز به پذیرفته شدن توسط دوستان و در عین حال به دنبال استقلال خود بودن و امثالهم. کوتاه سخن اینکه، نوجوانان و جوانان بایستی در کنار شناخت خود و جهان پیرامون، مهارتهای زندگی اجتماع را هم یاد بگیرند و همزمان با همه اینها، در درون بدنشان هم تغییرات هورمونی ژرفی در حال وقوع می باشد. با این حساب، در جهان مدرن امروزی، نوجوانی دوره آزمایش و خطا است، که آنها، و حتی بزرگترها هم، به آن دست می زنند. والدین و بزرگترها معمولاً نوجوانان را، با هدف محافظت از آنها، از نزدیک شدن به مسائل جنسی برحذر می دارند، ولی خود نوجوانان این امر را محدود کننده و حتی سرکوبگر می یابند. در هر صورت، اغلب آنها خیلی زود اولین تماس جنسی خود را، با موافقت یا بدون موافقت بزرگترها، برقرار می کنند.

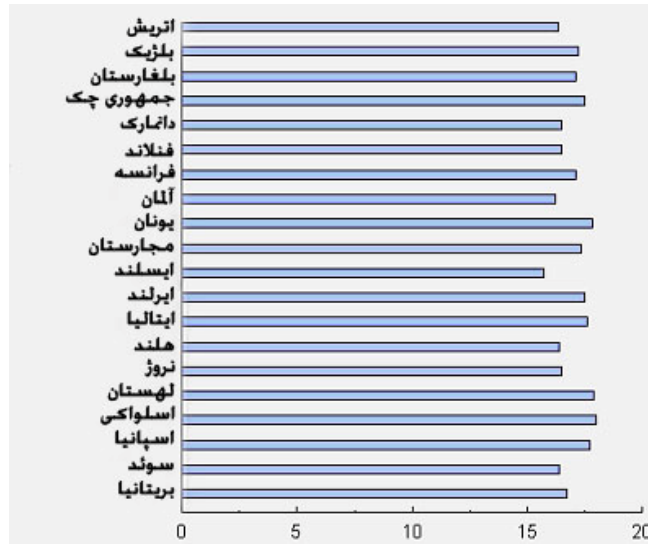
رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد: نوجوانی و جوانی رفتارهای اروتیکی 3

در سراسر جهان، حد متوسط سن هنگام اولین تماس جنسی بین 18 و 17 سالگی است. البته در بعضی از کشورهای غربی خیلی پائین تر از این سن می باشد. ارقام دقیق، از کشوری به کشوری دیگر، متفاوت است، اما در رابطه با شروع تماس جنسی، روند کلی به سوی سنین پائین تر سمت و سو دارد. در دهه 1950، حد متوسط سن هنگام اولین مقاربت جنسی کماکان حوالی 21 سال بود، اما در همان زمان هم رو به کاهش بود. به بازار آمدن قرصهای پیشگیری از بارداری، و «انقلاب جنسی» در دهه 70 این گرایش را تقویت نمود. در ضمن، این را هم باید به خاطر داشت که در سطح جهانی، امروزه، دختران و پسران در سن و سال پائین تری به بلوغ می رسند، و در عین حال سن ازدواج در بسیاری از کشورها بالاتر می رود. معنای همه اینها آن است که، احتمال اینکه جوانان تا ازدواج صبر کنند و دست به مقاربت جنسی نزنند، بسیار کم است. با در نظر گرفتن این مسئله، آمار و ارقام فعلی به هیچ وجه تعجب آور نمی باشند.

سن متوسط اولین مقاربت جنسی (دختران و پسران)
در کشورهای منتخب

منبع: Durex Global Sex Survey 2004





رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد: نوجوانی و جوانی رفتارهای اروتیکی 4

مقایسه جنسی می تواند برای نوجوانان و جوانان غیر متأهل مشکل آفرین باشد. اولین مقایسه دخیلی معمولاً تجربه ای است که با ناخشنودی همراه است، بخصوص برای دختران، و به همین دلیل ممکن است تا مدتی تکرار نشود. پسران هم ممکن است در اولین مقایسه دخیلی خود، به دلیل دست پاچگی و فقدان تجربه، آنچنان ارضاء نشوند. (انزال و ارضاء دو موضوع جداگانه اند. م.) این عدم ارضاء معمولاً در اثر تکرار مقایسه های جنسی و کسب تجربه برطرف می شود. مشکل جدی دیگر، ترس واقعی از ابتلا به عفونتهایی است که در مقایسه های جنسی منتقل می شوند. به علاوه، نگرانی از بارداری ناخواسته هم وجود دارد. به همین دلیل مجرب شدن دختران و پسران جوان به دانش چگونگی پیشگیری از بیماریهای مقاربتی و بارداری ناخواسته، مسئله ای حیاتی است. متأسفانه، بسیاری از جوانان فاقد این دانش اند، و اگر هم آگاهی داشته باشند، از عمل بدان غفلت می ورزند. در عین حال، بعضی از جوانان روش خاصی را، برای «سکس سالم» به کار می گیرند که آن را «مقایسه بیرونی» یعنی آمیزشی که طی آن کلاً از دخول پرهیز می شود، می نامند. این روش آمیزش ممکن است تا سالها قبل از اولین آمیزش همراه با دخول واژنی، به کار گرفته شود. این شیوه آمیزش توسط جفتهای غیر متأهل در جوامع سنتی که بر «باکره بودن» عروس تأکید دارند هم، به کار گرفته می شود. (بسیاری از جفتهای که نگران بارداری ناخواسته یا خواهان حفظ باکرگی دختر هستند، از دخول مقعدی استفاده می کنند، اما منظور نویسنده در اینجا کلاً پرهیز از هر نوع دخول، نه تنها با هدف پیشگیری از بارداری و حفظ باکرگی، بلکه به منظور مقابله با شیوع بیماریهای مقاربتی هم می باشد. در نتیجه، جفتهای با به کارگیری انواع روشهای عشق ورزی همدیگر را ارضاء می کنند. م.)

امروزه اغلب فراموش می شود که در بخش اعظم تاریخ بشر، جوانان برای ازدواج خود زیاد معطل نمی ماندند. آنها به محض رسیدن به بلوغ وارد اجتماع بزرگترها می شدند و می توانستند برای خود خانواده تشکیل دهند. دختران به محض رسیدن به سن باروری، «به خانه بخت» فرستاده می شدند. و اگر پسران به دلیل مسائل اقتصادی چند سالی باید صبر می کردند، اما راه و امکاناتی برای برآورده کردن نیازهای جنسیشان وجود داشت. در بسیاری از جوامع گذشته، تماسهای جنسی موقتی با همجنس و رفتن به فاحشه خانه ها چندان «جدی» تلقی نمی شد و با سکوت و ماماشات تحمل می گردید. به عبارت دیگر، در طول هزاران سال، چنین توقعی وجود نداشت که جوانان روزه جنسی مدیدی را تحمل کنند؛ بلکه این امر برای همه مسلم و پذیرفته شده بود که بعد از بلوغ، هر کسی، هم از آمادگی، و هم از حق برقراری آمیزش جنسی، برخوردار است.



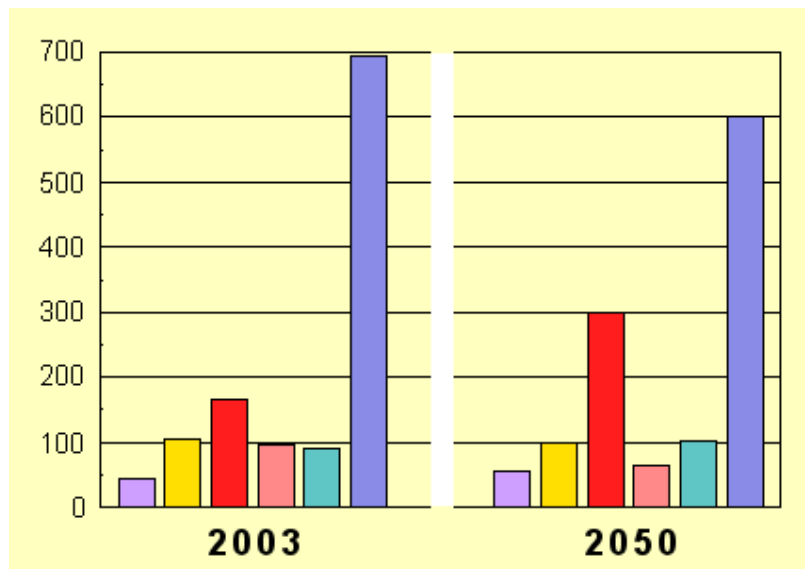
ازدواج نوجوانی

در گذشته، ازدواج در اوان نوجوانی سنت بسیاری از جوامع بود. در اروپا، این امر، در خدمت منافع سیاسی اشراف تا همین دوران مدرن بوده است. در این عکس ازدواج ماری آدلاید ساووی (12 ساله) و یکی از شاهزاده های (14) ساله در ورسای در سال 1697 را نشان می دهد. لویی شانزدهم پدر بزرگ داماد در سمت راست عکس دیده می شود.

رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد: نوجوانی و جوانی رفتارهای اروتیکی 5

توصیه هایی که در رابطه با پرهیز از آمیزش جنسی تا ازدواج، به نوجوانان و جوانان غیر متأهل داده می شود، ممکن است با در نظر داشتن مسئله ایبز و امکان آبستنی، قابل توجیه باشد، اما در کل، در سطح جهانی کمتر گوش شنوایی می یابد. در سراسر جهان، سن بلوغ کاهش، و در عین حال، سن ازدواج افزایش می یابد. این موضوع بخصوص در مورد کشورهای در حال رشد، جایی که جوانان 85% جمعیت را تشکیل می دهند، صدق می کند. اغلب افراد این بخش بزرگ جمعیتی، از طولانی شدن دوران خویشنداری جنسی خود ناراضی اند. متأسفانه، بسیاری از آنها فاقد دانش کافی در مورد بیماریهای مقاربتی، تولید مثل و پیشگیری از بارداری می باشند و در نتیجه نمی توانند دست به انتخابی مسئولانه بزنند. مزید بر آن، جوانان و نوجوانان اغلب فاقد نیروی اعتماد به نفس کافی جهت ردّ تقاضاهای جنسی اجباری می باشند. بخصوص دختران جوان در بیشتر مواقع مورد سوء استفاده جنسی قرار می گیرند. اضافه بر این، در بسیاری از کشورهای در حال رشد، مکانیسمهای کنترل اجتماعی در حال شکسته شدن می باشند، به این شکل که دکتربینهای مذهبی و سیاسی نفوذ خود را از دست می دهند، و در عین حال، شیوه زندگی غربی، اغلب بدون هیچگونه نقدی، در پیش گرفته می شود. این امر، گاهی واکنشها و مقاومتیهای فوق محافظه کارانه ای را دامن می زند، ملت را دوشقه می کند، و سردگمی اخلاقی نوجوانان و جوانان را دوچندان می سازد.

■ آفریقا ■ آمریکای لاتین و کارائیب ■ آمریکای شمالی
■ آسیا و اقیانوسیه ■ منطقه کشورهای عربی ■ اروپا



جمعیت سنی نوجوانان 2003-2005

نمای فوق اندازه جمعیت نوجوان (در رقم میلیونی) سالهای 2005 – 2003 را نشان می دهد. همانطور که مشاهده می شود، بزرگترین ارقام در آفریقا و آسیا / اقیانوسیه دیده می شوند. (ادولسنس یعنی نوجوان در اینجا سن 10 تا 19 سالگی تعریف می شود.) چون در بعضی جاها «جوانان» به افراد 10 تا 24 ساله اطلاق می گردد. در حالی که منظور از «جوانان» افراد بین 15 تا 24 ساله می باشد.

منبع: UNFPA / www.unfpa.org/swp/2003/english/ch1/

رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد: نوجوانی و جوانی رفتارهای اروتیکی 6

همانطور که قبلاً گفته شد، نمونه های زیادی از رفتارهای اروتیکی همجنسگرایانه در ادبیات اروپا دیده می شود. بخصوص، شعر، فلسفه و اساطیر یونان و روم باستان دارای الگوهایی برای آن دسته از نوجوانان و جوانانی است که به همجنس خود گرایش جنسی دارند. این دسته از نوجوانان و جوانان، در همه جا، در اقلیت هستند، اما، باید به مسائل و نیازهای آنان توجه لازم مبذول گردد.

از کشوری به کشوری، و از یک دوره تاریخی به دوره ای دیگر، می توان تفاوت های برخوردی نسبت به رفتارهای اروتیکی همجنس خواهانه را مشاهده نمود، اما در کل، آنها را می توان به این شکل دسته بندی کرد:

- بی تفاوتی: رفتار همجنسگرایانه «جدی» تلقی نمی شود و آگاهانه نسبت بدان اغماض می شود.
- ممنوعیت: رفتار همجنسگرایانه مذموم، محکوم و ممنوع اعلام شده، و مجازات می شود.
- بردباری: رفتار همجنسگرایانه با اکراه و بی میلی تحمل می شود.
- پذیرش: رفتار همجنسگرایانه به طور کامل مورد پذیرش قرار گرفته است.

در حال حاضر، می توان نمونه هایی از انواع برخوردهای فوق را در جوامع مختلف روی کره زمین، و حتی گاهی در درون یک اجتماع مشاهده کرد. اغلب کشورهای غربی، در چند دهه اخیر، از برخورد ممانعت به پذیرش تغییر موضع داده اند، و چندتایی هم به سمت پذیرش کامل و تمام عیار قدم برداشته اند. این امر عمدتاً به کمک جنبش «رهایی بخش همجنسگرایان» و بازبینی کتابهای پزشکی که مدتهاست «همجنسگرایی» را از لیست بیماریها حذف کرده اند، میسر شده است.



پرچم رنگین کمان

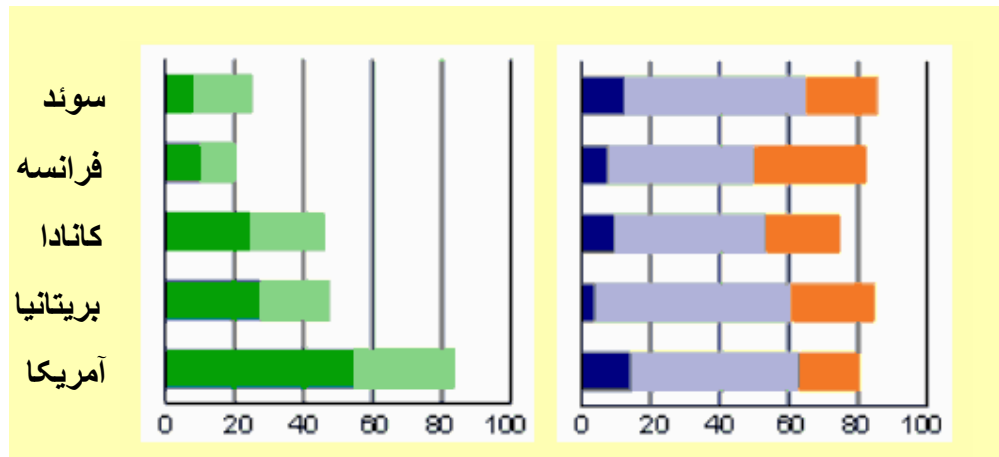
توسط گیلبرت باکر (Gilbert Baker) در سال 1978 برای «رژه روز آزادی همجنسگرایان سان فرانسیسکو» طراحی گردید و بعد از آن به عنوان سمبل «آزادی همجنسگرایان» درآمد که امروزه در سراسر جهان شناخته می شود.

علی رغم همه پیشرفت‌ها، بعضی از نوجوانان و جوانان، حتی در جوامع مدرن هم، کماکان به خاطر گرایش جنسی خود با مشکلاتی مواجه اند. این مشکلات، از جمله، شامل طرد شدن توسط دوستان یا والدین، تناقضات ذهنی - مذهبی، احساس انزوا، افسردگی، و حتی افکار مربوط به خودکشی، می باشند. به همین دلیل، به نام نیکی و صداقت هم که شده، تصور مبنی بر این که همه نوجوانان و جوانان همیشه به جنس مخالف خود گرایش دارند، باید برای همیشه کنار گذاشته شود و بایستی تفاوت‌های واقعاً موجود در علائق جنسی به رسمیت شناخته شوند. این، از جمله، بدین معنا هم هست که مسئولان آموزشی نباید نوشته های کلاسیک را پنهان و یا سانسور کنند، چون در آن صورت برای حمایت از یک دیدگاه، تاریخ را جعل و تحریف نموده اند. درحقیقت، نگاه بی تزویر و منصفانه به واقعیت، این را نشان می دهد که رفتارهای اروتیکی همجنسگرایانه در بین نوجوانان و جوانان هیچگاه غیر معمول نبوده و نیست. مسلماً، این پدیده ای است گذرا، ولی این خود دلیل دیگری است که چرا نباید عجولانه لکه داغ و ننگ بر آن زده شود. از طرف دیگر، آن دسته از نوجوانان و جوانانی که خود را «لزبین» و یا «گی» می دانند هم، در مسیر پذیرش خود، به حمایت و پشتیبانی نیاز دارند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد: نوجوانی و جوانی رفتارهای تولید مثلی

دختران و پسران جوان، در دوران بلوغ، از توانایی تولید مثل برخوردار می شوند. امروزه در کشورهای در حال رشد، دختران در سن 8 تا 12 سالگی اولین عادت ماهانه خود را، و پسران در سن 12 تا 14 سالگی، اولین انزال خود را، تجربه می کنند. از منظر فیزیکی، این بدان معناست که آنها می توانند در سن خیلی پائینی پدر و مادر شوند. اما، به عنوان یک قاعده کلی، از جهت روانی و اجتماعی برای این کار آمادگی ندارند و بنابراین، مناسب پدر و مادر شدن نمی باشند.

متأسفانه، بسیاری از نوجوانان و جوانان، مقاربت جنسی را بدون آنکه درک کاملی از عواقب آن داشته باشند و بدون استفاده از وسائل پیشگیری از بارداری، شروع می کنند. اغلب اوقات، اولین سکس دخولی، بدون برنامه ریزی و «تصادفی» اتفاق می افتد. این امر بخصوص در مورد جفت‌های خیلی جوان صدق می کند. ولی، دختری که عادت ماهانه خود را شروع کرده، به راحتی می تواند «در همان اولین بار» آبستن شود. بعضی از جفت‌ها هیچ احتیاطی به خرج نمی دهند و به همین دلیل شاید برایشان لازم شود که بعداً با بارداری ناخواسته دست و پنجه نرم کنند. این، حتی در بهترین حالت هم، مشکل عمده ای است، اما شرایط همیشه مناسب و در بهترین حالت نیست. بخصوص دختران از نتایج پیش آمده گریزی ندارند. حتی اگر فرزندی سالم به دنیا بیاید، باز هم باری بر دوش دختر جوان و والدین او خواهد بود. ولی، در بیشتر مواقع، سقط جنین به عنوان تنها راه خلاصی از وضعیت پیش آمده، در نظر گرفته می شود. اما باز این کار هم بار سنگینی بر دوش دختر جوان می گذارد. مشکل بارداریهای ناخواسته را می توان با ارائه آموزشهای سلامت جنسی مناسب و درخور، از همان سنین کم، حل نمود. فقط آن دسته از نوجوانان و جوانانی که با کارکرد بدن خود آشنا، و به راههای پیشگیری از بارداری و شیوع بیماریهای مقاربتی وارد هستند، می توانند عاقلانه و خردمندانه رفتار کنند و در برابر رفتارهای تولید مثلی خود، مسئولیت بپذیرند.



تین ایج ها (زنان 15 - 19 ساله): تولد و سقط جنین در برخی کشورها (اواسط دهه نود میلادی) معیار یک در هزار در نظر گرفته شده است.

تین ایج ها: مقاربت جنسی در برخی کشورها (اواسط دهه نود میلادی) درصد زنان 20 تا 24 ساله که در دوران تین ایجی خود مقاربت جنسی داشته اند.

تولد
سقط جنین

15 تا 19 سالگی
18 تا 20 سالگی
20 تا 24 سالگی

منبع: Guttmacher Institute, New York, NY

رشد و نمو رفتارهای جنسی مرحله رشد بزرگسالی



رشد جنسی انسان در نوجوانی و جوانی متوقف نمی شود، بلکه در بزرگسالی هم، کماکان ادامه می یابد. در بزرگسالی است که اکثر دختران و پسران، مادر و پدر می شوند. و همین مسئله، چشم انداز آنها نسبت به زندگی را عوض می کند. به جز این، نقشهای جنسیتی و ترجیحات اروتیکی آنها هم ممکن است دچار تحول گردد. یعنی چه بسا مدل‌های مختلفی از زنانگی و مردانگی (فمینینیته و ماسکولینیته) مد، و رفتار و شیوه های جنسی جدیدی آزمایش شوند و باب طبعشان قرار گیرند. حتی شاید گرایش جنسی هم در طول زمان به نوعی دچار تحول شود.

در هر صورت، امروزه، روابط جنسی بزرگسالان ممکن است اقسام و اشکال متفاوتی به خود بگیرد: علاوه بر ازدواج مادام العمر سنتی با یک شخص از جنس مخالف، ما امروزه به انواعی از سبکهای زندگی «مجردی» برمی خوریم که در آن یک جفت «فقط و صرفاً با هم زندگی می کنند»، و گروههایی که سکس «کمونی» را آزمایش می کنند. بعضی از زنان و مردان «ازدواج در باز» دارند، و دیگری هم سریال ازدواج متعهدانه (در بسته) را تمرین می کنند (ازدواج تکراری یعنی ازدواج، طلاق و ازدواج مجدد). اضافه بر این، برخی از کشورها «پیوند مشترک» جفتهای همجنسگرا، و چند کشوری هم، ازدواج همجنسگرایان را به رسمیت می شناسند.

تعجب آور نیست که تعداد قابل توجهی از زنان و مردان چندین نوع از سبکهای شمرده شده را در طول زندگی خود تجربه می کنند، و به همین دلیل هم ترسیم خطوط کلی و جمع بندی روابط جنسی امروزی کار چندان آسانی نیست. با این همه، با اطمینان می توان گفت که، شادی و پایداری روابط مشترک، به احترام، اعتماد، و درک متقابل بستگی دارد تا به فعالیت جنسی. ممکن است «سکس» نقش درجه دوم اهمیت را ایفا کند، اما همراه با بالا رفتن سن، تعداد دفعات و شدت آن هم خواه ناخواه فرو می گاهد. در عوض، عشق، که در لمس و نزدیکی فیزیکی تجلی می یابد، به عامل تعیین کننده تبدیل می شود.

رشد و نمو رفتارهای جنسی مرحله رشد: بزرگسالی رفتارهای نقش جنسیتی



نقشها و خصوصیات جنسیتی (جندری) فرد از بدو تولد شکل می گیرند، در کودکی، نوجوانی و جوانی قوام و استحکام می یابند، ولی باز در بزرگسالی ممکن است تغییراتی بر آنها وارد شود. اگر عدم تجانسات جندری (gender incongruities) که در جای جداگانه ای باید مورد بحث قرار گیرد را به کنار نهیم، باز می بینیم که در کل، مفهوم زنانگی و مردانگی (femininity and masculinity) در ذهن زنان و مردان، در گذشته تغییر کرده و همچنان در حال تغییر می باشد. حدس و گمان این که این تغییرات به کجا ختم می شوند چندان ساده نیست. تا همین جا هم، افزایش آزادی انتخاب، باعث سردرگمی زیادی شده است.



امروزه، اینکه یک زن «واقعی» و یک مرد «واقعی»، «واقعی» چگونه زن یا مردی است، چندان روشن و مشخص نمی باشد. در حال حاضر، حول این که نقشهای زن خانه دار مطیع، و مردسالار امر کننده، دیگر مناسب دوران نیستند، توافق وسیعی وجود دارد، و آن کلیشه ذهنی مبنی بر «مفعول» بودن زن و «فاعل» بودن مرد، مدتها است که مردود اعلام شده است. با این همه، نسخه ها و دستورالعملهای مربوط به نقشهای جنسیتی که امروزه پیشنهاد می شوند هم، آنچنان متنوع و متغیّرند، که ثبات لازم را به وجود نمی آورند. برای زنان: مدل دلربا و سحرانگیز، «مادر شاغل»، از خود گذشته و مربی کودکان، زن زرتنگ و تاجر

شاغل در امور بازرگانی، رئیس شرکت، فعال سیاسی، یا به هر حال، خانه دار و مرکز ثقل و هسته کانون خانواده. برای مردان: «شوهر خانواده»، «مرد ملایم» و وفادار به خانواده، یا «مرد عیاش» و «دلربای زنها»، ماجراجویی شجاع، تاجری جسور، مدیری بی رحم، نان آوری قابل اعتماد و «شخصیتی ساکت و متین»، یاری که درک می کند، یا، معشوقی گرم و داغ، شوهری دلخواه و پدري دلسوز، یا تحصیلکرده ای که سخاوتمندانه در شستن ظرفها به همسرش کمک می کند و غیره. اما در پشت همه انواع نظرات و پیشنهادات نامبرده، یک فرض بر زبان نیاورده ای هم هست که فرد بایستی همه این نقشها و خصوصیات را یکجا و به طور همزمان داشته باشد.

همه اینها، کار هر دو جنس را در انتخاب و اختیار نقشی که هم منطبق بر نیازهای درونیشان باشد و هم با آن بتوانند فرد مناسبی را برای زندگی بیابند، مشکل کرده است. در واقع، بی اعتمادی در نقشهای جنسیتی، بر رفتارهای اروتیکی یک جفت تأثیر می گذارد.



زنان شاغل

در قرن بیستم، زنان در مشاغل زیادی که قبلاً مختص مردان بودند، به موفقیتهایی دست یافتند. همین امر از جمله، نقشهای جنسیتی سنتی زنان را تغییر داد.

رشد و نمو رفتارهای جنسی مرحله رشد: بزرگسالی واکنش جنسی



ازدواج و دفعات مقاربت جنسی

زنان و مردان جوان متأهل دفعات مقاربت جنسی بیشتری نسبت به همسران و سالان غیر متأهل خود دارند. ولی، با گذر زمان، دفعات فعالیت هر دو گروه زنان مسن (متأهل و مجرد) کاهش یافته و همسطح می شود. برای مردان هم، همراه با گذر زمان، سطح فعالیت هر دو گروه (متأهل و مجرد) کاهش یافته و در سطح پائینتری، یکسان می شود.

در رابطه با مردان جوان، ازدواج، تعداد دفعات آمیزش جنسی آنها را تغییر می دهد: مردان زیر بیست سال متأهل به طور متوسط هفته ای پنج بار ارگاسم دارند. درحالیکه غیر متأهلان (زیر بیست سال)، فقط کمی بیش از 3 بار در هفته ارگاسم دارند. اما بعد از آن، منحنی دفعات در هر دو گروه سریعاً سیر نزولی پیدا می کند. در پنجاه سالگی، دفعات ارگاسم هفتگی برای همه مردان، کمتر از دو بار، برای افراد شصت ساله، هفته ای کمی بیش از یک بار، و برای افراد هفتاد ساله، هفته ای کمتر از یکبار. البته اینها یافته های **آلفرد س. کینزی** در اواسط قرن بیستم بود، و بنابراین ارقام دقیق ممکن است به دلایل زیادی متفاوت باشند. با این همه به راحتی نمی توان به خطوط کلی ای که این ارقام به تصویر می کشند، شک نمود. درحقیقت، تحقیقات بعدی هم آن را تأیید کرده اند. در رابطه با زنان، کینزی و همکاران او، بالعکس، به یک خط بیشتر مستقیم دست یافتند که نمایی با دفعات فعالیت جنسی خیلی کمتری در طول عمر را ترسیم می کرد. نه شیب صعودی اولیه در آن بود و نه سیر نزولی آنچنان قابل توجهی. البته، مثل مورد مردان جوان، ازدواج به تغییراتی در دفعات مقاربت جنسی زنان جوان هم منجر می شود. به محض ازدواج، آنها هفته ای 2 تا 3 ارگاسم دارند. و درحقیقت، درفاصله سی تا پنجاه سالگی، آنها کماکان هفته ای حدود 2 ارگاسم دارند. از طرف دیگر، زنان غیر متأهل، در طول زندگی خود، هفته ای یکبار ارگاسم، و یا کمتر از آن، ثبت کرده اند. همین رقم در مورد زنان متأهل بالای پنجاه سال هم صدق می کند. البته، باید تأکید شود که این ارقام، حد متوسط هستند، و تفاوت های عظیمی در بین افراد دیده می شود. علاوه بر آن، این ارقام فقط ارگاسم را نمایندگی می کنند، اما درباره منبع ارگاسم اطلاعاتی ارائه نمی دهند، و مهمتر از آن، همه واکنشهای جنسی پیش از ارگاسم را مسکوت می گذارند. ولی با این همه، درست همین تقلیل ظاهراً بی فکرانه به ارقام «قابل شمارش» است که چگونگی رشد و نمو واکنش جنسی زنان و مردان در خلال سالها را، به شکل خیلی مناسبی به تصویر می کشد. به همین دلیل، یافته های کینزی همچنان با اعتبار باقی مانده اند. (1)

(1) منبع:

: Alfred C. Kinsey et al., "Sexual Behavior in the Human Male", 1948, p. 267 and "Sexual Behavior in the Human Female" 1953, p. 549.

رشد و نمو رفتارهای جنسی مرحله رشد: بزرگسالی رفتار اروتیکی



رفتار اروتیکی بزرگسالان، دقیقاً مانند رفتارهای مربوط به نقشهای جنسیتی، از یک نسخه (پیش نویس)، یا معجونی از چندین نسخه مختلف، تبعیت می کند. این مسئله در مورد موضوع ظاهراً ساده جماع زوجهای متأهل و غیر متأهل، هم صدق می کند. آن نسخه (پیش نویس) ذهنی، و تعاملی مابین دو نفر که در اینجا عمل می کند، از نسخه های فرهنگ عمومی در تبیین معنا و اهمیت مقاربت جنسی، هدف آن، تعداد ایده آل دفعات و مدت «نرمال» آن، رنگ و تأثیر می گیرد. نسخه های مورد نظر، این را هم اعلام می کنند که مقاربت جنسی، کجا و در چه مواقعی باید انجام گیرد، و کجا و در چه مواقعی نباید انجام بگیرد، چه کسی باید شروع کننده باشد و غیره. و آخر اینکه، نسخه های فرهنگی تعیین می کنند که به غیر از دخول، کدامیک از انواع و اشکال فعالیت جنسی، و تحت چه شرایطی ممنوع یا مجاز می باشند.

همه اینها بدان معنا است که تغییرات در محیط اجتماعی - فرهنگی، به احتمال زیاد، به تغییراتی در رفتار اروتیکی افراد منجر می شوند. برای مثال، در نیم قرن اخیر در ایالات متحده، مقاربت (سکس) دهانی در بین جفتهای متأهل و غیر متأهل شایع تر شده است. این بدون شک، از هر چه لیبرالیزه تر شدن جو اجتماعی در همه کشورهای غربی، ناشی شده است. این جو اجتماعی ابتدا به افزایش مقاربت مقعدی در بین همجنسگرایان مرد منجر گردید، اما بعد از آمدن ایدز، به شدت کاهش یافت. خلاصه اینکه، مرادده های جنسی افراد با هم، همچون دیگر رفتارهای اجتماعی، بازتابی از تغییرات بزرگتر در جامعه می باشند. با این حال، همیشه افرادی هستند که به رفتارهای قدیمی می چسبند. یک مثال خوب در این مورد، خشونت است که توسط مردان علیه زنانی که در پی به دست آوردن استقلال بیشتری هستند، اعمال می شود. بسیاری از این خشونتها، نسخه های فرهنگی اند و یادگاری از دوران پدرسالاری که در آن حاکمیت مرد امر تضمین شده ای بود. بعضی مردان کماکان از این نسخه های کهنه و منسوخ پیروی کرده و در ادامه کار آن را به روابط اروتیکی خود هم تعمیم می دهند. همین امر باعث ناسازگاری و اختلال جنسی گشته، و در نهایت به جدایی منجر می شود. از جنبه مثبت قضیه، امروزه بسیاری از جفتها، بخصوص در سنین بالاتر، به توافق و هماهنگی بیشتری با هم دست می یابند. چرا که آنها در این سن، در کنار نهادن کلیشه های سنتی، خود را آزاد احساس می کنند. آنها با پشت پا زدن به نقشهای جنسیتی و رفتارهای اروتیکی سنتی، قدرت ابداع و خلاقه خود را به کار می گیرند و در روابطشان، به نیازهای فردی خود بها می دهند، و در نتیجه احساس رضایت و خرسندی بیشتری هم می کنند. همه اینها به کنار، این را باید به خاطر داشت که بزرگسالی دوره ای است که تأثیرات نسخه های جنسی دوران کودکی، نوجوانی و جوانی، در آن هر چه برجسته تر می شوند. ترجیحات و علائق اروتیکی فرد خود را کاملاً عیان ساخته و وجود تفاوتی قابل توجهی از فردی به فردی دیگر را برملا می سازد. در نتیجه، بزرگسالانی را می توان یافت که به یک، چند، بسیاری، و یا همه انواع رفتارهای جنسی، مبادرت می ورزند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی مرحله رشد: بزرگسالی رفتار تولید مثل 1



در سطح فردی، بزرگسالی معمولاً زمانی است که زنان و مردان تصمیم به بچه دار شدن می گیرند. در جوامع مدرن، بچه دار شدن در نوجوانی چندان مرسوم نیست و اگر اتفاق بیافتد بیشتر نتیجه یک بارداری ناخواسته می باشد. در مقابل، اغلب بزرگسالان آگاهانه تصمیم می گیرند که بچه دار شوند. آنها همینطور تصمیم می گیرند که چه موقع، با کدام فاصله زمانی و چند فرزند داشته باشند. آنها با به کار گیری روشهای پیشگیری از بارداری، موضوع رفتارهای تولید مثل و رفتارهای اروتیکی خود را با هم قاطی نمی کنند، بلکه این دو را از هم سوا می دانند. در واقع، این دیدگاه توسط بسیاری از حکومتها که نگران رشد بی رویه جمعیت هستند، تبلیغ هم می شود. یک نمونه خوب، چین می باشد، جایی که سیاست رسمی «هر جفت یک فرزند» این را برای هر شهروندی روشن می کند که سکس و تولید مثل دو مسئله جدا از هم می باشند.

از طرف دیگر، برخی سنتهای مذهبی همچنان روی ارتباط این دو به هم تأکید می کنند. برای مثال، کلیسای کاتولیک می خواهد که مقاربت جنسی همیشه «راه را برای امکان یک حیات تازه» باز نگه دارد. بر اساس این دکترین، اکثر انواع پیشگیریها «مصنوعی» و غیر اخلاقی اند. امروزه در اغلب کشورها، تصمیم گیری در مورد استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری به وجدان خود فرد واگذار شده است. همین مسئله در مورد برخورد با مسئله عقیمی هم صدق می کند. بعضیها این را خواسته خداوند می دانند و خود را به زندگی بدون فرزند عادت می دهند، عده ای تصمیم به فرزند خواندگی می گیرند، و باز عده ای دیگر، از بسیاری از امکانات مدرن روشهای غلبه بر عقیمی، استفاده می کنند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

مرحله رشد: بزرگسالی

رفتار تولید مثلی 2

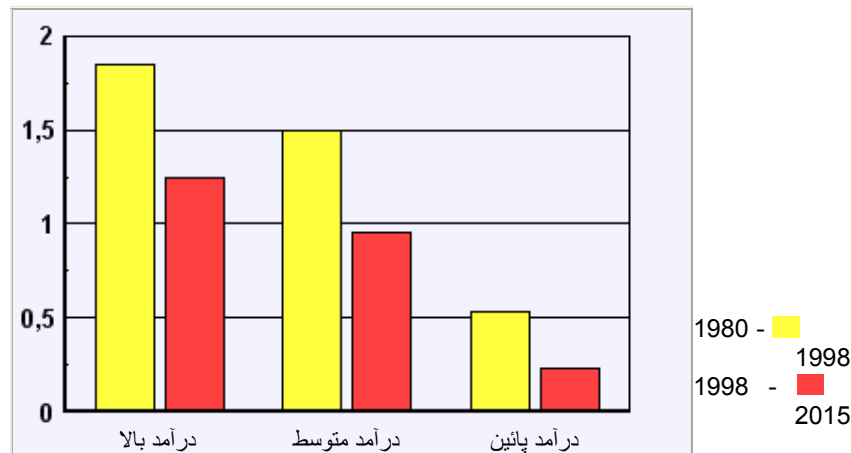
در سطح جهانی، رفتارهای تولید مثلی بشر، به طور فزاینده ای اسباب نگرانی می شوند. جمعیت شناسان، از دو قرن پیش، از زمان توماس مالتوس (Thomas Malthus)، نگران «ازدیاد بی رویه سکته زمین» بوده و افزایش تولید مثل را مشکلی که به راه حلی نیاز دارد، دانسته اند. هرچند که پیش بینی وخیم مالتوس عملی نشده، اما بسیاری از ترس و نگرانیهای او هنوز به قوت خود باقی اند. بحث مفصل در این باره خارج از حیطه این دوره آموزشی است، ولی حداقل یک مسئله آن باید در اینجا مطرح شود:

مسلم به نظر می رسد که در آینده، کشورهای دارای کمترین امکانات، بالاترین نرخ زاد و ولد را خواهند داشت. به عبارت دیگر، در سطح جهانی، زوجهای فقیر تعداد فرزندان بیشتری نسبت به زوجهای غنی خواهند داشت. اگر موضوع را به شکل دیگری مطرح کنیم، این طور عنوان می شود: کشورهای با سطح درآمد بالا، جایی که کودکان از شانس بهتری برای رشد تواناییهای بالقوه خود برخوردارند، نسبت به کشورهای دارای سطح درآمد پائین، جایی که امکان تحصیلات و کار خوب نایاب است و احتمالاً نایابتر هم می شود، سطح زاد و ولد پائین تری داشته و خواهند داشت.

یافتن علت این امر چندان مشکل نیست: زنان در کشورهای رشد یافته، از برابری جنسیتی بیشتری برخوردارند، به راحتی به وسایل پیشگیری از بارداری دسترسی دارند، و در نتیجه در زمان تمرکز بر پیشرفتهای شغلی، می توانند از بارداری جلوگیری کنند. برعکس، زنان در کشورهای در حال رشد اغلب تحصیلاتی ندارند، به نقش زن خانگی و مادر بودن محدود شده اند، و به سختی به وسایل پیشگیری از بارداری دسترسی دارند.

به غیر از مشکلات آشکار اقتصادی و زیست محیطی منتج از این نابرابری رشد جمعیتی، این پرسش مطرح است که کشورها برای کنترل جمعیت خود تا کجا می توانند، و باید، پیش بروند. سؤال مشکلتری هم هست که چه بسا در آینده مطرح شود: کشورهای غنی تا چه اندازه می توانند و باید رشد جمعیتی کشورهای فقیر را کنترل کنند؟

سطح متوسط رشد جمعیت 1980 - 2015



تصویر فوق، رشد فعلی جمعیت در سه گروه از کشورها را نشان می دهد: کشورهای دارای درآمد پائین، درآمد متوسط، و درآمد بالا. رشد جمعیت در هر سه گروه رو به کاهش است، اما، انتظار می رود که ارقام قطعی، در آینده قابل پیش بینی افزایش یابند. در مقایسه با کشورهای با درآمد بالا، رشد جمعیت در کشورهای با درآمد پائین و متوسط سیر صعودی دارد. منبع: بانک جهانی

رشد و نمو رفتارهای جنسی

مرحله رشد

سن کهولت



این اواخر، رفتارهای جنسی دوران کهولت، به مد تبدیل شده است. نه تنها انتشارات علمی، بلکه کتابها و مجلات عام هم توجه خود را روی این موضوع، که زمانی رسماً فراموش شده بود، متمرکز کرده اند. یکی از دلایل فراموشی و بی توجهی، این باور تأسف انگیز حول «چرخه زندگی» فرد، در گذشته بود که پیری را به عنوان بازگشتی به دوران کودکی می دانست؛ یعنی «کودکی دوم». چنین باوری وجود داشت که، هر دو گروه خیلی جوان و خیلی مسن، هیچ علاقه ای به مسائل جنسی ندارند. درحقیقت، در «خانه های سالمندان» و مراکز مراقبت از افراد مسن، فرصت ادامه روابط جنسی ای که قبل از ورود به این مراکز شکل گرفته بودند را از زنان و مردان سلب می کردند، و حق شروع رابطه جنسی جدیدی هم به کسی داده نمی شد. این موضع ادامه داشت تا اینکه در دهه 1970 میلادی رو به تغییر نهاد. رسانه های ارتباط جمعی غرب ناگهان متوجه شدند که افراد پا به سن به عنوان بخش رو به رشد جمعیت، و در نتیجه، هدفی برای تبلیغات و دیگر استراتژیهای بازاریابی می باشند. ناگهان همه متوجه شدند که افراد نسبت به گذشته، بیشتر عمر می کنند، سالم تر می مانند، و پول بیشتری برای خرج کردن دارند. به عبارت دیگر، افراد مسن حالا، مشتریان بالقوه ریفهایی از محصولات بودند؛ از تورهای مسافرتی به خارج و تورهای دریایی تا هتلها، خانه های موتوری، وسایل ورزشی، کرمهای زیبایی، قرصهای ویتامین دار، مد و سرگرمیها. در نتیجه، افراد کهول ناگهان خود را خواستنی، عزیز، و در جایگاه «طبقه خوشگذران»، لذت جو با شهوتی سیری ناپذیر، یافتند. ولی، این تصویر به اندازه همان تصویر قبلی، اشتباه است. پروسه بیولوژیکی کهولت به طور اجتناب ناپذیری به از دست دادن انرژی فیزیکی منجر می شود، و این، انرژی اروتیکی را هم دربر می گیرد. توان و کارایی فعالیت جنسی کاهش می یابد، و بدن، کهولت خود را عیان می سازد: موی سر سفید می شود و یا می ریزد، ماهیچه ها شل می شوند، و پوست چین و چروک می اندازد، احساس شنوایی و بینایی ضعیف می شوند، و همه واکنشها و حرکات فیزیکی آهسته تر می گردند.

خوشبختانه، هیچکدام از اینها به معنای پایان روابط جنسی رضایت بخش نیست. زنان و مردان مسن در صورت آموختن راههای بی اعتنایی به کلیشه های سنتی دست و پا گیر مرسوم درباره «سکس»، می توانند در پیری هم بدون انکار ضعف فیزیکی خود، به ارضاء اروتیکی برسند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

مرحله رشد: کهولت

نقش جنسیتی (جندری)



اغلب مشاهده شده که همراه با گذر زمان، جفتهای مسن شبیه هم می شوند. منظور نه شباهت فیزیکی، بلکه رفتار و منش کلی، و چگونگی کنش و واکنش آنها با هم و با محیط پیرامون می باشد. در ظاهر، تفاوت جنسیتی (جندری) آنها ممکن است مثل سابق واضح و آشکار باشد، اما انطباق پیوسته تعمیق یافته متقابل آنها به همدیگر در طول زمان، تعادل خاصی بین آنها به وجود آورده، و خصائل مردانگی - زنانگی که قبلاً خیلی برجسته بودند را، رقیق و کمرنگ کرده است. مسلماً، این مسئله به هیچ وجه در مورد همه جفتهای صدق نمی کند، و به سختی شامل حال آنهایی می شود که تنها زندگی می کنند. با این همه، بررسیها، بار دیگر حقیقت بیان شده در فوق را تأیید می کنند: حتی نقشهای جنسیتی، که از همان ابتدا تثبیت شده، و اساس همه رفتارهای اجتماعی بعدی است، اغلب می توانند در دوران بزرگسالی دچار جرح و تعدیاتی شوند. این پروسه تغییر چه بسا تا دوران کهولت هم ادامه یابد. بسیاری از والدین، بعد از آنکه فرزندانشان بزرگ شده و از آنها مستقل شدند، تعدیاتی در تقسیم کار قبلی مابین خود، به وجود می آورند. فاکتور دخیل دیگر، ممکن است عامل بازنشستگی از کار باشد. آزادی و وقت اضافی ای که از این طریق به وجود می آید ممکن است باعث

شود که زن به دنبال چالشهای جدیدی برود؛ مثلاً انجام کارهای داوطلبانه و یا ثبت نام در یک مدرسه یا دانشگاه. در مقابل مرد ممکن است ترجیح دهد که در خانه بماند، آشپزی و تمیزی خانه را انجام دهد، و علائق فردی خود را دنبال نماید. یا اینکه زن و شوهر، به صورت برابر، پروژه یا برنامه کاملاً جدیدی را مشترکاً با هم شروع کنند. اینها همه بدان معناست که نقشها و رلهای جنسیتی، در دوران کهولت هم می توانند به طرق مختلفی عوض شوند و بر رابطه زن و مرد تأثیر گذارند. درواقع، توان ترک الگوهای رفتاری قبلی و بازنویسی نسخه های سنتی برای خود، ممکن است در امر گذار موفق از بزرگسالی به کهولت، حداقل در عرصه جنسی انسان، بسیار مهم و اساسی باشد. برای مثال: یکی از بزرگترین موانع ادامه رضایت و خشنودی، شاید این الزام باشد که مرد همیشه باید ابتکار عمل را به دست گیرد، و این که اگر مردی در هنگام عشق ورزی «مفعول و پاسیو» باشد، حتماً اشکالی دارد. از طرف دیگر، زنان پا به سن ممکن است ترس این را داشته باشند که در صورت به دست گرفتن ابتکار عمل و شروع عشقبازی، ممکن است لطافت و زنانگی خود را از دست بدهند. یک جفت مسن، بدون این موانع دست و پا گیر، به احتمال قوی، احساس خرسندی بیشتری خواهند کرد.

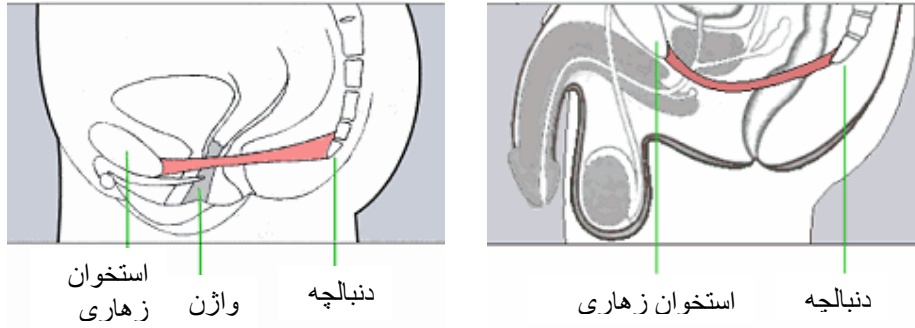
رشد و نمو رفتارهای جنسی

مرحله رشد: کهولت

واکنش جنسی 1

همانطور که بارها تکرار شده، همراه با افزایش سن، پاسخدهی جنسی انسان هم تضعیف می گردد. این تضعیف، بخصوص در مورد مردان، که معمولاً توان، انگیزه و عملکرد جنسیشان، بعد از پنجاه سالگی به طور قابل ملاحظه ای کاهش می یابد، صدق می کند. این افول در زنان، که عملکرد و کارایی جنسیشان کلاً هیچوقت به سطح مردان نمی رسد، کمتر مشهود است. با این وجود، هر دو جنس می توانند کماکان مقاربتهای جنسی رضایتمندی داشته باشند، اما، به شرطی که انتظارات غیر واقعی و پیشداوریهای منسوخ در رابطه با شروع «درخور»، میانه، و انتهای عمل آمیزش جنسی، نداشته باشند.

یانسگی به معنای پایان فعالیت جنسی یک زن نیست. برعکس، بسیاری از زنان، فعالیت جنسی خود را افزایش می دهند، چون آنها دیگر نگران بارداری و وسائل پیشگیری از آن نیستند. از جهت فیزیولوژیکی، دیواره واژن در زنان مسن، نازکتر می شود و در نتیجه، ترشح مایع واژنی آنها هم کاهش می یابد. این مسئله را می توان با مالیدن موضعی پمادهای هورمونی درمان نمود. (خوردن یا تزریق داروهای هورمونی برای زنان و مردانی که مشکل سلامتی ندارند، همیشه تجویز نمی شود. چون ممکن است در مواردی مفید، و در مواردی مضر باشند.) در بعضی از زنان، عضلات اطراف مهبل هم سست شده و باعث شل شدن آن می شوند. این نوع «شل» شدگی واژن را می توان از طریق تمرین ماهیچه های پی سی، برطرف نمود. (از جمله از طریق تمرینات کیگل. این فایل در کتابخانه مجازی جنسیت و جامعه موجود است، م.) درواقع، مردان هم می توانند با انجام این تمرینات، پاسخدهی جنسی خود را بهبود بخشند. به هر حال، مردان مسن به مدت زمان بیشتری برای شق شدن آلت خود نیاز دارند، و احتمالاً به شقی سابق هم نمی رسد. از سوی دیگر، نیاز به رسیدن به ارگاسم و انزال هم معمولاً به شدت و حدت سابق نیست، و به این ترتیب، مرد قادر می شود مقاربت جنسی را برای مدت زمان طولانی تری نسبت به دوران جوانی خود ادامه دهد. در هر صورت، تا زمانی که یک جفت، واقعاً با هم صمیمی مانده و کانال رابطه و گفتگو را بین خود باز نگه دارند، آنوقت ضعف پاسخدهی جنسی آنها به رابطه شهوانیشان با هم لطمه نمی زند، بلکه بالعکس آن را محکم تر هم می کند.



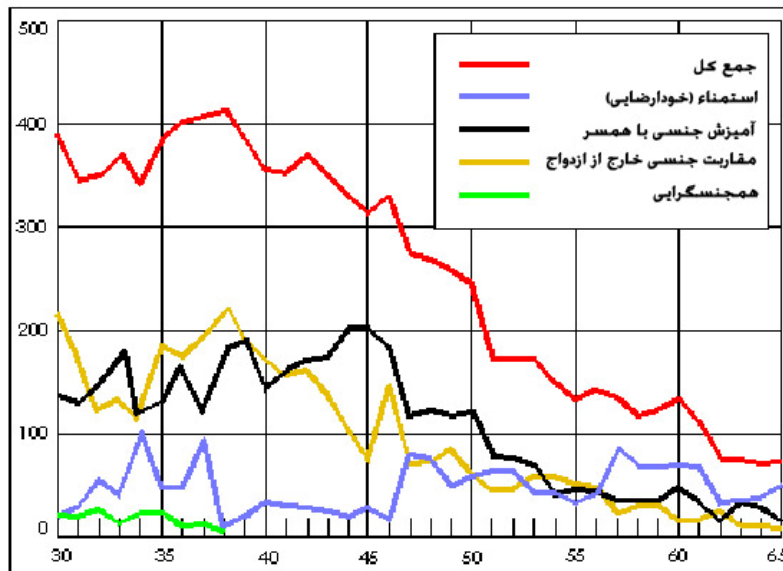
ماهچه های پی سی (به رنگ سرخ در تصویر فوق) از استخوان واقع در قسمت استخوان زهاری (pubic bone) تا استخوان دنبالچه (coccyx) امتداد می یابند.
 (چپ) در زنان این ماهیچه ها به واژن محاط شده و آن را دربر گرفته اند.
 (راست) تصویر ماهیچه های پی سی در مردان.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

مرحله رشد: کهولت

واکنش جنسی 2

نمودار زیر، کاهش عملکرد جنسی همراه با بالا رفتن سن یک مرد (دکتر وای) را نشان می دهد. سند موجود، تعداد دفعات انواع فعالیت‌های جنسی سالانه او را به تصویر می کشد. این امر به ویژه از این جهت قابل توجه است که این نوع زندگی و حیات جنسی، از بسیاری جهات، غیر معمولی است. با این وجود، همراه با افزایش سن او، عملکرد جنسی اش هر چه بیشتر، به عملکرد جنسی مردان هم سن و سالش شباهت می یابد.



نمای فعالیت جنسی دکتر «وای» از 30 تا 65 سالگی

آلفرد س. کینزی، دکتر «وای» را در سن 30 سالگی که تازه ازدواج کرده بود، تشویق نمود که از انواع فعالیت‌های جنسی خود یادداشت برداری کند. پیشنهادی که او تا 65 سالگی با دقت و وسواس عجیبی دنبال نمود. در خلال این مدت او هیچوقت به طور جدی بیمار نشده، او چندین فرزند داشت و در هشتاد سالگی که درگذشت همچنان با زن اول خود زندگی می کرد. او هیچوقت با زن دیگری ازدواج نکرد. دکتر «وای» زندگی جنسی بسیار غنی ای داشته اما کاهش تعداد دفعات عمل جنسی او بعد از پنجاه سالگی کاملاً مشهود است.

کپی رایت: Erwin J. Haeberle

رشد و نمو رفتارهای جنسی

مرحله رشد: کهولت

رفتار اروتیکی 1



دوران پیری، به راحتی می تواند زمان تحقق رویاها و آرزوهای جنسی باشد. اما، این به شرطی امکانپذیر است که زنان و مردان با ضعف فیزیکی خود کنار آمده، آن را بپذیرند و با نزدیکی عمیق تر عاطفی، ضعف فیزیکی خود را جبران کنند. در این روند، آنها باید نگرش و شیوه برخورد جدیدی در قبال خود و همسر خویش، درپیش گیرند و برخی از الگوهای رفتاری سابق خود را تعدیل کنند. برای مثال، ممکن است یکی از مشکلات غیر ضروری برای جفتهای مسن، تأکید بر اندامهای جنسی و ارگاسم باشد. متأسفانه در دنیای مدرن ما، این بند کردن، بخشی از پیش نویسها و نسخه های فرهنگی ارائه شده می باشد و وسائل ارتباط جمعی بی وقفه آن را، به همراه تأکید بر جوانی، زیبایی و انرژی تکرار می کنند. اما اگر این نسخه ها بدون هیچگونه نقدی پذیرفته و در فرد درونی شوند، نتیجه به **اعوجاج روابط جنسی** منجر می شود. این امر شاید برای زوجهایی که هنوز پا به سن نگذاشته اند چندان مشهود نباشد. با این حال، چنانچه جفتها توانمند باقی بمانند، این اعوجاج، هرچند که به صورت مبهمی احساس می شود، اما می توان به نوعی آن را تحمل کرد. ولی، با افزایش سن و زوال قدرت، زنان و مردان در صورت تمایل به ادامه ارتباط جنسی، خواه ناخواه باید تعادل از دست رفته بین خود را دوباره به دست آورند. برای جفتهای مسن، کشف تمام بدن به عنوان منطقه محرک جنسی، بهره گیری از همه انواع ارتباطات جنسی، و تمرکز بیشتر بر خود پروسه و عمل، تا نتیجه نهایی، یعنی ارگاسم احتمالی، بازده خیلی بیشتری برایشان به همراه دارد. درحقیقت، کهولت، دورانی است که در آن، جفتها تفاوت بین «سکس» و اروتیسیسم (شهوت انگیزی) را کشف می کنند، و رفتارهای اروتیکیشان، حتی در شرایط ضعف پاسخدهی جنسی آنها، برایشان رضایت بخش تر می شوند. در این مفهوم، ظرفیت احساس شادی و رضایت خاطر، تا هر زمان که زنده بمانند، در آنها همچنان بیشتر می شود. این موضوع در مورد هر دو جفتهای غیر همجنس و همجنس، صدق می کند. تا زمانی که رابطه ها سالم و بدون خدشه باقی بمانند، هر دو، تغییرات مشابهی را از سر می گذرانند، و امکان مساوی برای رشد فردی فراهم می کنند، فارغ از این که رابطه بین دو غیر همجنس باشد یا دو همجنس.

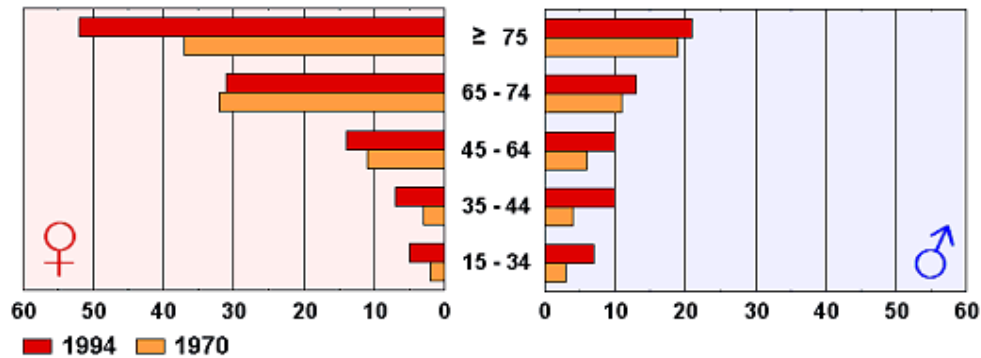
رشد و نمو رفتارهای جنسی

مرحله رشد: کهولت

رفتار اروتیکی 1

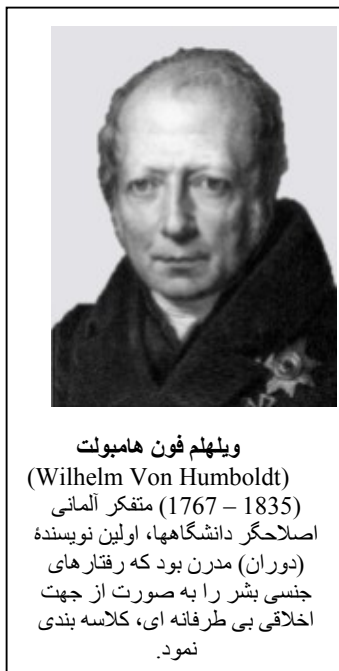
زنان و مردان مسنی که تنها زندگی می کنند، با چالش تماس گیری و یافتن ارتباط فیزیکی و عاطفی مواجهند. متأسفانه، فرهنگ مدرن ما، برای ارضاء نیازمندیهای جنسی در دوران کهولت، نسخه ای جز ازدواج ارائه نمی دهد. افراد مسنی که مجرد یا بیوه هستند، برای روابط اروتیکی خود، نسخه و مدلی که قابل تأیید اجتماع باشد، نمی یابند، و در نتیجه ناچارند خود برای آن راه حلی بیابند. برای مثال، بعضی از جفتهای مسن جداگانه زندگی می کنند، ولی مرتب به هم سر می زنند یا با هم به تعطیلات می روند. عده ای دیگر، در خانه مشترکی با هم زندگی می کنند ولی بدون آنکه ازدواج کرده باشند، چون نمی خواهند از حقوق بازنشستگیشان کسر شود. ضمناً، عده ای از زنان و مردان دیگر هم که در شرایط مشابهی هستند، به صورت گروهی با هم زندگی می کنند. این اواخر «خانه های سالمندان» و دیگر محلهای نگهداری افراد سالمند، شروع به تحمل و حتی تشویق روابط جنسی در بین ساکنان خود نموده اند. ولی اینها و موارد مشابه، کلاً در «منطقه خاکستری» جای دارند و از مقبولیت عام برخوردار نیستند. تعداد بسیار زیادی از سالمندان بدون هیچگونه تماس فیزیکی و عاطفی در آخر عمرشان رها شده اند. مسئولیت یافتن نسخه ای فرهنگی که نیازهای اروتیکی سالمندان را پاسخ دهد، همچنان بر دوش جامعه باقی است. در جهان پیشرفته، تعداد «مجردانی» که هرگز ازدواج نکرده اند، و همینطور تعداد زنان و مردانی که قبلاً متأهل بوده اند و حالا تنها زندگی می کنند، رو به افزایش است. در عین حال، امروزه مردم عموماً بیشتر عمر می کنند، و بنابراین، احتمال اینکه موضوع سالمندان مجرد در آینده حادثر شود، بیشتر است. تصویر زیر، اوضاع را در آمریکا در فاصله 1994 - 1970 نشان می دهد، اما مسیر کلی همچنان رو به بالاست و در بسیاری از کشورهای دیگر هم دیده می شود.

درصد بزرگسالان، بر حسب سن و جنس، که تنها زندگی می کنند. (سمت چپ: زنان، سمت راست: مردان) 1970 و 1994



منبع: اداره آمار ایالات متحده.

انواع اولیه رفتارهای جنسی



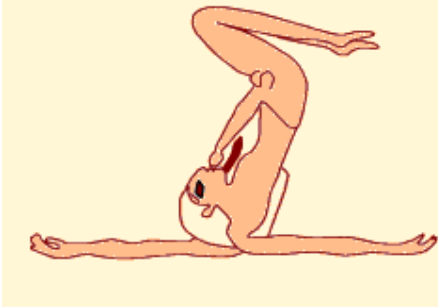
ویلهلم فون هامبولت (Wilhelm Von Humboldt) در 27-1826 خطوط کلی پژوهشهای جنسیت شناسی وسیعی تحت عنوان «تاریخ وابستگی در نژاد انسانی»، را ترسیم نمود. برنامه او بر این بود که در تاریخ «غریزه زایش» و تن فروشی تحقیق و تفحص کند. برنامه کار او هرگز به اتمام نرسید، اما هامبولت، برای اولین بار، رفتارهای جنسی بشر را به صورتی از جهت اخلاقی بی طرفانه، بر اساس احتمال چهارگانه آن، کلاسه بندی نمود.

1. (با) خود
2. (با) دگرجنس
3. (با) همجنس
4. (با) حیوان

این کلاسه بندی تا همین امروز هم برای ورود به موضوعی به این پیچیدگی، مفید می باشد؛ بنابراین ما هم در بخشهای بعدی این دوره آموزشی آن را به کار خواهیم برد. ولی، با توجه به ترمینولوژی علمی امروزی، ما به صورت دوم شخص و سوم شخص «دگرجنسگرا» (هتروسکسوال)، و «همجنسگرا» (هموسکسوال)، صحبت خواهیم کرد. (هترو و همو دو حرف اضافه یونانی اند و معنای «متفاوت» و «همسخت» را می دهند.)

شیوه های اولیه رفتارهای جنسی

1. خودتحریکی جنسی



اطوم (Atum) خالق زندگی

(نقاشی قدیمی مصری)

طبق یکی از افسانه های کهن مصری خدای خالق، اطوم، که در جهان تنها بود، به تحریک و مالش اندام جنسی خود پرداخت و اسپرم خود را بلعید. بعد با به بیرون تف کردن آن، اولین زن و اولین مرد را خلق کرد. بر طبق یکی از اسطوره های کهن سامری هم، خداوند بزرگ به نام انکی، خودارضایی کرده و از انزال او رودهای حیات بخش دجله و فرات زاده شدند.

شیوه های اولیه رفتارهای جنسی

1. خودتحریکی جنسی: تاریخچه

عهد عتیق



کلادیوس گالینوس (گالن) (201 – 129 بعد از میلاد)

بزرگترین پزشک دوران روم قدیم، خودارضایی را به عنوان یکی از ضروریات حفظ سلامتی، پیشنهاد نمود.

در عهد عتیق، تصور بر این بود که ارگاسم غیر ارادی زمانی دست می دهد که یک فرشته، یک روح یا شیطان، فرد را در خواب زیارت کند و بسته به شرایط، این می توانست اتفاقی خوب یا بد باشد. یونانیان قدیم و اطباء رومی بر این عقیده بودند که اسپرم محبوس در بدن، به سم تبدیل می شود و به این خاطر باید با فواصل منظم به بیرون دفع شود. و چنانچه شریک جنسی در دسترس نبود، آنوقت استمناء، آلترناتیو و راه حل خوبی بود. هر دو حالت، سلامتی فرد را تضمین می کردند. از سوی دیگر، یهودیان قدیمی، اعتقاد داشتند که منی همیشه باید برای هدف تولید مثل، محفوظ نگه داشته شود، و هرگز نباید تلف و ریخت و پاش شود. به این خاطر ارگاسمهای غیر ارادی (در خواب) مایه تأسف بودند، و خودارضایی یک جرم جدی محسوب می شد.

شیوه های اولیه رفتارهای جنسی

1. خودتحریکی جنسی: تاریخچه قرون وسطی

نگرانی از احتمال «ریخت و پاش» منی باعث نفی کلی خودارضایی مردان در مسیحیت گردید. علی رغم این حقیقت که در انجیل، از خودارضایی هیچوقت اسمی برده نشده است، اما مسیحیان بر خوردهای سنتی منفی یهودیان پیش از خود را در پیش گرفتند. با این همه، در اروپای سده های میانه، خودارضایی به عنوان یک مشکل تلقی نمی شد. درحالیکه خودارضایی در دارالتأدیبهای مختلف محکوم می شد، اما (در نوشته های مذهبی علمای آن دوره، به ندرت، یا فقط به طور غیر مستقیم به آن اشاره شده است. حتی در کتابهای پرسش و پاسخ اصول دین که در قرن شانزدهم طرفدار زیادی داشتند، در این باره چیزی آورده نشده است. این «از قلم افتادگی» در اولین نگاه ممکن است عجیب به نظر برسد، اما اگر به یاد بیاوریم که جنسیت در سده های میانه مفهوم نسبتاً محدودی داشت، آنوقت موضوع، عجیب به نظر نخواهد رسید. درحقیقت خود این موضوع ناشناخته بود. در عوض، مردم تنها یک رفتار را به عنوان عمل صرفاً جنسی به شمار می آوردند: آمیزش جنسی دخولی بین بزرگسالان. بنابراین به نظر می رسد که حداقل زنان و کودکان در رابطه با خودارضایی، چندان احساس گناه نمی کردند، بلکه به سادگی به آن به عنوان راهی جهت تسکین ناراحتی فیزیکی، همچون خارش، می نگریستند.

شیوه های اولیه رفتارهای جنسی

1. خودارضایی جنسی: تاریخچه اوائل عصر مدرن

در قرون 16 و 17، موضوع فعالیت جنسی و خودارضایی کودکان، برای اروپا کماکان تا حدود زیادی مسئله ای نبود. برای مثال، پادشاه فرانسه، هنری چهارم، درحالیکه تختی را که پسر کوچکش در آن نطفه بسته بود، به او نشان می داد، پیش چشمان کودک، آلت خود را در آورده، با دست کشیده و به او گفت: «ببین، این همانی است که تو را آنطور که هستی، درست کرد.» درحقیقت، طبق گزارشات پزشک دربار، ولیعهد جوان، که بعداً با نام لوئیس سیزدهم تاجگذاری کرد و پادشاه شد، به طور مرتب از پرستاران و دیگر زنان قصر درخواست می کرد که آلتش را برای او نوازش کنند و بمالند. او به محض اینکه توانست راه برود، به این عادت کرد که آلتش را به بزرگترها نشان داده و آنها با آلتش بازی کرده و آن را می بوسیدند. در خصوص استمناء، خانواده پادشاهی، پیرو آموزه های جالینوس بود: هنگامی که شاهزاده به سن بلوغ رسید، روزی از روزها به محض آنکه «رئیس تشریفات» او را دید که با آلت شق شده از حمام به در آمد. خدمتکار هوشیار بلافاصله به وضعیت اضطراری پی برد و با دست خود برای نوجوان جلق زد. و گفت «این درمانی است که دیده ام در انگلستان آن را به کار می برند.»

	
هنری چهارم (1553 – 1610)	لوئیس سیزدهم (1601 – 1643)
پادشاهان فرانسه، هنری چهارم و لوئیس سیزدهم، از جهت جنسی آزاد و بی قید بودند، ولی با این وجود، پزشکان دربارشان، کماکان آموزه های «کلاسیک» پزشکی را به کار می بردند. در نتیجه، آنها خودارضایی را امری طبیعی و سالم می پنداشتند.	

شیوه های اولیه رفتارهای جنسی

1. خودارضایی جنسی: تاریخچه

اوائل قرن هیجدهم

در سال 1710 میلادی، جزوه ای، بدون اسم نویسنده، با این نام در انگلستان ظاهر شد: «اونانیا، یا گناه شنیع خودآلودگی و تمام عواقب وحشتناک آن در هر دو جنس. همراه با راهنماییهای عملی و معنوی برای آنانی که با این کار ناپسند به خود آسیب رسانده اند.» (1) امروزه باور بر این است که نویسنده یک روحانی جعلی سابق بوده که حرفهای کهنه و قدیمی در باب خطرات «ریخت و پاش» منی را، تزئین کرده و به خورد خوانندگان خود داده است. او این عمل را «اونانیا» (Onania) نامید که از نام «اونان»، شخصیتی در انجیل که به علت سرپیچی از دستور خداوند مبنی بر آبستن کردن بیوه برادر خود مجازات گردید، گرفته شده است. طبق سنت آن زمان، او بعد از فوت برادر، با بیوه (برادر) مقاربت جنسی داشت اما با استفاده از روش بیرون کشیدن پیش از انزال، هرگونه احتمال آبستن شدن زن برادر را منتفی نمود. (سفر پیدایش: 10-8:38). متأسفانه، ایده های مضحک و بی معنی، و اصطلاح غلط انداز نویسنده خیلی زود با استقبال عمومی مواجه شد. جزوه نامبرده بلافاصله به چندین زبان اروپایی ترجمه شد و در آخر به چاپ هشتادم هم رسید.

“Onania, or the Heinous Sin of Self-Pollution and All Its Frightful Consequences in Both Sexes, Considered with Spiritual and Physical Advice To Those Who Have Already Injured Themselves By This Abominable Practice”.



شیوه های اولیه رفتارهای جنسی

1. خودارضایی جنسی: تاریخچه

تیسولت و راش (Tissot and Rush)

در سال 1760، یک پزشک محترم سوئیسی به نام ساموئل تیسوت کتاب تأثیرگذارتری به اسم «اونانیسم، یا رساله ای حول اختلالات ناشی از استمناء» منتشر نمود. نویسنده ادعا کرد که استمناء نه تنها گناه و جرم است، بلکه علت اصلی بسیاری از بیماریهای جدی همچون «تحلیل قوا، کم سوئی، اختلال دستگاه هاضمه،

ناتوانی جنسی، و جنون» هم می باشد. تیسوت به موفقیتی خیره کننده دست یافت. نه تنها همه جا از او نقل قول می شد، بلکه در همه محافل از او به عنوان بزرگترین و معتبرترین منبع آگاه در موضوع استمناء نام برده می شد و در سطح جهانی به عنوان بانی خیر مردم، مورد احترام و تقدیر قرار گرفت. در خلال چند دهه، دیدگاههای او به عنوان دکتترین رسمی پزشکی به رسمیت شناخته شدند. مسئله آنچنان حاد شد که در جهان غرب، پزشکان در رديابی ریشه هر مشکل فیزیکی، به استمناء می رسیدند.

در سال 1812، هنگامی که بنیامین راش (Benjamin Rush) «تحقیق و مشاهدات پزشکی حول اختلالات ذهنی» را منتشر نمود، اثرات مضر استمناء، در همه جا امر مسلمی دانسته می شد و تأثیرات مخرب آن هم به مقدار زیادی افزایش یافته بود. طبق نظر راش، جلق زدن نه تنها به جنون می انجامید، بلکه باعث «ضعیف اسپرمها، ناتوانی جنسی، ناراحتی کلیوی، قوز پشتی، سوء هاضمه، عفونت خونی، ضعف بینایی، سرگیجه، صرع، افکار مالیخولیایی، ضعف حافظه، جنون و مرگ» هم می گردید.

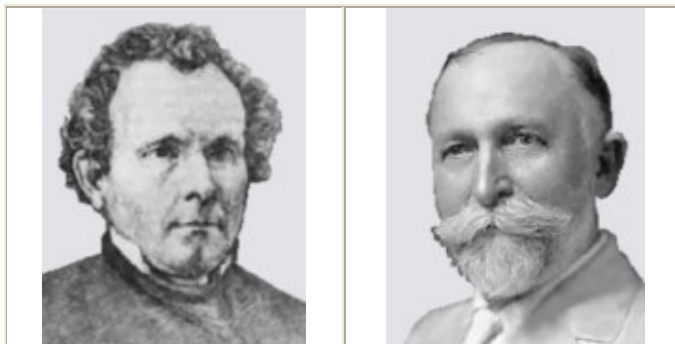


شیوه های اولیه رفتارهای جنسی

1. خودارضایی جنسی: تاریخچه گراهام و کلوگ

در آمریکای قرن نوزدهم، دو تن از بزرگان مبارزه با دیو خودارضایی، منادیان رادیکال «زندگی سالم» بودند. آنها، با تلفیق ترسهای کهنه روانپزشکی و نگرانیهای جدید مربوط به تغذیه و رژیم غذایی، مرزهای تازه ای درنوردیدند و بر فرهنگ طبقه متوسط آمریکایی تأثیر شگرفی گذاشتند. سیبل وستر گراهام (Sylvester Graham)، کشیش کلیسای مشایخی پروتستان، که شاید تا امروز هم به عنوان مخترع (1) «Graham Crackers» در ذهنها به یاد مانده باشد، و الحق که او نوعی رژیم غذایی گیاهی را معرفی کرد که می توانست شهوت جنسی را فروکش کند. ولی با این حال، او ابتدا به عنوان فردی که علیه «سوء استفاده از خود»، نویسنده و سخنرانی می کرد، معروف شد. او با رديابی ریشه هر ناخوشی و ناسلامتی، به این «عادت نفرت انگیز» موفق شد ترس از استمناء را در دل بسیاری از خوانندگان، و جمعیت عظیمی که در مجالس سخنرانیهایش حضور می یافت، بیندازد.

جنگاور صلیبی بعدی علیه خودارضایی، پزشکی به اسم دکتر جان اچ. کلوگ (John H. Kellogg) بود. این گیاهخوار متعصب، آسایشگاهی در «باتل کریک» میشیگان راه انداخت و بیماران خود را با تنقیه و انواع تغذیه های حبوباتی، درمان می نمود. او، کلا هر نوع عمل جنسی را به عنوان فعالیت ناسالم رد می کرد. ازدواج خود او بدون هیچگونه آمیزش جنسی باقی ماند. او بخصوص خودارضایی را مضر می دانست و آن را «قاتل خاموش شب» می نامید. آنانی که جلق زنانی مسلم بودند، به کلینیک او راه داده نمی شدند، چون او آنها را درمان ناپذیر می دانست. در نتیجه، استمناء در خفاء، علت هر بیماری درمان ناپذیر شناخته می شد.

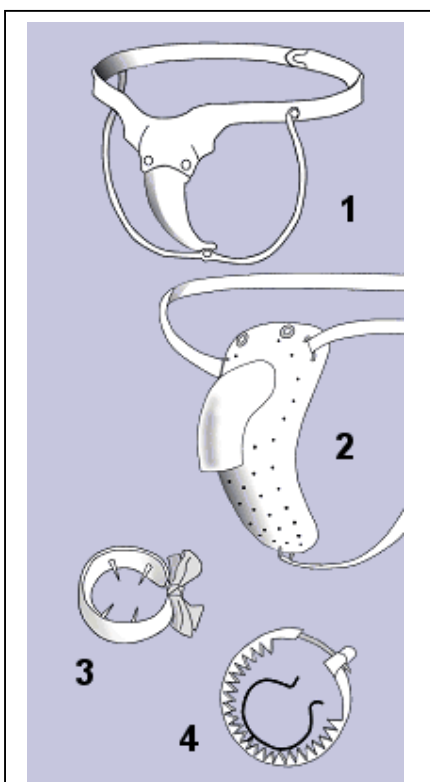


(چپ) سیلوستر گراهام (1795-1851)

(راست) جان هاروی کلوگ (1852-1943)

(1) - نوعی بیسکویت که با پنیر مصرف می شود. م.

شیوه های اولیه رفتارهای جنسی 1. خودارضایی جنسی: تاریخچه «جنون خودارضایی»



وسایل ضد استمناء

1+2 «کمربندهای عفت» که از نعوذ و شق شدن آلت جنسی جلوگیری می کنند. (دومی امکان ادرار کردن را می دهد.)
3+4 حلقه های خاردار برای آلت مردانه که مانع نعوذ می شوند.

در خلال قرن نوزدهم، پزشکان هر چه بیشتری بیماریهای شدید روانی را به استمناء ربط می دادند. هنری مودسلی (Henry Maudsley)، بزرگترین روانپزشک انگلیسی آن زمان، در سال 1867 «جنون خودارضایی» را «انحراف شدید احساسی که در مراحل اولیه به انحراف ذهنی، و در مراحل بعدی به کم هوشی، هذیانهای شبانه، و افکار قتل و خودکشی منجر می شود» تعریف کرده است. به دیگر سخن، استمناء کنندگان قاتلان بالقوه دانسته می شدند و احتیاط آن بود که در پشت درهای بسته نگهداری شوند. اگر این همه کافی نبود، حتی بعدها این بیماری کلاً درمان ناپذیر تلقی گردید. پس تنها کاری که پزشکان می توانستند انجام دهند، کشف آن در مراحل اولیه و کلاً پیشگیری از وقوع بود. به این دلیل، به والدین توصیه می شد که شبها دستهای فرزندان خود را به کناره های تخت ببندند، یا دستکشهایی با خارهای آهنی به دستشان نهند. نواربندهایی مخصوص و «کمربندهای عفت» (Chastity belts) برای پوشاندن و غیر قابل دسترسی کردن اندامهای جنسی، به کار گرفته شدند. پزشکان اهل فوت و فن، اسبابهایی اختراع کردند که مردم را در برابر «سوء استفاده از خود» «محافظةت» می کرد. و نهایتاً، اگر همه اینها به شکست کشیده می شدند، پیشنهاد جراحی داده می شد. جراحیهای بیشتر مورد پسند، برای مردان، «اینفیبولیشن» (Infibulation) (گذاشتن یک حلقه فلزی در درون پوسته سر آلت مرد، با هدف پیشگیری از نعوذ- چفت

کردن آلت جنسی)، و برای زنان «کلیتوریدکتومی» (Clitoridectomy) (بریدن کلیتوریس دختران) بود. البته، گاهی سوزاندن با درفش داغ، یا قطع کردن عصبهای منتهی به آلت جنسی و اختگی هم ضروری می شد. لازم به گفتن نیست که همه این وسایل مکانیکی و عملیات جراحی، به تمرکز ذهنها بر روی آلت‌های جنسی و کارکرد آنها، منجر گردید. بنابراین، برای «بیماران» غیر ممکن بود که حتی لحظه ای هم «مشکل» خود را فراموش کنند. پس جای تعجب نیست که برای بسیاری، نگرانی در مورد استمناء به وسواس کامل فرا روئید.

شیوه های اولیه رفتارهای جنسی

1. خودتحریکی جنسی: تاریخچه

قرن بیستم



ویلهلم رایش (1897 – 1957)
روانکاو رادیکال اتریشی، که او
هم خودارضایی را برای درمان
توصیه نمود.

(1) - کتاب ویلهلم رایش به
اسم «کشف انرژی اورگن-
فونکسیون ارگاسم- روانشناسی در
عمق» توسط استپان سیمونیان
به فارسی ترجمه شده است.
مطلب «رابطه سرکوب جنسی
با اختگی روانی» که در شماره
هشت فصلنامه جنسیت و جامعه
به چاپ رسیده، از همین کتاب
گرفته شده است. م.

<http://www.wilhelmeichmuseum.org/index.html>

در اواخر قرن نوزدهم، زمانی که همه جوامع غربی صنعتی شده و شروع به خوردن میوه های خوان نعمت خود کردند، پروسه آهسته ای از لیبرالیزگی جنسی هم شکل گرفت و دکترینهای غالب پزشکی درباره خودارضایی مورد سؤال قرار گرفتند. در ابتدا، برخی از روانپزشکان این را مطرح کردند که خودارضایی، ممکن است نه سبب، بلکه نتیجه جنون باشد. سپس کلاً هرگونه رابطه ای بین جنون و خودارضایی مورد شک و شبهه قرار گرفت. «سوء استفاده از خود» شاید فقط یک «بد عادت»، یا ممکن است علامت بالینی «رشد بازداشته شده» باشد. اما، بعضی از پزشکان، همچنان اصرار می ورزیدند که رشد فیزیکی یک جوان در گرو صرفه جویی در اسپرمش می باشد، و یک جوان با ریخت و پاش، و مصرف زود هنگام منی خود، باعث تضعیف بدن خود می شود. ولی این نظریه خیلی زود، در نتیجه نداشتن هرگونه سند و پشتوانه علمی، به کنار نهاده شد. در نتیجه، مد روز این شد که فقط در برابر «اصراف» در خودارضایی هشدار داده شود، و این موضع برای مدتی، موضع مناسب و راحتی به نظر می رسید. و چون حد و مرز «اصراف» هیچوقت تبیین و تعیین نگردید، پس ارائه سند و مدرک علمی هم لازم نبود، ولی با این همه، باعث دست نگه داشتن هر فردی می شد که ممکن بود به خودارضایی بیندیشد. از طرف دیگر، روانکاوانی همچون ویلهلم رایش (1) (Wilhelm Reich) به این بینش رسیدند که خودارضایی نوعی درمان است، بخصوص برای زنان. و در نهایت، تحقیقات مدرن و پژوهشهای جنسی موفق به نشان دادن این واقعیت گردیدند که: خودارضایی به خودی خود، هیچ ضرر فیزیکی یا روانی در بر ندارد، و «بیش از حد» یک مسئله نسبی است. درحالیکه بعضی از افراد هیچوقت خودارضایی نمی کنند، عده ای دیگر در طول دهها سال، روزی چند بار دست به خودارضایی می زنند، و این رفتار همانقدر «طبیعی»، «نرمال»، یا «سالم» است که آن رفتار دیگر.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

1. خودتحریکی جنسی: ارگاسم در خواب

این موضوع همواره آشنایی بوده است که موجود انسانی در حالت خواب هم قادر به تجربه پاسخدهی جنسی است. اما در فرهنگها و دوره های تاریخی خاصی، مردم این خصلت را فقط به مردان نسبت می داده اند. به عنوان مثال، در انجیل آمده که در بین عبرانیهای قدیم، از مردی که در حین خواب به ارگاسم رسیده بود، درخواست شده است که برای پاک کردن خود، به حمام برود. انزال غیر ارادی و خروج منی از او، «آلودگی» (احتلام) نام گرفت که، باعث «ناپاک» شدنش شده بود. (تثنیه 23 لاویان 15)

معادل چنین درخواستی برای زنان وجود نداشت. از آنجا که انزال به زنان دست نمی‌دهد، کسی به ارگاسم غیر ارادی آنها هم توجهی ننمود. اما، این مسئله در قرون وسطی، با زنده شدن اعتقادات قدیمی مربوط به شیاطین شبانه، تغییر نمود. در نتیجه، خوابهای جنسی، به آمدن جن، که به شکل زن بر مرد ظاهر شده و در زیر او می‌خوابد، و دیو که به شکل مرد بر زن ظاهر شده و بر روی او می‌افتد، نسبت داده می‌شد. این فکر بعداً نقش مهمی در «کشف» و پیگرد «ساحره های جادوگر» در قرون 17 - 15 میلادی ایفاء کرد، که یکی از غم انگیزترین دوره های هیستری جمعی و حماقت انسانی است.



دیو
از کتابی از دوران قرون وسطی

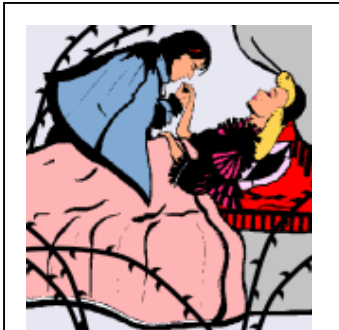
انواع اولیه رفتارهای جنسی

1. خودتحریکی جنسی: ارگاسم در خواب واژه ها و اصطلاحات

تا همین اواخر، اولیاء امور دینی و پزشکی به این عادت داشتند که کل موضوع را تحت نام «آلودگی شبانه» یا «انزال شبانه» مورد بحث و بررسی قرار دهند. حوالی نیمه قرن بیستم بود که کینزی و همکارانش، آمار قابل اعتمادی درباره دفعات این نوع عمل جنسی عرضه کردند. آمار و ارقام ارائه شده نشان می‌دادند که، نه تنها مردان، بلکه بسیاری از زنان هم، البته با درصد کمتری نسبت به مردان، در حین خواب به ارگاسم می‌رسند. در نتیجه، کینزی دیگر از اصطلاح «انزال شبانه» استفاده نکرد و به جای آن، «رؤیاهای جنسی شبانه» (یا «خوابهای جنسی شبانه») (nocturnal sex dreams) را به کار گرفت. این اصطلاح می‌توانست در مورد هر دو جنس به کار برده شود. با این همه، رؤیاهای جنسی ممکن است در خلال خواب بعد از ظهر هم به سراغ فرد بیایند، و در آن صورت باید «رؤیاهای جنسی روزانه» نام نهاده شوند. علاوه بر آن، رؤیاهای دارای بار جنسی تقریباً عادی اند اما اکثر آنها، مبهم و پراکنده بوده و کلاً به تحریک (جنسی) فیزیکی قابل توجهی نمی‌انجامند. به حساب آوردن این گونه رؤیاهای در اینجا، صحیح به نظر نمی‌رسد، و عملی تر آن است که فقط آن دسته از رؤیاهای جنسی را به حساب آوریم که تحریک فیزیکی کاملی را شامل می‌شوند. به همین دلیل، به نظر می‌رسد که «ارگاسم در خواب» ساده ترین و صحیح ترین واژه (برای این پدیده) باشد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

1. خودتحریکی جنسی: ارگاسم در خواب یک عمل طبیعی



رویا‌های سکسی
داستانهای «زیبای خفته» و
«سفید برفی» که با بوسه شاهداده ای
خوش تیپ از خواب بیدار می شوند،
به شکلی سمبولیک به رویاهای جنسی
دختران جوان اشاره دارند.

ارگاسم در خواب، تقریباً همیشه با رویاهای جنسی همراه است. این مسئله بخصوص در مورد افراد مذکر صدق می کند. یعنی اگر به بلوغ جنسی رسیده باشند، اسپرم هم از آنها خارج می شود؛ به عبارتی احتلام. این رویاهای جنسی در خلال خواب ممکن است رفتارهای جنسی نامعمول و ممنوع همچون مقاربت جنسی با خویشاوندان نزدیک، با کودکان و یا با حیوانات، سکس گروهی و دسته جمعی، تن نمایی (exhibitionism) و بسیاری رفتارهای دیگر را هم تجسم کنند. رفتارهایی که فرد در حالت بیداری هرگز آنها را به تصور نمی آورد. به هر حال، در خواب، قید و بندها و موانع ذهنی معمولی و کنترلهای آموخته شده اجتماعی، اثر کمتری دارند، و در نتیجه، بسیاری از آرزوهای ناخودآگاه ما، به شکلی نمادین و بی ضرر، به خود جامعه عمل می پوشانند.

غیاب خویشتننداری آگاهانه درحین خواب، در پدیده دیگری هم اثر دارد: بسیاری از افراد (بخصوص زنان)، خیلی سریع تر از اوقات بیداری، به ارگاسم می رسند.

امروز، نگرشهای مذهبی و پزشکی نسبت به چنین تجربه ای به طور کلی بسیار ملایم است. بعضیها نسبت به این امر کلاً احساس نگرانی نمی کنند، و فقط زمانی آن را گناه می دانند که به نحوی برای آن برنامه ریزی شده باشد یا مورد استقبال قرار گرفته، و یا از آن لذت برده شود. در واقع، در حال حاضر باور عمومی بر این است که ارگاسم در خواب، ضروری، سالم، و یک جبران «طبیعی» برای روزه جنسی محسوب می شود. اما، این برداشت عمومی نادرست است. مثلاً بر اساس یافته های کینزی، زنانی که ناگهان فرصت چندین ارگاسم مقاربتی خود در هفته را از دست می دهند، در کل سال، تنها چند ارگاسم بیشتر در حین خواب به آنها دست می دهد. (تعداد ارگاسمهایی که در طول یک سال در خواب تجربه شده اند کمی بیشتر از تعداد ارگاسمهای تجربه شده در بیداری در خلال یک هفته می باشد.م.) درحقیقت، به بعضی از زنان، زمانی ارگاسم در خواب دست می دهد که در بیداری تعداد بیشتری ارگاسمهای ارادی داشته باشند. به طور خلاصه: ارگاسم در خواب، یک عملکرد ممکن طبیعی بدن انسان است، اما جایگزینی برای فعالیت جنسی آگاهانه نمی باشد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

1. خودتحریکی جنسی خودارضایی (استمناء)



را برای خودارضایی به کار گرفته است.
پائین: موجود نیمه انسان و نیمه بز
(در افسانه های یونان) در حال
خودارضایی است. (از نقاشی بر روی
گلدانی یونانی که از دوران باستان باقی
مانده، گرفته شده است.)

کلمه ماستربایشن (استمناء) از فعل لاتین masturbare (manus: hand, stuprare= to defile, or turbare= to disturb) به معنی با دست آلوده کردن یا، بر هم زدن با دست، مشتق شده است. این اصطلاح فقط حدود دویست سال پیش وارد زبان انگلیسی شد. قبل از آن، مردم ظاهراً از واژه ها و اصطلاحات با بار تصریحی و تشریحی کمتری، همچون «شهوت جوانی» یا «لذت انفرادی» استفاده می کردند. اما کلمه «ماستربایشن» امروزه، وارد بیشتر زبانهای اروپایی شده، و در کتابهای تخصصی جایگزین دیگر واژه ها و اصطلاحات شده است. در شرایط فعلی، ما چاره ای جز ادامه همین رسم گفته شده، نداریم. ولی، نباید فراموش کرد که این واژه دقیق نیست و غلط انداز می باشد؛ چون هم زنان و هم مردان قادرند بدون استفاده از دستان خود، «ماستربایشن» کنند. به این دلیل برای محققان مدرن و امروزی، ماستربایشن «به هر نوع خودتحریکی فیزیکی که به پاسخدهی جنسی می انجامد، گفته می شود.» (1)

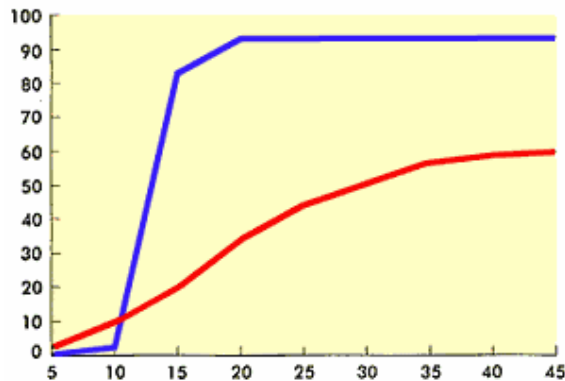
1- سکسولوگها می پذیرند که چه بسا افرادی باشند که قادرند با کمک فانتزی و ذهن، خود را تحریک کرده و حتی به ارگاسم برسند، اما اینگونه افراد، بخصوص آنهایی که قادرند با کمک فانتزی به ارگاسم برسند، آنقدر نادرند که در مباحث آموزش جنسی می توان از آنها گذشت و به طور عام به مسئله پرداخت چون در صحبت از خودارضایی و استمناء تنها نعوذ مد نظر نیست بلکه ادامه تحریک تا رسیدن به ارگاسم مد نظر است. م.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

1. خودتحریکی جنسی: خودارضایی

تجارب اولیه

هر دو افراد مؤنث و مذکر، ممکن است در همان دوران نوزادی، استمناء کردن را به خودی خود یاد بگیرند. آنها در حال بازی کردن با آلت جنسی خود، ممکن است نوعی لذت تجربه کنند که خیلی راحت بعداً هم بخواهند آن تجربه لذت را تکرار کنند. اما، اغلب اوقات، استمناء منظم و آگاهانه تا قبل از بلوغ اتفاق نمی افتد. پسران اغلب چگونه استمناء کردن را به همدیگر یاد می دهند، یا در صحبت‌های بین خود، درباره آن می شنوند. از آنجا که پسران خیلی علنی تر از دختران درباره مسائل جنسی بحث می کنند، معمولاً دانش و اطلاعات جنسی را هم در سنین پائین تری نسبت به دختران فرا می گیرند. در مقابل، در اغلب موارد دختران به تنهایی و به طور تصادفی، خودارضایی را کشف می کنند. بعضی از آنها، از طریق «لاس» با پسران، آن را یاد می گیرند، و برخی هم در کتابها و مجلات درباره آن می خوانند. حتی در مواردی، دخترانی وجود دارند که در طول سالها دست به خودارضایی می زنند بدون آنکه بدانند واقعاً دارند چه کاری انجام می دهند. به هر حال، به نظر می رسد که در کل، دختران کمتر از پسران تا مرحله ارگاسم، استمناء می کنند.



خودارضایی در دختران و پسران از کودکی تا میانسالگی
درصد کل افراد مؤنث (قرمز) و افراد مذکر (آبی) که به تناسب سن خود، تا مرحله ارگاسم استمناء کرده اند.
منبع: کینزی و همکاران 1948

انواع اولیه رفتارهای جنسی

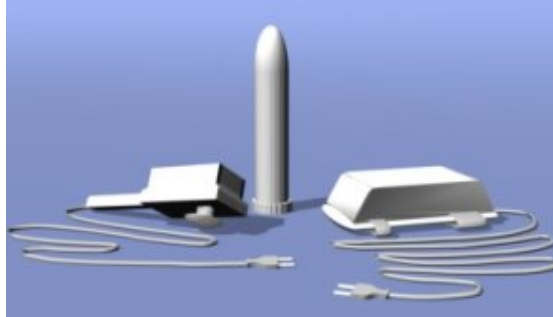
1. خودتحریکی جنسی: خودارضایی: افراد مؤنث

دختران و زنان هنگام خودارضایی ممکن است یک یا هر دو دست خود را به کار گیرند. آنها در اغلب موارد، کل فرج خود را می مالند، یا آرام و ملایم سر چوچوله (کلیتوریس) و لبهای داخلی فرج را می مالند. برخی از زنان، به طور همزمان همزمان با نوک پستانهای خود هم بازی می کنند، و در مواردی، همین مالش پستانها به تنهایی به ارگاسم می انجامد.

هم دختران و زنان، و هم پسران و مردان، گاهی به جای استفاده از دستان خود، ممکن است خیلی راحت آلت جنسی خود را به چیزی مثل بالش، حوله، تخت یا تشک بمالند. در واقع برخی از دختران با دوچرخه سواری هم به ارگاسم می رسند. بعضی از دختران با روی هم انداختن پاهای خود، یا به هم فشردن رانهای خود به همدیگر و عقب جلو کردنهای موزون آنها، به ارگاسم می رسند. در موارد خاصی، تنها انقباض و انبساط ریتمیک ماهیچه ای برای تولید ارگاسم کافی است.

بسیاری از مردان بر این تصورند که زنان هنگام خودارضایی، انگشتان و یا یک شیئی استوانه ای وارد واژن خود می کنند. ولی، زنانی که اشیائی را به طور عمیق وارد واژن خود می کنند، این کار را اغلب برای ارضاء لذت مرد انجام می دهند. اشیائی که برای این منظور مورد استفاده قرار می گیرند، معمولاً وسایلی ساده خانگی همچون شمع و یا خیار می باشند. آنچه که از قدیم الایام معروف بوده و هست، آلت مصنوعی مردانه یا **دیلدو** (dildo) می باشد. (1) دیلدو احتمالاً از کلمه ایتالیایی *diletto*، به معنی شمع، خوشی و لذت گرفته شده

است. دیلدوها از چوب، لاستیک و یا پلاستیک ساخته می شوند. امروزه انواع دیگری از وسایل کمکی خودارضایی در بازار یافته می شوند؛ برای نمونه وسیله الکتریکی ارتعاش دهنده ای به شکل آلت مردانه که به آن **ویبراتور** گفته می شود. انواعی از ویبراتورها یا ماساژ دهنده ها هم هستند که با هدف استفاده بر روی اندامهای جنسی بیرونی، ساخته شده اند. اینگونه وسایل آنچنان تحریک جنسی قوی ای ایجاد می کنند که دخول در واژن به پای آنها نمی رسد.



سه نمونه از انواع ویبراتورها

1- دیلدو= نره، ذکر، کیر/ قضیب مصنوعی، کیر کاشی، چرمینه. مچاچنگ. م.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

1. خودتحریکی جنسی: خودارضایی: افراد مذکر

خودارضایی افراد مذکر هم می تواند به اشکال مختلفی انجام شود. در اغلب موارد، دستها مورد استفاده قرار می گیرند. یعنی پسران و مردان ممکن است با دستهای خود، آلت جنسیشان را تا رسیدن به ارگاسم، نوازش کنند یا ماساژ دهند. آنها ممکن است در حین عمل، یک دست خود را برای نوازش و تحریک نقطه حساس دیگری در بدنشان به کار گیرند. مثلاً برای افزایش لذت جنسی خود ممکن است تخمهایشان را بالا بکشند، یا انگشتی وارد مقعد خود کنند. حتی در موارد نادری، بعضی افراد برای لذت بیشتر، شیء جامدی مثلاً یک سیم را، وارد سوارخ ذکر خود می کنند. اما این گونه افراد به شدت نادرند. (لازم به گفتن نیست که این عمل دردآور و به طور بالقوه خطرناک می باشد.) انواع مختلفی از ابزارهای مکانیکی، و حتی الکتریکی (پمپهای واکوم) خودارضایی برای مردان هم وجود دارند. این ابزارها، که عمل مکیدن موزون هوا بر روی آلت جنسی را اعمال می کنند، احتمالاً برای معلولین جسمی و یا افراد دارای اختلال جنسی هم کاربرد دارند. اما، برای پسران و مردان سالم، این وسایل نسبت به اشکال «سنتی» خودارضایی هیچ مزیتی ندارند.



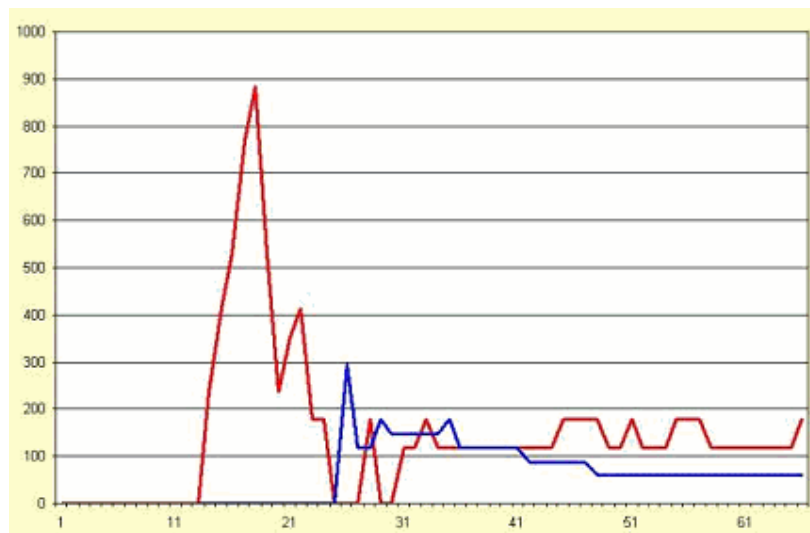
ابزار و آلات امداد جنسی

امروزه در بسیاری از کشورها، انواع «فروشگاههای سکس»، «اسباب بازیهای جنسی» یا «ابزار و آلات امداد جنسی» می فروشند. برای مثال: (سمت چپ) یک پمپ واکوم شفاف است که از موادی سفت، و با هدف کمک به نعوذ و شق شدن ذکر ساخته شده است. (سمت راست): یک روکش ویبراتوری است که با باتری کار می کند و از ماده ای نرم جهت کمک به استمناء ساخته شده است.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

1. خودتحریکی جنسی: خودارضایی فعالیتی عام

برخی از کتابهای پزشکی، خودارضایی را صرفاً کار نوجوانان و جوانان معرفی می کنند. درحقیقت، ما می دانیم که برای بسیاری از افراد زیر بیست سال، خودارضایی رایج ترین و حتی تنها راه لذتبری جنسی است. ولی، این بدان معنا نیست که خودارضایی موضوعی است که مختص مرحله اولیه رشد جنسی بشر می باشد، و در نتیجه، فقط در دوران نوجوانی و جوانی «مناسبت» دارد. برعکس موضوع بدین معناست که نوجوانان و جوانان امکانات و فرصتهای کافی برای مقاربت و مقاربت جنسی در اختیار ندارند. وگرنه، در عالم واقع، بسیاری از بزرگسالان، از جمله افراد متأهل هم، خودارضایی می کنند. خودارضایی یک فرد متأهل، فی نفسه و به خودی خود چیزی را درباره روابط تأهلی او بازگو نمی کند. خیلی ساده، یک زن یا شوهر ممکن است در کنار روابط جنسی زناشویی خود، از استمناء و خودارضایی هم لذت ببرند. زنان و مردان مسنی که تنها زندگی می کنند، یا همسرشان بیمار، دارای ضعف و یا به عللی ناتوان است هم، ممکن است مجدداً، به شدت به خودارضایی علاقه مند شوند. در این حالات و بسیاری موارد مشابه، خودارضایی جایگزینی برای مقاربت جنسی است؛ چون از شدت فشار جنسی می کاهد، ورزش و تمرینی برای بدن است، قدرت تصور و خیال را تقویت می کند، و توان و ظرفیت جنسی فرد را هم زنده نگه می دارد. و نهایتاً اینکه، خودارضایی ممکن است برای افرادی که دارای نقص عضو یا ناتوانیهای خاصی باشند، به عنوان راه حل مهمی جهت خلاصی از تنش و فشار جنسی عمل کند.



دفعات سالانه خودارضایی و مقاربت جنسی زناشویی

آقای ث. یک مرد اروپایی متأهل و دارای دو فرزند، فعالیت جنسی خود را از کودکی تا شصت و هفت سالگی یادداشت نمود. همانطور که دو منحنی فوق نشان می دهند، **خودارضایی (منحنی قرمز)** تا قبل از ازدواج تنها راه لذت بری جنسی او بوده و در امتداد **مقاربتهای جنسی زناشویی (آبی)** او هم ادامه می یابد. رفتارهای آقای ث. ممکن است به همه قابل تعمیم باشد یا نباشد. با این حال، نمودار فوق افزایش ظرفیت و توان جنسی مرد، بلافاصله بعد از بلوغ، را نشان می دهد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. مقاربت جنسی دگرجنسگرایانه

طبق فرهنگ لغات، کلمه اینترکورس intercourse از کلمه لاتین intercurrere به معنی مابین رفتن،



تصویری قدیمی از مقاربت جنسی

حکاکی روی سنگ، حوالی 1500 سال قبل از میلاد مسیح. ایالت گوانگسی در چین. موزه سکس در تونگلی-چین

گرفته شده است و می تواند به هرگونه تبادل و ارتباط بین افراد دلالت داشته باشد. پس، کسی ممکن است از اینترکورس اجتماعی به طور عام صحبت کند یا به طور خاص، از اینترکورس مشاهده ای بین دو فرد که به هم چشمک می زنند، یا اینترکورس دهانی بین مردمی که با هم حرف می زنند، یا از اینترکورس دستی بین دو فردی که با هم دست می دهند. اما با این وجود، بسیاری از نوشته های کتابی، این واژه را در معنای محدود آن به کار می برند. و هنگام کاربرد اینترکورس فقط یک نوع رابطه جنسی، و آنهم نوع خاصی از رابطه جنسی را مد نظر دارند: جماع دخولی یعنی مقاربت واژنی. متأسفانه، این کاربرد محدود، حالا دیگر کلاً توسط مردم پذیرفته شده است. برای مثال، در نوشته های عام، بین «اینترکورس» (مقاربت واژنی) و «لاس زدن» (همه دیگر انواع نزدیکی و تماس جنسی) تفاوت گذاشته می شود. آنها حتی این را هم اعلام می کنند که دخول واژنی باید با «لاس زدنهای قبلی» و «نوازشهای بعدی» همراه شود. کوتاه سخن اینکه، آنها این را می رسانند که تنها تماس جنسی که واقعاً به حساب می آید، همانا تماس بین واژن زن و ذکر مرد می باشد. این نظر بسیار کوتاه بینانه ای است. در آخرین تجزیه و تحلیل، همانطور

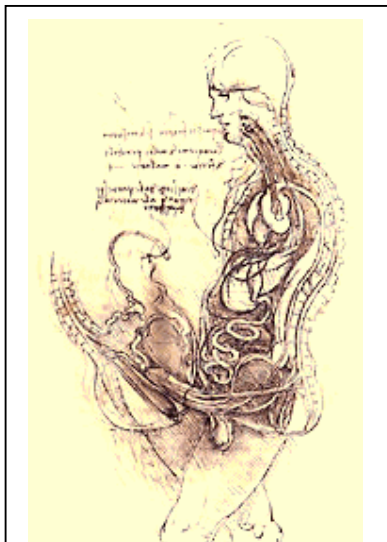
که در دوره آموزشی شماره یک دیدیم (1)، واکنش جنسی بشر، شامل حال کل بدن می شود، و از راههای مختلفی می توان به ارگاسم رسید. دخول واژنی شاید عام ترین نوع رابطه جنسی باشد، اما به هیچ وجه تنها روش نمی باشد. در واقع بسیاری از زنان و مردان این روش را برتر نمی شمارند. علاوه بر این، افراد بیشماری وجود دارند که بنا به مسائلی همچون نقص عضو، بیماری، جراحات و غیره، کلاً از جهت فیزیکی قادر به انجام عمل دخول نیستند. ولی با این وجود، بسیاری از آنها دیگر انواع مقاربت جنسی را به کار می گیرند و در روابط خود به ارضای جنسی می رسند.

(1). شماره چهار فصلنامه جنسیت و جامعه ترجمه کامل همین دوره آموزشی شماره یک می باشد.م.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. مقاربت جنسی دگرجنسگرایانه نه فقط مقاربت دخولی

دخول واژنی تنها شکل مقاربت جنسی است که به تولید مثل می انجامد، و به این خاطر، در فرهنگ ما، نسبت به دیگر روشهای آمیزش جنسی، به عنوان عملی برتر، ستوده شده است. طبق سنتهای مذهبی یهودی و مسیحی، منظور، جدایی ناپذیر بودن سکس و تولید مثل بوده است. هر نوع فعالیت جنسی که بنا به طبیعت خود، به بارداری نمی انجامید، گناه تلقی می شد و می بایست از آن اجتناب نمود. درحقیقت، در بیشتر کشورهای اروپایی، گناه به مرور، به جرم تبدیل شد. مقاربت جنسی غیر دخول واژنی، در طول قرنها به عنوان یک جرم جدی تلقی می گردید و مجازات شدیدی داشت. و در آخر، روانپزشکان مدرن، با این ادعا که آن دسته از افراد بالغی که دخول واژنی را بر دیگر انواع آمیزشهای جنسی ترجیح نمی دهند، بیمار روانی هستند، یا حداقل «نابالغ»، جرم را به بیماری تبدیل کردند. تأکید بیش از اندازه بر دخول واژنی، بدون شک، زندگی بسیاری از افراد را بینوا کرده است. درمانگران جنسی (سکس تراپیستهای) مدرن، معتقدند که بند کردن زنان و مردان به واژن و ذکر، و بی توجهی به دیگر نقاط و قسمتهای حساس و شهوت برانگیز بدن، خود می تواند در نهایت، به حساسیت زدایی و در نتیجه، زیان رسانی و محدودیت کارکرد جنسی آنها منجر شود.



دخول واژنی

رسم آناتومی توسط لئوناردو
داوینچی (1519 – 1452)
وینزا، کلکسیون خانواده سلطنتی
بریتانیا

درواقع، با برتر شمردن و تنها روش اصولی دانستن آمیزش جنسی دخولی، دیگر انواع مقاربت جنسی، کمتر ارزشمند به حساب خواهند آمد. یا حداقل به عنوان «تنوع»، یا «فرع» یا نوعی «پیش درآمد» یا «پس درآمدی» بر «عمل اصلی» تلقی می شوند. به عبارت دیگر، جفتها، می بایست انواع مختلف و متنوع مرادده جنسی خود با همدیگر در حین مقاربت جنسی را با منتهی کردن همه آنها به دخول واژنی، به شکلی توجیه کنند. آنها با تقسیم کردن مقاربت جنسی خود به بخشهای مختلف، و ارزشگذاری هر بخش، خود را از بهره مندی از رشد و توان کامل جنسی خویش، محروم می سازند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. مقاربت جنسی دگرجنسگرایانه تعریفی که ما ارانه می دهیم

ما، در این دوره آموزشی، از رهیافتهای استاندارد معرفی شده در بسیاری از راهنماهای سکس و ازدواج، پیروی نمی کنیم، بلکه با موضوع به شکلی عام برخورد خواهیم کرد؛ یعنی، به جای تلاش برای تحمیل نوع خاصی از ترجیح بند جنسی، با یک تعریف ساده شروع می کنیم:

آمیزش جنسی به هر نوع رابطه بین افراد که شامل پاسخدهی جنسی می باشد، گفته می شود.

مسلماً، چنین رابطه ای می تواند، انواع و اشکال متنوعی به خود بگیرد. ممکن است افراد در حین بغل کردن و بوسیدن هم، یا فقط هنگام چشم دوختن به هم، یا هنگام صحبت تلفنی با هم، نسبت به همدیگر تحریک جنسی شوند، به عبارت دیگر، آنها ممکن است هیچوقت به اندامهای جنسی همدیگر دست نزنند،

و حتی هیچگونه تماس مستقیم فیزیکی با هم نداشته باشند. با این همه، تا وقتی که نوعی مبادله و آگاهی متقابل مبنی بر حضور میل و احساس جنسی بین آنها وجود دارد، آنوقت به معنای واقعی کلمه، بین آنها آمیزش جنسی (سکسوال اینترکورس) برقرار شده است.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. مقاربت جنسی دگرجنسگرایانه

انواع اولیه مقاربت جنسی

نویسندگان آکادمیک اغلب چنین نیازی احساس می کنند که آنچه را که مردم در حین عشق ورزی با هم انجام می دهند را مشخص، کلاسه و دسته بندی کنند. برای مثال، حتی مقاربت جنسی بدون تماس فیزیکی هم می تواند به چند زیر مجموعه تقسیم شود. بنابراین، در مورد فردی که با صحبت‌های تلفنی سکسی، تحریک و تهییج می شود، و حتی تماس گیرنده را هم به ادامه کار تشویق می کند، ممکن است گفته شود که او در آمیزش جنسی «صوتی و سمعی» شرکت دارد. به همین شکل، می توان در مورد افرادی که نامه های مهیج و شهوت برانگیز، عکس و یا ایمیل با هم رد و بدل می کنند، یا با دوربین اینترنتی همدیگر را دید می زنند، از «آمیزش جنسی پستی»، یا «آمیزش جنسی اینترنتی» صحبت کرد. با این همه، در زندگی روزانه، این نوع ترمینولوژی، غیر ضروری است. در نتیجه، اغلب متخصصان عملاً حول چند نوع مقاربت جنسی که شامل تماس مستقیم فیزیکی حداقل یک طرف رابطه با اندام جنسی طرف دیگر می شود، توافق کرده اند. این، مسئله را عملاً تا حدود زیادی ساده می کند. به این دلیل، ما هم آن را به کار برده، و بین چهار نوع اولیه آمیزش و مقاربت جنسی تفاوت قائل می شویم:

وقتی که اندامهای جنسی یک طرف در تماس با دست (های) طرف دیگر باشد، ما از مقاربت جنسی دستی صحبت می کنیم.

وقتی که اندامهای جنسی یک طرف در تماس با دهان طرف دیگر باشد، ما از مقاربت جنسی دهانی صحبت می کنیم.

وقتی که اندامهای جنسی یک طرف در تماس با اندامهای جنسی طرف دیگر باشد، ما از مقاربت جنسی آلتی صحبت می کنیم.

وقتی که اندامهای جنسی یک طرف در تماس با مقعد طرف دیگر باشد، ما از مقاربت جنسی مقعدی صحبت می کنیم.



مجسمه ای اروتیکی در یک معبد هندویی در خواجورا، مرکز هند، قرن دهم بعد از میلاد. با تشکر از سودهر بیروندکار

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. مقاربت جنسی دگرجنسگرایانه

غیر انحصاری

چهار نوع اولیه مقاربت جنسی، آلترناتیوهای مشخص و حد و مرز داری، یا شیوه های منحصر به فردی را نمایندگی نمی کنند. این درست است که بعضی از مردان و زنان خود را به نوع خاصی از مقاربت جنسی مقید می کنند، اما امروزه اغلب جفتها، خیلی راحت انواع شیوه های مختلف را به کار می گیرند. یعنی، مقاربت جنسی آنها در ابتدا ممکن است دستی باشد، بعد دهانی، و در آخر آلتی. درحقیقت اگر کسی بخواهد به خرده ریزه ها هم توجه کند، آنگاه مثلاً وقتی که دو نفر با نگاه عمیق به همدیگر، لذت خود را دو چندان می کنند، می توان از «مقاربت بینایی» صحبت کرد، یا زمانی که مرد آلت خود را در میان رانهای طرف مقابل قرار دهد می توان آن را «مقاربت فحذی» یا هنگامی که مرد آلت

خود را در بین پستانهای طرف مقابل قرار دهد، آن را «مقاربت پستانی» نامید. به هر حال، یک جفت ممکن است ساعتها در بغل همدیگر وقت گذارنده و انواع و اقسام عشق ورزی را تا رسیدن به ارگاسم تجربه کنند. و شاید زمانی دیگر، آنها فقط به لذت تحریک و تهییج متقابل همدیگراکتفا کنند بدون آنکه به ارگاسم برسند. هیچکدام از اینها، با تعریف ارائه شده ما، تناقضی ندارند.

از طرف دیگر، باید به یاد داشته باشیم که اینجا صرفاً جنبه جنسی رابطه مد نظر ماست. برای نمونه، تعریف ما از مقاربت جنسی دستی، شامل حال معاینه دستی اندامهای جنسی بیمار توسط پزشک نمی شود. به صرف اینکه اندامهای جنسی یک فرد در تماس با دست، دهان، اندامهای جنسی، یا مقعد فرد دیگری قرار گیرند، به خودی خود، دلیلی برای اطلاق مقاربت جنسی بر آن نمی گردد. مقاربت جنسی زمانی اطلاق می گردد که حداقل یک طرف، آنچنان واکنش / تحریک جنسی ای از خود بروز دهد که طرف دیگر متوجه قضیه شده و آن را تشویق کند. این، از جمله بدان معنا است که عمل کودکانی که صرفاً از روی کنجکاری به اندامهای جنسی همدیگر دست می زنند، را نمی توان مقاربت جنسی نامید.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. مقاربت جنسی دگرجنسگرایانه

تعریف واحدی وجود ندارد

درحالیکه توافق حول یک تعریف عام از مقاربت جنسی، کار آسانی است اما، هر تلاشی جهت ارائه یک



تعریف استاندارد شده از آن، ابلهانه است. در اجتماع انسانی، سکس اساساً یک مسئله فردی است. هر فردی، علائق جنسی خود را دارا است و به همین جهت، جفتی وجود ندارد که دقیقاً شبیه جفت دیگری، عشق ورزی کند. بعضیها در طول عمر خود، فقط به یک روش خاص بسنده می کنند، بعضی دیگر روشهای خاصی را در مواقعی خاص به کار می گیرند، و برخی هم به طور مرتب به دنبال روشهای جدیدی می گردند. جفتهایی هستند که برای مقاربت و عشق ورزی خود فقط چند ثانیه یا چند دقیقه وقت لازم دارند، و جفتهایی هم وجود دارند که مقاربت و عشق ورزی خود را تا ساعتها ادامه می دهند. برخی از زنان و مردان بعد از اولین مقاربت جنسی، دیگر هرگز آن را تکرار نمی کنند، دیگرانی، با فواصل طولانی آن را انجام می دهند، و باز دیگرانی هم ممکن است مقاربت جنسی خود را روزی

چند بار تا سالهای سال ادامه دهند. بر هیچکدام از این انتخابها (حالتها) به شرطی که رضایت و خرسندی طرفهای درگیر را فراهم آورند، اشکال و ایرادی وارد نیست، و مضحکانه خواهد بود اگر که «اولیاء امور و مسئولان» چیزی غیر از این به آنها بگویند. با این وجود، در طول دورانی مدید در تاریخ غرب، فقط مقاربت جنسی همراه با دخول واژنی «طبیعی» و قابل قبول شمرده می شد. خوشبختانه، در این مدت، اغلب متولیان امور دینی، قانونگذاری و پزشکی، برخورد روشن بینانه ای با موضوع درپیش گرفته اند. آنها این را درک می کنند که یک رابطه جنسی، کل فرد را، به صورت تمام و کمال درگیر می کند، و در نتیجه درخواست این که رابطه جنسی به اجزاء خاصی از بدن محدود شود، خود یک خواسته غیر طبیعی است. بر همین اساس، امروزه، حداقل در عمل، تجربه انواع و اقسام مقاربتهای جنسی، تا حدود زیادی امر پذیرفته شده ای است. در بخشهای بعدی، نگاهی به بعضی از انواع مقاربت جنسی، بدون تأکید خاص بر تولید مثل یا ارگاسم، خواهیم انداخت. در این نوشته هیچ تلاشی برای جا انداختن استاندارد، نرم، یا هدف مقاربتهای جنسی، به جز لذت متقابل، صورت نگرفته است.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. مقاربت جنسی دگرجنسگرایانه

مقاربت جنسی دستی

در اینجا، مقاربت جنسی دستی به معنای تماس اندامهای جنسی یک نفر با دست (های) دیگری، تعریف شده است. در راهنماهای قدیمی تر، این نوع مقاربت جنسی به معنای «لاسیدن» یا «عشق بازی» قبل از دخول و مقدمه ای بر آن، تعریف شده است. مالش شدید اندامهای جنسی زن، با دست مرد، برای تحریک و آمادگی کامل زن، ضروری دانسته می شد، و به مردان پند و اندرز داده می شد که این کار را به عادت برای خود تبدیل کنند تا بتوانند زنان خود را به ارضاء برسانند. متأسفانه، بسیاری از مردان این «مقدمه چینی» را به عنوان مسئولیت دیگری بر دوش مردها تلقی نمودند. علاوه بر آن، از آنجا که آنها دانش چندانی از واکنش جنسی زنان نداشتند، بعضیها، مالش و تحریک کلیتوریس را آنچنان شدید انجام می دادند که درد آن بیشتر از لذت می شد. در مقابل، زنان میلی به دست زدن به اندامهای جنسی مردان نداشتند. خلاصه این که، آمیزش و مقاربت جنسی دستی، به ندرت به عنوان یک تجربه مشترک لذتبخش مستقل و قائم به ذات خود، در نظر گرفته می شد.

به هر حال، به نظر می رسد که امروزه یک تغییر و تحول کلی در نگرش و رفتارهای جنسی در حال اتفاق است. بسیاری از زنان و مردان، خیلی راحت و به طور علنی به همدیگر می گویند که در سکس از چه چیزی خوششان می آید، و در عرصه جنسی، کلاً آمادگی بیشتری برای آزمایش کردن، از خود نشان می دهند. در نتیجه، آنها متوجه این امر می شوند که دخول واژنی به هیچ وجه تنها راه رسیدن به ارضاء جنسی نمی باشد. درحقیقت، آنها چه بسا متوجه شوند که فقط با دست زدن، نوازش و ماساژ بدن همدیگر، به لذت دهی و لذت بری زیادی نائل می شوند. علاوه بر آن، درمانگران جنسی مدرن به این نتیجه رسیده اند که این نوع لذت دهی و لذت بری متقابل می تواند احساسات و خواسته های جنسی منع شده و سرکوب گشته در زنان و مردان را زنده کند و از این طریق بر ناکفایتی جنسی غلبه شود.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. مقاربت جنسی دگرجنسگرایانه

مذکر – مؤنث

در حالی که جفتها نقاط و مناطق حساس و شهوت برانگیز بدن همدیگر را کشف می کنند، امکان اینکه آنها



ماریا تریازا
(1717 – 1780)

دوشس بزرگ (همسر دوک اعظم) اتریش، ملکه مجارستان و بوهیمیا، زن امپراطور روم مقدس. در اوائل ازدواجش، پزشک بارگاهش، این نصیحت را به زبان لاتین به همسرش داد:

“Ceterum censeo vulvam Sanctissimae Majestatis ante coitum esse titillandam”

(استنتاج من این است که فرج حضرت مقدس می بایست قبل از جماع، غلغلک داده شود.)

در آخر، او 16 فرزند به دنیا آورد.

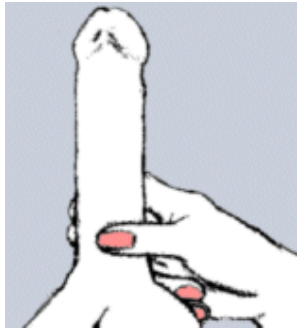
با مالش کل فرج و ادامه انجام دستورالعملهای زن مبنی بر این که کجاها را مالش دهد، آنوقت معمولاً قادر خواهد بود که زن را به ارگاسم برساند. درحقیقت، با توجه به این که زنان قادر به ارگاسمهای متوالی در فواصلی کوتاه می باشند، مرد می تواند عمل مالش و تحریک کردن زن با دست خود را ادامه دهد یا به مقاربت جنسی دهانی و یا آلتی رو آورد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. مقاربت جنسی دگرجنسگرایانه

مونت – مذکر

از آنجا که راهنماهای سنتی ازدواج، معمولاً زن را از جهت جنسی، مفعول معرفی می کنند، در آنها، هیچ گونه پیشنهادی مبنی بر اینکه زن باید به اندامهای جنسی شوهرش دست بزند و آنها را تحریک کند، آورده نشده است. ولی، خیلی از مردان از اینکه کسی به آلتشان دست بزند و با آن بازی کند، لذت می برند. درحقیقت، هیچ کار دیگری به اندازه همین دست زدن، در تحریک جنسی سریع مرد، تأثیرگذار نیست. مسلماً زنی که می خواهد برای مردی استمناء کند، بهتر است که از او بپرسد که او دقیقاً می خواهد که آلتش چطور به دست گرفته شود و چگونه مالش داده شود. او اغلب می تواند با خیس کردن انگشتان خود با بزاق دهانش و یا مایع لزج کننده (لوبریکانت)، لذت مرد را دو چندان کند. چنانچه مرد در حال استمناء شدن به ارگاسم برسد، آنوقت به زمان کافی نیاز دارد تا دوباره بتواند به نعوذ دست یابد. ولی با این وجود، در این لحظه چنانچه زن بخواهد، مرد توان ارضاء او را دارد. در این حالت راه و تکنیک، مشخصاً همانا مقاربت جنسی دستی و یا دهانی خواهد بود.



تکنیک فشار

مردانی که اغلب مشکل کنترل ارگاسم خود را دارند، ممکن است روش پیشنهادی درمانگران جنسی به دردشان بخورد:
زن آلت مرد را تا لحظه نزدیک شدن به ارگاسم مالش می دهد، اما در این لحظه و بلافاصله قبل از انزال، به شکلی که در تصویر دیده می شود، آلت مرد را می فشارد، و با این تمرین می تواند به مرد کمک کند تا یاد بگیرد که چگونه انزال خود را به تأخیر نندازد.

بعضی از زنان برای دست زدن و بازی کردن با آلت مرد، رغبتی ندارند چون چنین رفتاری را غیر زنانه، بچگانه، و یا کاری بد می دانند. آنها حتی ممکن است فکر کنند که هیچ مرد «واقعی» اجازه نمی دهد که اینگونه مورد «سوء استفاده» قرار بگیرد. اما بد نیست این دسته از زنان به یاد بیاورند که در طول تاریخ مردان برای دریافت چنین خدماتی به زنان تن فروش پول پرداخت کرده اند، و حتی امروز هم بسیاری از مراکز تن فروشی زنان، با ارائه این خدمات، به درآمدهای سرشاری دست می یابند.

همانطور که قبلاً گفته شد، محققان مدرن سکس، در ارزش مداوایی مقاربتهای جنسی دستی، شک و تردیدی ندارند، و بسیاری از درمانگران جنسی، در طول دوران مداوای بیماران خود، به آنها توصیه می کنند که آن را به کار گیرند. دلیل این راهنمایی ساده است: زن و مردی که یاد گرفته اند با به کارگیری دستهایشان به لذت دهی و لذت ستانی متقابل با هم بپردازند، معمولاً از توان و آمادگی خوبی جهت به کارگیری بهتر و مؤثرتر دیگر روشهای مقاربت جنسی برخوردارند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه

مقاربت جنسی دهانی

آمیزش جنسی دهانی (سکس دهانی) در اینجا به مفهوم تماس شهوانی بین اندامهای جنسی یک فرد با دهان



آمیزش جنسی دهانی
سفالهای پیش کلمبیایی
فرهنگ موجیکا - کشور پرو.

دیگری است. اندامهای جنسی و دهان دو منطقه بسیار حساس بدن هستند که به راحتی تحریک می شوند، و به این دلیل، به هم رساندن این دو در هنگام مراوده جنسی، کاملاً طبیعی است. درحقیقت، این رفتار تقریباً در همه پستانداران دیده می شود، و از نقطه نظر بیولوژیکی، دلیلی وجود ندارد که انسان به عنوان رشد یافته ترین و حساس ترین پستاندار، از این قاعده مستثنی باشد.

به هر حال، در گذشته، در بعضی از جوامع و دوره های تاریخی، سکس دهانی گناه، جرم، و بیماری محسوب می شد، و جفتهایی که به آن دست می زدند، به شدت تنبیه می شدند. علی رغم محکومیت مذهبی، قانونی و پزشکی، اما سکس دهانی همچنان به طور وسیعی در فرهنگ ما رواج داشته است. البته این امر تعجب آور نیست، چون این نوع سکس به ارضاء زن و مرد - هر دو - منجر می شود. به علاوه، سکس دهانی باعث آبیستی نمی شود و برای جفتهایی که مایل به پیشگیری از بارداری هستند، و برای این کار داروهای مناسبی نمی یابند، به عنوان یک عمل و راه حل طبیعی جلوه می کند.

جوانان و نوجوانان مجرد ممکن است از مزایای سکس دهانی، نه تنها در امر پیشگیری از بارداری، بلکه برای حفظ «یکارت» دختر هم، سود ببرند. پسران هم شاید به همان اندازه انزال در واژن، از ریختن «آب» خود در دهان دختر احساس لذت کنند. خلاصه اینکه، جفتهای زیادی، انواع و اشکال مختلف سکس دهانی را کشف و آنها را در جهت لذت و ارضاء جنسی خود به کار می گیرند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش دهانی

مکیدن (خوردن) آلت مرد (Fellatio)



آلت خوری
آلت مرد جوانی توسط زنی
خورده (مکیده) می شود.
(نقاشی گلدانی از عهد یونان
باستان)

لغت «فلاسیو»، از کلمه لاتین Fellare به معنی مکیدن گرفته شده، و برای توضیح عمل لیسیدن و مکیدن (خوردن) اندامهای جنسی مرد به کار برده می شود. بسیاری از مردان، از مکیده شدن آلت خود لذت می برند، و بسیاری از زنان هم از اینکه مردان خود را با این شیوه به ارگاسم برسانند، احساس لذت می کنند. اندامهای جنسی بیرونی مرد نسبت به تماس بسیار حساسند، و لبها، زبان و گرمی و رطوبت درون دهان زن، بیشترین تحریک لذتبخش جنسی را یکجا فراهم می آورند. درحقیقت، یک زن می تواند تنها با بوسیدن حاشیه های داخلی رانهای مرد، در نواحی نزدیک منتهی به آلت جنسی، و یا با لیسیدن تخمهایش، او را به شدت تحریک کند. زن، همچنین می تواند با استفاده از دهان خود، مثلاً با لیسیدن پرینه (ناحیه بین تخمها و مقعد) مرد، و یا حتی با لیسیدن مقعد مرد، او را تحریک و شهوتی کند.

زنی که می خواهد آلت مرد را بمکد، بهتر است از او بپرسد که کدام نوع و شکل «خوردن» را بهتر می پسندد. زن این را هم باید

درک کند که چه بسا به مقداری تمرین و ممارست نیاز دارد تا بتواند مرد را با کمک دهان خود به ارگاسم برساند. حرکت آرام اما محکم دهان و زبان معمولاً اثربخشی بهتری دارند. در عین حال، زن باید مواظب باشد که دندانهایش، در هیچ نقطه ای با آلت مرد در تماس قرار نگیرند. هنگامی که مرد به ارگاسم نزدیک می شود، بهتر است که زن حرکت خود را تندتر کند و ضمن مکیدن سر ذکر، با دهان خود، پایه آلت را هم به کمک یک یا هر دو دست خود، جلق بزند. با این همه، این امکان هم وجود دارد که زن ابتدا عمل مکیدن را برای تحریک و هوس کردن مرد انجام دهد و به محض شهوتی شدن مرد، او (زن) به دیگر انواع آمیزش جنسی با مرد، روی آورد. در اینجا، مثل همیشه، ترجیحات فردی یک جفت با هم، بهترین راهنمای عمل آنها می باشد.

همانطور که گفته شد، بسیاری از زنان از اینکه مرد در دهانشان به انزال برسد، لذت می برند، و حتی از مزه اسپرم هم خوششان می آید. اسپرم، ماده ای تمیز و بی خطر بوده و بدون هیچگونه اثر منفی، می تواند بلعیده شود. تنها استثنا، اسپرم مردی است که به بیماریهای انتقالی از راه آمیزش جنسی، دچار باشد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش دهانی

Cunnilinctus و مکیدن آلت زن



لغت «کونیلینکتوس»، از کلمه لاتین Cunnus به معنی فرج و Linguerه به معنی لیس زدن گرفته شده، و برای توضیح عمل لیسیدن و مکیدن اندامهای جنسی زن به کار برده می شود. (در فارسی عامیانه، کس خوری یا کس لیبی گفته می شود. م.) معمولاً آلت‌های جنسی بیرونی زن و نواحی اطراف آنها، حساس ترین نقاط بدن او هستند، و به راحتی با کمک نوازش ملایم یک دست یا بوسه هایی داغ و آرام، تحریک می شوند. به عبارتی، یک مرد می تواند تنها با لیسیدن نواحی داخلی رانها و یا پرینه (ناحیه بین آلت جنسی و مقعد)، و حتی خود مقعد زن، او را تحریک کند. مرد همچنین می تواند با کمک بوسیدن، لیسیدن و مکیدن لبهای کوچک فرج و بدنه چوچوله، درجه شهوت و هوس زن را دو چندان سازد.

در حقیقت، مرد با کمی تمرین و ممارست، قادر خواهد بود که با استفاده از همین روش گفته شده، زن را به ارگاسم برساند. مردی که به لیسیدن اندامهای جنسی زن می پردازد باید از او بپرسد که چه نوع لیسیدنی را بهتر می پسندد و بعد به توصیه های زن عمل کند. مرد حتی در شرایطی که مشکل نعوذ دارد، می تواند با حوصله، تنها با کمک همین شیوه نوازش و تحریک (سکس دهانی)، زن را به ارگاسم برساند. گاهی هم ممکن است که مرد سکس دهانی را به عنوان وسیله ای برای هوس و شهوتی کردن مقدماتی زن (و خود) به کار گیرد و بعداً به انواع دیگری از مقاربت جنسی رو آورد. با اوج گیری هوس جنسی و به اصطلاح عامیانه، با داغ شدن زن، واژن او مایع لزج خاصی ترشح می کند. در زنان سالم، این مایع لزج ترشح شده، کاملاً پاک و بی خطر است و می تواند بدون هیچ مشکلی بلعیده شود. تنها استثنا، مایع زنی است که به بیماریهای جنسی دچار باشد.

در سالهای اخیر صنایع مولد وسایل آرایشی، به تولید نوعی اسپری و شستشو دهنده خاصی به اسم «feminine hygine» و واژن شویبهای خوشبویی دست زده اند. این تولیدات مصنوعی ممکن است تعادل زیست محیطی واژن را به هم بریزند و اسباب حساسیت و عفونت شوند. به همین دلیل، بهتر است که زنان از کاربرد اینگونه وسایل بپرهیزند و تنها به شستن و تمیز کردن اندامهای جنسی خود با آب و صابون اکتفاء کنند. واژن، به کمک مایعی که ترشح می کند، خود را تمیز نگه می دارد. ترشحات غیر عادی، یا بوی نامطبوع واژن علایمی از ناسالم بودن محیط مهبل است و در این صورت زن بایستی با پزشک مشورت کند. بعضی از جفتها ممکن است در خلال عادت ماهانه زن، از عمل «خوردن فرج» بپرهیزند. این یک مسئله شخصی است. این نظر هم مطرح است که در مراحل نهایی آبستنی، مرد بایستی از لیسیدن و مکیدن واژن و نواحی آن

بپرهیزد، چون ممکن است هوا وارد واژن شده و سلامت زن و جنین را به خطر اندازد. درحقیقت برای هر نوع آمیزش جنسی در مراحل پایانی بارداری، جانب احتیاط باید رعایت شود.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: سکس دهانی «69»



شمای کوچک چینی
سلسله کیونگ، اواخر قرن نوزدهم.
موزه سکس چین، تونگلی.

اصطلاح عامیانه انگلیسی 69 (فرانسوی – Soixante-neuf) برای توضیح حالتی از آمیزش جنسی به کار برده می شود که در آن یک جفت به طور همزمان به لیسیدن و مکیدن آلت‌های جنسی همدیگر می پردازند. در چنین وضعیتی، بدنهای آنها نسبت به هم به حالت اعداد شصت و نه (69 انگلیسی) قرار می گیرند.

دست زدن به آمیزش دهانی متقابل و همزمان، می تواند برای هر دو طرف، عمل بسیار لذت آوری باشد، و مسلماً می تواند به ارگاسم هم بیانجامد. ولی عموماً اکثر زنان و مردان، آن را فقط جهت تحریک و شهوتی کردن همدیگر به کار می گیرند و بعداً به انواع دیگر آمیزش جنسی رو می آورند، چون ممکن است نگره داشتن تعادل بدنی نسبت به هم در حالت نامعمول شصت و نه، به مدت طولانی برایشان مشکل باشد. البته می توان وضعیت قرار گرفتن را تغییر داد؛ مثلاً می توان به حالت عکس رو به روی هم خوابیدن را

با حالت عکس روی همدیگر خوابیدن (افتادن) عوض کرد؛ اما باز در این حالت شاید فقط یکی از آنها بتواند به ارگاسم برسد. در این صورت، شاید بهتر آن باشد که آمیزش جنسی خود را به شکل دیگری ادامه دهند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: سکس دهانی شرط احتیاط



خطر اچ.آی.وی / ایدز
شرکای جنسی تصادفی ممکن است بدون آنکه خود بدانند، به اچ.آی.وی / ایدز مبتلا باشند. به این خاطر، سکس دهانی با آنها با خطر ابتلاء به عفونت، بخصوص برای طرفی که اسپرم، ترشحات واژنی، خون قاعدگی، یا هر مایع دیگر بدنی را می بلعد، همراه است. با تشکر از BZgA کلن - آلمان.

با توجه به شیوع اچ.آی.وی. / ایدز، و گسترش بیماریهای مقاربتی در جهان، زنان و مردان، هر دو، باید خطر سرایت عفونت از طریق مقاربت دهانی با افراد ناشناس و تازه آشنا را جدی بگیرند. حتی چنانچه شرکای جنسی آشنا هم، با افراد ناشناس و یا مبتلا، به آمیزش جنسی دست بزنند، و بعداً شریک جنسی رسمی آنها، اسپرم آلوده، ترشحات واژنی، خون قاعدگی، یا هر مایع دیگر بدنشان را بلعد، آنوقت طرف را به بیماری مبتلا می کنند. خطر انتقال اچ.آی.وی. / ایدز از طریق سکس دهانی چندان زیاد نیست، اما به هر حال وجود دارد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه

آمیزش جنسی آلتی

در اینجا، آمیزش جنسی آلتی به معنای تماس شهوانی بین اندامهای جنسی دو فرد می باشد. اندامهای جنسی، حساس ترین نقاط شهوانی در بدن انسان می باشند، و به همین دلیل، از بین انواع آمیزشهای جنسی، اکثریت بزرگی از زنان و مردان، آمیزش جنسی آلتی را ترجیح می دهند. علاوه بر آن، از جهت ساختاری (آناتومی) هم، واژن و ذکر به راحتی به هم متصل می شوند. در واقع، در طول بخش بزرگی از تاریخ بشر، همین نوع اتصال و جماع (به لاتین Copulation) بین اندامهای زن و مرد بوده که زایش و تسلسل نسلها را امکانپذیر کرده است.



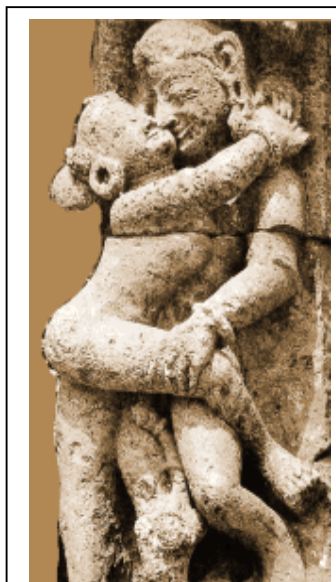
اهمیت معنوی دخول واژنی
تصویر ارونتیکی بودا
سلسله کیونگ، چین
(1911 - 1644 بعد از میلاد)
موزه سکس چین، تونگی.

(البته امروزه، یک زن می تواند به کمک لقاح مصنوعی هم آبستن شود.) در فرهنگ یهودی - مسیحی غربی، سکس به طور سنتی به هدف تولید مثل، ربط داده شده است. در نتیجه، به هم رسیدن و جماع واژن و ذکر، به عنوان تنها نوع طبیعی آمیزش جنسی معرفی می شد. گاهی، تحریک دستی و دهانی به شرطی مجاز شمرده می شد که دو طرف آن را به قصد اتمام کار با دخول واژنی، انجام می دادند. بدون چنین قصدی، این نوع مقاربت (دستی و دهانی)، گناه محسوب می شد. به علاوه، در اغلب کشورهای غربی، گناه، تحت عنوان جرم مجازاتی هم در بر داشت، و در قرن نوزدهم، روانپزشکان، گناه را به بیماری و اختلال روانی فرا رویانندند. با این وجود، تعداد هر چه بیشتری از روانپزشکان، فرضیات کلی و بلامنازع درباره هدف رفتارهای جنسی را مورد سؤال قرار دادند. و در نتیجه، امروزه، با خودارضایی و سکس دهانی به عنوان رفتارهایی سالم و دارای اثر درمانی مثبت، برخورد می شود. بر اساس این دیدگاه نسبت به جنسیت بشر، مقاربت و آمیزشهای جنسی غیر دخول واژنی، به خودی خود، و تا زمانی که به ارضاء طرفهای درگیر می انجامند، نباید اسباب نگرانی کسی شوند. البته، دلالتی وجود دارند که باور کنیم که آمیزش واژنی، هیچوقت محبوبیت خود را از دست نخواهد داد. در گذشته، این نوع آمیزش جنسی بر دیگر انواع ترجیح داده شده، و مسلماً در آینده هم چنین خواهد بود.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی

مالش اندامهای جنسی به هم



هماغوشی عاشقانه یک جفت
معبد هندویی در خاجورا، در
نواحی مرکزی هند.

وقتی که جوانان (teenagers) مجرد، دست زدن به مقاربت جنسی را شروع می کنند، آنها اغلب از فرو کردن ذکر خود در واژن دختر می پرهیزند، چون یا از بارداری ناخواسته می ترسند و یا به این خاطر که دختر می خواهد «باکرگی» خود را حفظ کند. اما از آنجا که پسرها در چنین مواقع عشق ورزی معمولاً به شدت تحریک می شوند، گاهی دختران به آنها اجازه می دهند که از طریق «لاس زندهای شدید» به ارگاسم برسند. مثلاً، دختری که خود زیاد شهوتی نشده باشد اما به پسر اجازه دهد که با لباس روی او خوابیده و ادای حرکات دخول واژنی را در آورد. اغلب پسران به راحتی از این طریق به ارگاسم می رسند، و در بین خودشان، این عمل را «dry humping» («جماع خشک») می نامند. دوست دختر، به مرور اجازه بیشتری به آنها می دهد. در نتیجه، آنها ممکن است تمام یا بیشتر

لباسهای خود را در آورند، و در آخر، شاید هم جفتها تصمیم بگیرند که در حین عمل کاملاً لخت شوند. با این وجود، ممکن است دختر همچنان از آبیستن شدن و یا از دست دادن هیمن (پرده بکارت) خود واهمه داشته باشد. او شاید از خونریزی، درد، و یا ابتلا به بیماریهای مقاربتی هم بترسد. با این حال، او ممکن است با رضایت خاطر به دوست پسرش اجازه دهد که ذکر خود را روی فرجش بمالد، اما به شرطی که سعی نکند آن را به داخل فشار دهد. چنین تماسی بین اندامهای جنسی فرد مذکر و مؤنث می تواند برای هر دوی آنها لذتبخش باشد، و با کمی تمرین و ممارست، ممکن است هر دو موفق شوند که با استفاده از همین تکنیک، به ارگاسم برسند. چون در این روش، ذکر به طور مستقیم تحریک می شود، و درحالیکه به نواحی و قسمتهای خاصی از فرج فشار وارد می کند، می تواند به طور غیر مستقیم کلیتوریس حساس، و لبهای کوچک فرج را مالیده و تحریک کند. حتی جفتهایی که به دخول واژنی می پردازند هم، می توانند گاهی از همین شیوه آمیزش جنسی (مالش آلتهاى جنسی به هم) لذت ببرند. بخصوص در مواقعی که اندامهای جنسی داخلی زن به خاطر بیماری و یا جراحات، بسیار حساس شده باشند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی آمیزش واژنی

واژه "coitus" and "coition" از لغت لاتین Coire به معنی با هم رفتن، مشتق شده، و به دخول ذکر



هیروگلیف قدیمی مصری
شامل سمبل اندامهای جنسی زن و
مرد و مفهوم مقاربت واژنی

در واژن دلالت می کند. این احتمالاً شایع ترین نوع مقاربت جنسی است، و تنها نوع آمیزش جنسی است که می تواند به انعقاد نطفه بیانجامد. جوامعی وجود داشته اند که تماس جنسی بین زن و مرد را صرفاً به مقاربت واژنی (دخول واژنی)، بدون هرگونه مقدمه چینی کم و زیادی، محدود کرده اند. اینگونه جوامع معمولاً روی بازده تولید مثلی سکس تأکید زیادی داشته و هر نوع لذت جنسی، بخصوص برای زنان را، مردود می شمرده اند.

درواقع، حتی در فرهنگ امروزی خود ما (در غرب) هم هنوز مردانی وجود دارند که فقط به الحاق ذکر و واژن به هم، علاقه

مندند و هر گونه عشق ورزی و آماده سازی اولیه برایشان مضحک و بی معنی است. ضمناً، مقاربت واژنی آنها هم ممکن است بیش از چند ثانیه طول نکشد. و در نتیجه، این افراد به جز ارگاسم سریع هیچگونه لذت جنسی دیگری تجربه نمی کنند. از طرفی دیگر، شریک مؤنث آنها کاملاً محروم باقی می ماند. البته جفتهایی هم هستند که مقاربت جنسی خود را آرام و مفصل به صورت یک آئین و آداب در می آورند، و به مقاربت واژنی به عنوان تنها یکی از انواع راههای به ارضاء رساندن همدیگر، می نگرند، و هنگامی که به آمیزش جنسی با هم روی می آورند، چه بسا تا ساعتها آن را ادامه دهند. در دهه های اخیر، تولید وسایل قابل اطمینان پیشگیری از بارداری، زنان و مردان را از ترس بارداریهای ناخواسته رها نیده است. همین به نوبه خود به افزایش لذت آنها از مقاربت واژنی منجر شده است.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی مقاربت واژنی

اولین مقاربت واژنی

شروع مقاربت واژنی آسان است اما، همچون در دیگر انواع آمیزش جنسی، رضایت مندی کامل طرفین در آن، در نتیجه تمرین و ممارست حاصل می شود. افراد جوان، اغلب توقعات بسیار زیاد و خیلی سریعی دارند. بیشتر دختران و پسران، مدتها قبل از اولین مقاربت واژنی خود، به فکر و خیال آن بوده و حتی درباره آن صحبت می کنند، و امیدها، واهمه ها، و رؤیاهایشان، می تواند تجربه واقعی و عملی آنها را به ضد خود تبدیل کند. یک مثال خوب در این مورد، اهمیت و جایگاهی است که به پاره شدن پرده بکارت دختر داده می شود. پرده بکارت ممکن است بر اثر استفاده از تامپون، با خودارضایی، یا در نتیجه ورزشهای اندامی خاصی، پاره شود. با این همه، در اغلب دختران، تا آن لحظه ای که ذکری به واژن فرو شود، صدمه ندیده باقی می ماند.

بسیاری از نوجوانان و جوانان درباره همین لحظه دارای افکار و ایده های اغراق آمیز و غیر واقعی می باشند، و حتی چه بسا از سالها قبل به آن فکر کنند و نگران آن باشند. مثلاً پسری ممکن است نگران این باشد که آیا آلتش آنچنان سفت خواهد شد که بتواند پرده بکارت را پاره کند یا نه، یا دختری ممکن است فکر کند که چنین کاری دردآور بوده و از جهت فیزیکی به او صدمه خواهد زد. ولی، هیچکدام از این نگرانیها واقعی نیستند. دلیلی برای تند رفتن مردان وجود ندارد چون پرده بکارت معمولاً به آسانی و به راحتی پاره می شود. در واقع نزدیکی قدم به قدم، آهسته و آرام بهتر از هر چیزی است. دختران ممکن است ناراحتی خفیفی حس کنند و مقدار کمی خونریزی داشته باشند، اما ترس از درد غیر ضروری است. تنها در موارد بسیار نادری، ضخامت پرده بکارت از پاره شدن آن جلوگیری می کند. در چنین حالتی، پزشک به راحتی می تواند با یک عمل ساده جراحی در مطب خود، مشکل را حل کند.



انواع مختلف پرده بکارت (هیمن)

پرده بکارت از دختری به دختری دیگر فرق می کند. پرده بکارت ممکن است تقریباً به طور کامل در ورودی واژن را ببندد، یا ممکن است دارای چندین سوراخ کوچک باشد، و یا حتی شاید سوراخ بزرگی در وسط داشته باشد. در حالت اخیر، شاید پاره شده به نظر بیاید در حالی که واقعاً دست نخورده باقی است.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی

مقاربت مهبل (دخول واژنی)

تکنیک آمیزش مهبل 1

در کل، به جفتها توصیه می شود که آمیزش مهبل را با عجله و بدون مقدمه شروع نکنند، بلکه با صرف وقت کافی، قدم به قدم و آگاهانه به سمت آن بروند. برای نمونه، آنها ممکن است ابتدا دست زدن به آمیزش جنسی دستی و یا دهانی را مفید ببینند. شاید زن به این طریق، حتی قبل از مقاربت واژنی، یک تا چندین ارگاسم را هم تجربه کند. به هر رو، باید زمانی برای مقاربت واژنی (دخول) اقدام کرد که مهبل به اندازه کافی مایع لزج کننده ترشح کرده و خیس شده باشد. بدون این مایع لزج کننده، دخول ذکر می تواند برای هر دو دردناک باشد. (تنها همراه با بالا رفتن سن است که لزج شدن طبیعی واژن در برخی از زنان کاهش می یابد. این حالت را معمولاً می توان به کمک هورمون درمانی برطرف نمود. حتی در بازار کاندومهای لزج شده ای یافت می شوند که در اینگونه مواقع به درد می خورند. ولی، لزج کننده هایی همچون وازلین که در آمیزش دستی می تواند مورد استفاده قرار گیرد را نباید در واژن به کار برد.) وقتی واژن به اندازه کافی خیس و لزج شد، آنگاه مرد می تواند آرام و قدم به قدم، نکر خود را به درون آن فرو کند. نیازی به فرو کردن عمقی در همان لحظه اول وجود ندارد، چون علی رغم هیجان جنسی زن در آن لحظه، باز ممکن است که او هنوز به طور کمال آماده نشده باشد. در چنین وضعیتی، معمولاً مرد می تواند با آهسته عقب - جلو کردن سر آلت خود در همان درگاه ورودی واژن، به آماده شدن زن کمک کند. بعداً، وقتی که بیشتر خوشش آمد، آنوقت خودش می تواند با فشار لگن خاصره خود، دخول را عمقی تر کند. فشار لگن خاصره و عقب - جلو کردن آن در هنگام مقاربت جنسی در همه پستانداران به صورت «طبیعی» انجام می گیرد. این را حتی در نوزادان هم، هنگامی که آنها واکنش



مقاربت واژنی از پشت
مجسمه ای سفالین، منطقه وارنا،
مجارستان. حوالی 2000 سال پیش از
میلاد.

جنسی بدن خود را کشف می کنند، می توان مشاهده کرد. البته، علی رغم غریزه ای بودن این عمل، عشق و رزان با تجربه می توانند تا حدود زیادی آن را به صورت باز هم بهتری انجام دهند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

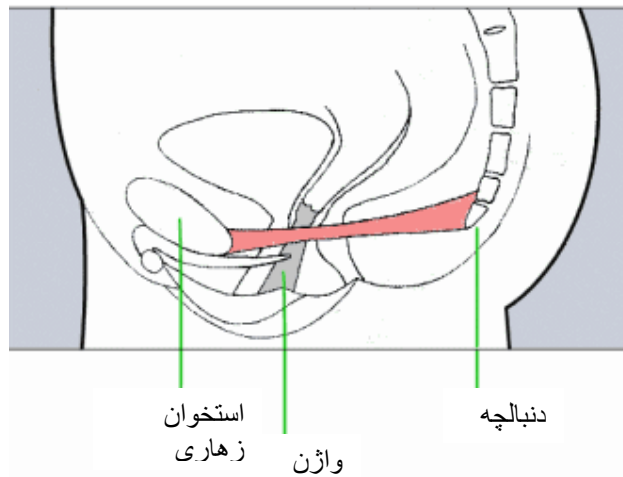
2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی

مقاربت مهبل

تکنیک آمیزش مهبل 2

مردان کم تجربه بر این تصورند که عقب- جلو کردنهای یکنواخت، عمیق، و سریع، مؤثرترین و بهترین روش است. اما در عالم واقع، این تصور به ندرت صدق می کند؛ بخصوص در شروع آمیزش واژنی، یک مرد می تواند به کمک حرکات آرام دخول و خروج سطحی، در همان درگاه ورودی واژن، لذت زیادی نصیب خود و طرف مقابل بکند. درحقیقت مرد می تواند با واگذاری ابتکار عمل به زن در شروع کار، چیزهای زیادی یاد بگیرد. زن، اغلب اوقات، حرکات آهسته تنظیم شده ای که طی آنها، سر ذکر در درگاه ورودی واژن عقب-جلو می شود را، ترجیح می دهد. دلیل این امر ساده است: با افزایش هیجان زن، قسمت داخلی واژن فراخ تر می شود و همزمان با آن قسمت نزدیک به در ورودی، تنگتر می شود؛ چون از خون مشحون می گردد. به عبارت دیگر، همین قسمت پرخون و تنگ شده واژن (معروف به پلاتفرم ارگاسم زا) است که بیشترین ماساژ و تحریک بر روی ذکر مرد را انجام می دهد. این را هم باید اضافه نمود که بسیاری از زنان به تجربه می آموزند که ماهیچه های داخلی محاط به قسمت ورودی واژن را به خوبی کنترل کنند. پس، آنها ذکر را حسابی در بر می گیرند و از این طریق تحریک و لذت جنسی بیشتری را برای هر دو طرف، فراهم می آورند. (زنانی که ورودی واژنشان شل است، یا از ماهیچه های واژن بی اطلاعند، یا فکر می کنند که این ماهیچه ها چندان رشد یافته نیستند، می توانند با تمرینات خاصی، از جمله تمرینات کیگل، وضعیت خود را بهبود بخشند.)

The pubococcygeus (ماهیچه پی سی)



انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی

مقاربت مهبل



آمیزش مهبل در حالت نشسته
نقش روی ظرف چینی کوچکی، مردی را در حال انجام آمیزش مهبل از پشت، نشان می دهد. سلسله کوئینگ، اواخر قرن نوزدهم. موزه سکس چین، تونگلی

تکنیک آمیزش مهبل 3

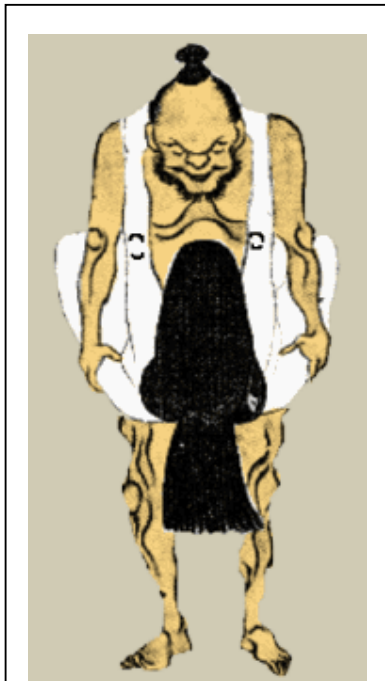
در ادامه مقاربت مهبل، زن و مرد معمولاً حرکات لگن خاصره خود را افزایش داده و به دخول هرچه عمقی تر مهبل رو می آورند. گاهی فقط یکی از آنها این حرکات را انجام می دهد و دیگری بدون حرکت باقی می ماند، و گاهی هم، هر دو به صورت هماهنگ با هم حرکت می کنند. به علاوه، در حین حرکات، آنها ممکن است شدت عمل خود را از دخول عمقی به رفت و برگشت سطحی و بالعکس، تغییر دهند، و شاید هم به کمک حرکات باسنی، ذکر مرد را در عمق مهبل، دایره وار به صورت عقب - جلو بگردانند. یک جفت تنها به کمک تجربه می آموزد که چگونه در آمیزش واژنی، بهترین لذتها را نصیب خود کند.

معمولاً چنانچه دو نفر نسبت به واکنشهای همدیگر حساس باشند، خیلی زود یاد می گیرند که چگونه همدیگر را ارضاء کنند. به هر حال، آمیزش مهبل، کنکاش و داد و ستدی است بین دو فرد، و هیچ مشاوره فنی نمی تواند به اندازه رابطه مستقیم و رو در روی خودشان، به آنها کمک کند. به ویژه زن، هیچگاه نباید از گفتن اینکه دقیقاً از چه چیزی خوشش می آید و به چه شکلی دوست دارد تحریک و نوازش شود، واهمه داشته باشد. زن این را هم باید بداند که وقتی خودش را تسلیم احساساتش می کند، در واقع به سود هر دو طرف عمل کرده است. مرد ممکن است سعی به کنترل انزال خود بکند، در حالیکه زن نیازی به این کار ندارد، چون تا زمانی که مرد قادر به حفظ نعوذ خود باشد، زن می تواند همچنان به ارگاسم برسد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی

مقاربت مهبل



مقاربت مهبل (حالت ایستاده)
نقاشی مزاحی روی پرده ابریشمی توسط هنرمند بزرگ ژاپنی کاتوشیکا هوکوسای (1849 - 1760)

تکنیک آمیزش مهبل 4

متأسفانه، بسیاری از مردان و زنان، با تمرکز بیش از اندازه حواس خود بر ارگاسم، لذت آمیزش مهبل را فرو می کاهند. مردان به رسیدن نسبتاً سریع خود به ارگاسم واقفند، و از این واهمه دارند که مبدا قبل از ارضاء شدن زن به انزال برسند. در مقابل، زنان نگران این می شوند که مبدا دیر به ارگاسم برسند، یا کلاً ارگاسم به آنها دست ندهد. لازم به گفتن نیست که چنین دلواپسیهای پنهانی، به طور جدی بر رابطه یک جفت تأثیر می گذارند، و حتی عملکرد جنسی عادی آنها را غیر ممکن می سازند.

اینطور به نظر می رسد که چنانچه دو نفر حواس خود را بیشتر بر نفس پروسه مقاربت مهبل متمرکز کنند تا نتیجه احتمالی آن، آنوقت جفتهای بیشتری به نتایج جنسی رضایتبخشی دست خواهند یافت.

اصولاً چنین قانونی که بگوید هدف هر مقاربت جنسی، رسیدن به ارگاسم می باشد، وجود ندارد. تا آنجا که به عشق

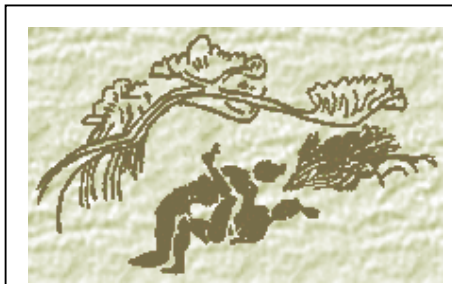
ورزی مربوط می شود، افراد با تعیین هدف نهایی، در واقع کمکی به خود نمی کنند. نه «اوج» یا «موفقیت» نهایی، بلکه تجربه مشترک لذت فیزیکی است که مقاربت مهبل را ارزشمند می سازد. بنابراین، برای عشاق مجرب، بناسازی هنرمندانه شور و شر، کشش و هیجان، هوس و خواهش، و شهوت و لذت، در تار و پود جان و روان و بدن همدیگر، بیشتر مهم است تا خلاص شدن نهایی. ارگاسم، جایزه ای نیست که باید برایش جنگید و آن را به چنگ آورد، بلکه خیلی ساده، چیزی است که در اوج تحریک و شهوت جنسی، به طور غیر ارادی اتفاق می افتد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی آمیزش مهبل

تکنیک آمیزش مهبل 5

در بعضی از کتابهای راهنمای زناشویی قدیمی، نه تنها به جفتها پند و اندرز داده می شد که برای رسیدن به ارگاسم تلاش کنند بلکه از آنها هم خواسته می شد که به طور همزمان به ارگاسم برسند. و تجربه خلسه و نشئه بی نظیری به عنوان پاداش کار، به آنها وعده داده می شد. در عمل، ضرر این راهنمایی بیشتر از فایده آن بود، و فهم آن هم چندان دشوار نیست؛ چون اولاً، نه بر روند فعالیت جنسی، بلکه بر نتیجه آن تأکید می کند. دوم اینکه، به هر دو طرف فشار می آورد که روش حساب شده ای را در پیش بگیرند تا کنترل خود را از دست ندهند. اغلب چنین رفتاری، در کل مانع رسیدنشان به ارگاسم می شد. و آخر اینکه، باعث می گردید که آن دسته از زنان و مردانی که موفق به همزمان کردن ارگاسم خود نمی شدند، احساس بی کفایتی کنند. جای بسی خوشحالی است



جفتی در حال مقاربت مهبل
مجسمه سنگی، سلسله هان شرقی، قرن اول بعد از میلاد، موزه سکس چین، تونگی

که این نوع نگاه و رهیافت به مقاربت مهبل، مدتهاست که از مد افتاده است. در عین حال، اغلب «متخصصان سکس» بیشتر واقع گرا شده، و اعتراف می کنند که: ارگاسم همزمان دلیلی بر وجود یک رابطه بی عیب و نقص نمی باشد. در واقع امروزه، این باور هرچه عمومی تر و جا افتاده تر می شود که نگرانی در مسئله ارگاسم را کلاً باید کنار نهاد. در عوض، جفتها می آموزند که هر لحظه همآغوشی با هم را، فی النفسه ارج نهند و مزه کنند، بدون آنکه در پی رسیدن به جایی، یا اثبات چیزی باشند. طنز اینجاست که همین عشق ورزی تقریبی و خالی از توقع، عمیق ترین رضایت عاطفی - روانی را به همراه می آورد. این روش، اغلب به باز شدن گره پاسخدهی جنسی سرکوب شده کمک می کند، و در نتیجه به افزایش توان اروتیکی فرد کمک می کند، و این خود به خود به ارگاسم بیشتر می انجامد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی آمیزش مهبل

تکنیک آمیزش مهبل 6

در گذشته، بعضی از فرهنگهای پوریتانی مسیحی (مذهب پروتستان یکی از دو شاخه مسیحیت، و پوریتانیسم شعبه ای از مذهب پروتستان می باشد، که پیروان آن بیشتر خشکه مقدس و مذهبی می باشند. م.) از مذهبیون توقع داشتند که مقاربت مهبل را فقط به یک شکل خاصی انجام دهند: به صورت رو در رو؛ یعنی زن روی کمر دراز می کشد و مرد روی او می خوابد. («کفار و مشرکین» آفریقایی، آسیایی و مردمان جزائر واقع در دریای آرام، که کمتر احساسات خود را سرکوب می کردند، با «موضع مبلغ» (حالت میسیونری) خواندن این روش مقاربت، آن را به سخره می گرفتند.) به هر حال، با افزایش داد و ستد فرهنگها در قرن نوزدهم، اروپائیان و آمریکائیان متوجه شدند که رویکرد آنها به سکس، خشک و انعطاف ناپذیر می باشد، و در پی یافتن روشهای مقاربت مهبل جالبتر و مهیج تر، به جستجو در نقاشیهای روی گلدانهای به جا مانده از

دوران یونان باستان، دیوارهای روم قدیم، پرده های چینی، چوب بریهای ژاپنی، و راهنماهای عشقی هندی، روی آوردند. آنها با نتایج و کشفهایی که به دست آوردند، به این نتیجه رسیدند که رازهای سالها گم شده یک رابطه جنسی اصیل و حقیقی را پیدا کرده اند.



شرق و غرب

این نقاشی قرن هیجده هندی، زنی هندی و مردی اروپایی را در حال مقاربت مهبلی به حالت میسیونری نشان می دهد.

به هر حال، هرچند که بدون شک، تکرار و انعطاف ناپذیر بودن در مسائل جنسی چیز خوبی نیست، ولی، نه سحر و شعبده ای، و نه چیزی به عنوان بهترین روش، و یا حتی شیوه ای «طبیعی» یا «نرمال» برای عمل مقاربت مهبلی وجود ندارد.

کلاً، جفتهای دارای تخیلات قوی، که در پی ارضاء امیال جنسی خود می باشند، برخوردارها، رهیافتهای و تکنیکهای خود را بنا به شرایط و موقعیت، عوض می کنند، و به این طریق، پیوسته روشهای جدیدی را برای مقاربت مهبلی خود یاد می گیرند. تشریح جزئیات این روشها در اینجا، غیر ضروری است، و چه بسا مضر هم باشد چون به ترویج دیدگاهی مکانیکی از مقاربت مهبلی مساعدت می کند.

درحقیقت، کلاً مطرح کردن روش ویژه و خاصی برای آمیزش مهبلی، عاقلانه نیست. مقاربت واژنی همیشه به صورت حرکتی موجدار است که در طی آن، اغلب جفتهای، به طور ناخودآگاه و بدون برنامه قبلی، روشی را به روشی دیگر تغییر می دهند. فایده ای ندارد که بخواهیم ده، دوازده، بیست (یا بیشتر) روش مقاربت مهبلی خاصی را برشمرده و به هر کدام معنی خاصی نسبت دهیم. البته می توان در بین چند نوع اولیه اشکال آمیزش مهبلی، تفاوتی قائل شد، اما تعداد آنها جداً محدود است: جفتهای ممکن است به حالت ایستاده، نشسته، دراز کشیده و یا رو به روی هم باشند؛ ممکن است زن پشتش به مرد باشد، یکی از دو نفر در بالا قرار بگیرد، یا اینکه ممکن است هر دو به پهلو دراز کشیده باشند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی آمیزش مهبلی

تکنیک آمیزش مهبلی 7

زمانی، چنین باوری وجود داشت که روش خاصی از آمیزش مهبلی، اثر بهتری دارد چون این امکان را به مرد می دهد که ضمن جلو – عقب رفتنهای خود، به طور همزمان کلیتوریس زن را هم با آلت خود مالش دهد و تحریک کند. در عین حال روشهایی از مقاربت مهبلی هم، به این علت که واژن را تحریک نشده باقی می گذارند، کم ارزش شمرده می شدند. تحقیقات مدرن در عرصه سکس، هر دو تصور را اشتباه می دانند. چون، با تحریک شدن زن و افزایش هوس و شهوت او، کلیتوریس به زیر غلاف خود می خزد و در نتیجه برای هر نوع مالش و تحریک مستقیم، غیر قابل دسترس می گردد.



جفتی در حال شروع مقاربت مهبلی
نقاشی روی گلدانی از دوران یونان باستان
موزه های دولتی برلین - SPK

ولی، به وسیله حرکات غلاف خودش که از رفت و برگشت لبهای کوچک (داخلی) مهبل که از جلو - عقب رفتنهای ذکر مرد در داخل واژن ناشی می شود، به طور غیر مستقیم، مالش و تحریک می شود. این تحریک غیر مستقیم، تقریباً همیشه تضمین شده است. فرقی هم نمی کند که ذکر در چه حالت و روشی، و از کدام زاویه به مهبل فرو شود. با این همه، روشی وجود دارد که بسیاری از زنها آن را بسیار رضایتبخش می یابند، چون در این روش، حرکات دخول مهبل به طور دربست در اختیار خودشان قرار می گیرد: درحالیکه مرد به صورتی منفعلانه روی کمر خوابیده، زن روی آلت او سوار شده (نشسته) و با بالا- پائین رفتنهای خود، شدت و حدت عمل را در اختیار می گیرد. این روش، در بین یونانیان باستان و رومیان قدیمی محبوبیت داشت، و در واقع، حالت «نرمال» تلقی می گردید. این روش، امروزه هم، توسط درمانگران جنسی پیشنهاد می شود، چون در غلبه بر نارسائیهای جنسی، به زنان و مردان کمک می کند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی آمیزش مهبل

تکنیک آمیزش مهبل 8



موقعیت بهتر برای آبستنی
چون این روش مقاربت امکان انزال در نزدیکی رحم را فراهم می آورد، در نتیجه شانس بهتری برای لقاح بوجود می آورد.

زنانی هم هستند که ترجیح می دهند به صورت منفعل روی کمر خوابیده و وزن مرد را بر روی خود حس کنند. برای این دسته از زنان، حالت میسیونری (مرد در بالای زن و رو به روی او) لذت بیشتری دارد. به علاوه، اگر در این روش، آنها پاهای خود را هم خم کنند، آنوقت این امکان را برای آلت مرد فراهم می آورند که به حداکثر عمق ممکن نفوذ کند و در نتیجه، شانس بهتری برای آبستنی فراهم می شود. (اسپرم انزال شده، در نزدیکی گردنه رحم، به اصطلاح استخر اسپرم ایجاد می کند، و زن با باقی ماندن روی کمر مدتی بعد از اتمام مقاربت، امکان لقاح را افزایش می دهد.) از این گذشته، خود دخول بسیار عمیق ممکن است برای زنانی لذتبخش باشد و در نتیجه آنها در شروع مقاربت جنسی خود به خود به روشی قرار می گیرند که امکان دخول عمقی را فراهم می آورد. در آخر این را هم باید اضافه کرد که راحتترین روش مقاربت برای افراد چاق یا دارای ضعف، روش به پهلو دراز کشیدن می باشد. در واقع، برای این دسته از افراد، ورود از پشت کم دردسرتترین راه است. این روش طبیعتاً برای زنان آبستن هم مناسب می باشد.

طبیعتاً برای زنان آبستن هم مناسب می باشد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش مهبل شرط احتیاط



خطر اچ.ای.وی/ایدز
شرکای جنسی تصادفی ممکن است بدون آنکه خود بدانند، به اچ.ای.وی. / ایدز مبتلا باشند. به این خاطر، سکس مهبل با آنها، با خطر ابتلاء به عفونت، بخصوص برای طرف «دریافت کننده» همراه است. با تشکر از BZgA کلن - آلمان.

با توجه به شیوع اچ.ای.وی. / ایدز، و گسترش بیماریهای مقاربتی در جهان، زنان و مردان، هر دو، باید خطر سرایت عفونت از طریق آمیزش مهبل با افراد ناشناس و تازه آشنا را جدی بگیرند. حتی چنانچه شرکای جنسی آشنا هم، به آمیزش جنسی با افراد ناشناس و یا آلوده دست بزنند، ممکن است ناخودآگاه آلوده شوند. خطر بیشتر متوجه زنی است که اسپرم آلوده دریافت می کند. (این از جمله بدان معنا است که زنان تن فروش بیشتر در معرض ابتلا به بیماریهای مقاربتی از طریق مشتریان مرد خود هستند تا بالعکس.) مرد با خطر کمتری از ابتلا به بیماریهای مقاربتی از طریق مایع آلوده شده واژن، یا خون قاعدگی مواجه است، اما به هر حال، توصیه می شود که از کاندوم استفاده کنند.

در سطح جهان، آمیزش مهبل، اصلی ترین راه انتقال اچ.آی.وی. / ایدز می باشد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی 2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه آمیزش مقعدی

مقاربت مقعدی دگرجنسگرایانه، در اینجا، به معنای تماس جنسی بین آلت مرد و مقعد زن می باشد. در



نقاشی روی گلدانی از عهد یونان باستان.

اکثر افراد، مقعد، نسبت به تماس، بسیار حساس می باشد، و درواقع، یکی از حساس ترین محرکهای جنسی است. بنابراین، تعجبی ندارد که بسیاری از افراد در خلال فعالیت جنسی خود، به یک شکلی از تحریک مقعدشان لذت می برند. برای مثال، آنها ممکن است در خلال استمناء، انگشتانشان یا شیئی استوانه ای شکل را، در مقعد خود فرو کنند، یا شاید از بازی با مقعدشان همزمان با مقاربت دهانی و یا آلتی، لذت ببرند. بعضی از زنان و مردان دوست دارند که شریک جنسیشان، مقعدشان را ببوسد و بلیسد. در زبان تخصصی، این عمل **anilingus** (مقعد لیبسی- کون لیبسی / کون خوری) نامیده می شود. (از لاتین anus به معنی دهانه روده و **linguere** به معنی لیسیدن، گرفته شده است.)

به هر حال، بدون تمیزی در حد وسواس، این کار در مواردی می تواند باعث ابتلا به هیپاتیت (یرقان) و دیگر بیماریهای جنسی شود. در آخر، این را هم باید اضافه نمود که بعضی از مردان از گذاشتن آلت خود در بین لمبرهای زن و حرکت به جلو - عقب، تا رسیدن به ارگاسم لذت می برند. هر چند که در این حالت هیچگونه دخولی صورت نمی گیرد، اما با این وجود زن هم ممکن است از آن لذت ببرد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی 2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش مقعدی دلایل آمیزش مقعدی

هرچند که مقاربت مقعدی در بین دگرجنسگرایان عمل روزمره ای نیست، اما برخلاف آنچه که اغلب تصور می شود، چندان نادر هم نمی باشد. بسته به پس زمینه فرهنگی افراد، دگرجنسگرایان به سه دلیل به آمیزش مقعدی دست می زنند:

1. حفظ «باکرگی» دختر،
2. پیشگیری از بارداری،
3. به خاطر تنوع اروتنیکی صرف.

البته گاهی هم معجونی از این دلایل، در این امر دخیلند.

- اولین دلیل، به احتمالی، برای بسیاری از جفتها در جوامع «سنتی» که آمیزش جنسی بین افراد مجرد را محکوم می کنند، سرنوشت ساز است. چون این جوامع اصرار می ورزند که دختران هنگام ازدواج باید باکره باشند و به این طریق دست نخوردگی و «بی گناهی» خود را ثابت کنند. پس برای جفتهای غیر متأهل، آمیزش مقعدی، مشخصاً یک گزینه قطعی است.

- دلیل دوم، به احتمال قوی برای جوامع و موقعیتهایی است که وسایل پیشگیری از بارداری در دسترس نمی باشد. در چنین شرایطی، ممکن است دو نفر، آمیزش مقعدی را به عنوان آلترناتیوی در برابر آمیزش مهبل، قلمداد کنند، چون باعث آبستنی نمی شود.

- دلیل سوم، شاید برای جفتهایی که حالت‌های مختلف عشق ورزی را آزمایش می‌کنند، و می‌خواهند در رابطه جنسی خود تنوعی ایجاد کنند، جذاب باشد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش مقعدی

تکنیک آمیزش مقعدی 1

زنانی هستند که از آمیزش مقعدی به شدت لذت می‌برند. اما مقعد، برخلاف واژن، مایع طبیعی لزج کننده



انواع مختلفی از ژلهای لوبریکانت در بازار موجودند. این ژلهها به دو دلیل باید آبیکی (water-based) باشند: 1- حساسیت یا خارش ایجاد نمی‌کنند و به راحتی شسته می‌شوند. 2- برخلاف لوبریکانت‌های روغنی، باعث پاره شدن کاندوم نمی‌شوند. (این لوبریکانتها اسپرم کشنده نیستند.م.)

خود را تولید نمی‌کند، بنابراین، استفاده از نوعی ژل لوبریکانت توصیه می‌شود. بهتر است که لوبریکانت به خود مقعد مالیده شود. این کار فرصتی هم برای ماساژ ملایم ماهیچه حلقه ای مقعد که «باسطه» (چالانه یا همان اسفینکتر) نامیده می‌شود، یا حتی فرو کردن انگشت، فراهم می‌آورد. بعد از این آماده سازی، ذکر می‌تواند به داخل فرو داده شود. خود عمل فرو کردن بایستی خیلی آهسته و ملایم صورت گیرد، و به محض ورود به مقعد، ذکر باید برای مدتی، تا ریلکس شدن کامل حلقه ماهیچه ای مقعد، بدون حرکت باقی بماند. بعد از آن، مرد و یا زن، و یا هر دو طرف با هم، می‌توانند دست به حرکات رفت و برگشت بزنند.

زنی که به سکس مقعدی عادت نداشته باشد، ممکن است در ابتدا، فرو شدن ذکر به مقعد خود را دردناک و ناخوشایند حس کند. اما، بعد از چند بار تمرین آرام و ملایم، ممکن است از آن لذت ببرد، حتی اگر خودش با این عمل به ارگاسم نرسد. البته مرد می‌تواند در حین انجام مقاربت مقعدی، برای زن هم استمناء کند، و اگر زن به یک یا چند ارگاسم برسد، آنوقت منقبض شدن حلقه ماهیچه ای مقعدش در حین ارگاسم، به آلت مرد فشار آورده و باعث مالش و تحریک بیشتر آن می‌گردد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش مقعدی

تکنیک آمیزش مقعدی 2

مشخصاً، آمیزش مقعدی می‌تواند به اشکال و حالت‌های مختلفی صورت گیرد. اما عموماً در اغلب حالتها، خیلی راحت، زن ایستاده و به جلو خم می‌شود، یا روی زانو و دستهای خود قرار می‌گیرد، و یا روی شکم می‌خوابد، و مرد در پشت او قرار می‌گیرد، یا اینکه زن روی کمر خوابیده و زانوهای خود را خم کرده به سمت سینه خود بالا می‌کشد و مرد از رو به رو به او نزدیک می‌شود.

سکس مقعدی باعث ایجاد تنوع در رابطه جنسی می‌شود، اما، فقط به شرطی که دو طرف بخواهند، و از آن لذت ببرند. تنها یک مسئله مهم بهداشتی وجود دارد که باید رعایت شود: به هیچ وجه نباید آلت را از مقعد در آورده و بلافاصله، بدون شستن و تمیزی کامل آن، وارد واژن نمود. یعنی تغییر حالت از آمیزش مقعدی به آمیزش واژنی، بدون تمیز شستن آلت مرد در فاصله بین دو حالت، ممکن است باعث انتقال باکتریهای مقعد به داخل واژن شده و اسباب عفونت گردد. با شستن آلت مرد با آب و صابون، در فاصله دو روش آمیزشی، می‌توان از چنان مشکلی



مجسمه ای برنزی - ساحل عاج
دو مجسمه کوچک را می‌توان به انواع و اقسام حالت‌های مختلف آمیزش مقعدی به هم چسباند.

پرهیز نمود.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش مقعدی رفتار و برخوردهای فرهنگی

در هر دو سنتهای یهودی و مسیحی، آمیزش مقعدی، گناه و انحراف شمرده شده است، رفتار و برخوردی که بعداً به اسلام هم کشیده شد. مسیحیان قرون وسطی، این عمل را «جرم علیه طبیعت»، و یا «buggery» (گرفته شده از نام یک فرقه بدعت گذار در بلغارستان)، یا «سودومی» (گرفته شده از نام شهری به اسم «سودوم» در انجیل) نام نهادند. (لواط - از نام قوم لوط که ساکن سودوم بود گرفته شده است - م). همانطور که واژه ها و اصطلاحات دلالت دارند، آمیزش مقعدی در ابتدا به عنوان یک جرم مذهبی تلقی می گردید، اما بعدها، به یک جرم مدنی هم فرا روئید و مجازاتی برای آن در نظر گرفته شد. (در بعضی قوانین جزائی، مقاربت دهانی هم جرم محسوب می شد، و مجازاتی برای آن در نظر گرفته شده بود.) به مرور و همراه با گذشت زمان، مقررات خشن «قوانین لواط» کمرنگ شدند، اما وجود آنها در کتابهای بعضی از کشورهای غربی تا قرن بیست و یکم ادامه داشته است. دگرجنس خواهان و همجنس خواهان، هر دو، با استفاده از این قوانین محکوم و مجازات شده اند.



انهدام شهر سودوم

طبق انجیل، خداوند این شهر را به دلیل گناهان ساکنانش منهدم کرد.

(پیدایش: 19)

در سده های میانه، این گناهان، عموماً رفتارهای جنسی «غیر طبیعی» خوانده می شدند. آمیزش مقعدی زن و مرد و بخصوص آمیزش مقعدی مرد با مرد از جمله این گناهان بودند.

(موزائیک قرن 12، کلیسای جامع مونرل-سیسیل ایتالیا.)

اثرات روانی این مسئله تاریخی به کنار، اما بسیاری از افراد، همچنان، مقعد را به خاطر کارکردش، کثیف و مشمنز کننده می دانند. (اندامهای جنسی هم، البته به نسبت کمتری، به خاطر ارتباط آنها با خروج ادرار از بدن، تنفرآور و منزجر کننده دانسته می شوند.) این گونه برخوردها اغلب در اعماق ذهن فرد تهنشین شده اند و باید محترم شمرده شوند. به هر حال، خودخواهی است اگر از هر کسی خواسته شود که بر خلاف میل خود، نوعی فعالیت جنسی که بدان رغبتی ندارد را، انجام دهد. ولی، دانشمندان که بی طرفانه و از چشم انداز تاریخی و جهانی به بررسی موضوع می پردازند، به این نتیجه می رسند که انزجار از آمیزش مقعدی هرگز جهانی و همگانی نبوده است.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش مقعدی

رفتار و برخوردهای فرهنگی

شرط احتیاط



شرکای جنسی موقتی ممکن است بدون آنکه خود بدانند، به اچ. آی. وی. / ایدز مبتلا باشند. به همین خاطر سکس بدون حفاظ با آنها خطر بیشتری دربر دارد، بخصوص برای فرد گیرنده (دریافت کننده اسپرم).
با تشکر از BZgA
کلن - آلمان.

با توجه به شیوع اچ. آی. وی. / ایدز، و گسترش بیماریهای مقاربتی در جهان، زنان و مردان، هر دو، باید خطر سرایت عفونت از راه آمیزش مقعدی با افراد ناشناس و تازه آشنا را، جدی بگیرند. حتی چنانچه شرکای جنسی آشنا هم، به آمیزش جنسی با افراد ناشناس و یا آلوده دست بزنند، ممکن است ناخودآگاه آلوده شوند. خطر بیشتر متوجه زن می باشد چون دریافت کننده است، یعنی آلت در او فرو برده می شود و در نتیجه اسپرم احتمالاً آلوده دریافت می کند. مرد دهنده (فرو کننده) با خطر کمتری مواجه می باشد، اما به مردان هم توصیه می شود که برای حفظ سلامت خود (و دیگری) از کاندوم استفاده کنند. سکس مقعدی بین دگرجنسگرایان، یکی از راههای احتمالی انتقال اچ. آی. وی. / ایدز می باشد.

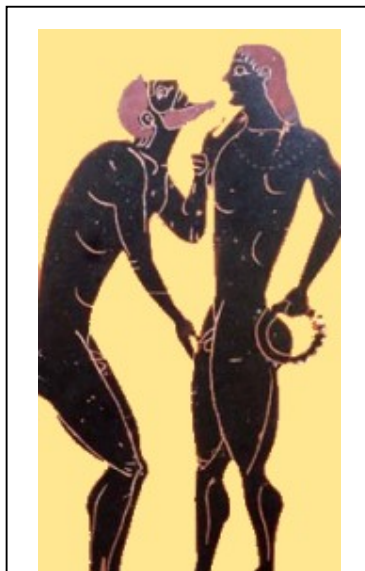
در پایان، به رفتار مخاطره آمیز دیگری هم باید اشاره شود: لیسیدن مقعد (یا همان کون خوری). این عمل علاوه بر دربر داشتن خطر انتقال بیماریهای مقاربتی «کلاسیک - آشنا» همچون سوزاک، سیفلیس، هپاتیت ب. و امثالهم، به انتقال روده زیهایی همچون آمیبها، کرمهای انگلی و دیگر باکتریهای روده ای هم منجر می گردد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش همجنسگرایانه

نوع بشر، همچون سایر پستانداران، نه تنها با جنس مخالف، بلکه ممکن است با همجنس خود هم دست به آمیزش جنسی بزند. به عبارت دیگر، زنان و مردان نه تنها ممکن است به آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه، بلکه چه بسا به آمیزش جنسی همجنسگرایانه هم مشغول شوند.

مراوده جنسی بین دو همجنس در دوران کودکی امر رایجی است، و در نوجوانی و جوانی هم، به هیچ وجه غیر معمول نمی باشد. درحقیقت، در فرهنگ ما، دختران و پسران در سالهای پیش از بلوغ و یا در دوران بلوغ، ممکن است تماس جنسی بیشتری با افراد همجنس خود داشته باشند تا با افراد غیر همجنس. در این سن و سال، در برابر بازیهای دگرجنسگرایانه آنها مانع تراشی می شود، درحالیکه کسی به اعمال و فعالیتهای همجنسگرایانه آنها وقعی نمی نهد، یا با بی تفاوتی از کنار آن می گذرند. اما بعد از این دوران است که، قضیه حالت عکس به خود می گیرد. از دختران و پسران سیزده - چهارده ساله به بعد انتظار می رود که علاقه و کششی منحصرأ به غیر همجنس در خود پرورش دهند، و هر رفتار و حرکت همجنسگرایانه به شدت محکوم می شود. ولی با این حال، بسیاری از افراد روابط همجنسگرایانه خود را تا سن کهولت ادامه می دهند. برای برخی از افراد، تماسهای جنسی با همجنس چیزی جز وقایعی منفرد در یک زندگی کاملاً دگرجنسگرایانه، نمی باشند، و برای برخی دیگر، این تماسها تجاربی اند که هر از گاهی با فواصلی همچنان تکرار می شوند، و باز برای عده ای دیگر، این تماسها به نوع ارجح آمیزش جنسی، و



مردی مسن در حال عشقبازی با یک مرد جوان.
(نقاشی روی گلدانی از یونان باستان.)

یا تنها نوع فعالیت جنسی تبدیل می شوند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی 4. آمیزش همجنسگرایانه: مقیاس درجه ای کینزی

آلفرد کینزی و همکارانش در دو پژوهش به یادماندنی خود حول رفتارهای جنسی انسان، از یک شیوه بسیار عملی برای روشن کردن موضوع استفاده کردند. آنها یک جدول پیوستاری (مقیاسی) هفت درجه ای (از صفر تا شش) ارائه دادند که تعادل بین تجارب دگرجنس خواهی و همجنس خواهی در کل جمعیت را اندازه گیری کرد. آنها، در یک انتهای پیوستار (دسته 0)، کسانی را قرار دادند که تجارب جنسیشان به طور محض دگرجنسگرایانه است، و در انتهای دیگر پیوستار (دسته 6) کسانی را قرار دادند که تجارب جنسیشان منحصراً همجنسگرایانه می باشد. در فاصله بین این دو گروه محض، کسانی قرار می گیرند که در خلال عمر خود، دگرجنسگرایی و همجنسگرایی را، البته به درجات و دفعات متفاوتی، تجربه می کنند. (دسته های 1 تا 5). یافته های کینزی در جدول زیر جمع بندی شده اند:

تجارب دگرجنسگرایی و همجنسگرایی						
0	1	2	3	4	5	6
دگرجنسگرایی محض	همجنسگرایی اتفاقی	همجنسگرایی بیشتر از فقط اتفاقی	دگرجنسگرایی و همجنسگرایی به یک اندازه	دگرجنسگرایی بیشتر از فقط اتفاقی	دگرجنسگرایی اتفاقی	همجنسگرایی محض

منبع:

Kinsey et al., Sexual Behaviour in the Human Male, (1948) p. 638.

انواع اولیه رفتارهای جنسی 3. آمیزش همجنسگرایانه موضوع به درجه، سطح، قیاس و اندازه ربط دارد

البته، در این درجه بندی، انقلاب یا چیز تازه ای وجود ندارد. این همیشه مسلم بوده است که عده ای فقط به مقاربت‌های جنسی دگرجنسگرایانه (آمیزش جنسی با جنس مخالف)، و عده ای فقط به مقاربت‌های جنسی همجنس خواهانه (آمیزش جنسی با همجنس) می پردازند. و عده ای هم با هر دو جنس موافق و مخالف به آمیزش جنسی دست می زنند. ولی به هر حال، قبل از پژوهش‌های آماری گسترده کینزی، اغلب «متخصصان»، خیلی ساده، فرض را بر این می گرفتند که افراد دگرجنسگرای محض آنچنان درصد بالایی از جمعیت را تشکیل می دهند، و درصد بقیه آنچنان ناچیز است که هرگونه قیاس و درجه بندی معنی و مفهومی نخواهد داشت. به عبارت دیگر، چنین نظر و اعتقادی وجود داشت که تماس‌های همجنسگرایانه آنچنان نادرند که به جز رفتارهای استثنایی «غیر طبیعی» و عجیب و غریب، چیزی بیش نیستند. کینزی نشان داد که این تصور سنتی اشتباه است. مثلاً، او در آمارهای خود نشان داد که پنجاه درصد همه مردان (و بیست درصد همه زنان)، تا رسیدن به مرز میانسالی، نوعی از تجارب آشکارا اروتیکی با همجنس خود را دارا می باشند. بعدها، این ارقام مورد مناقشه قرار گرفتند، و پژوهشگران بعدی، در تحقیقات خود، به درصد کمتری دست یافتند. اما با این وجود، هسته یافته های کینزی، با موفقیت از آزمایش گذر زمان، سر بلند بیرون آمده است: **دگرجنسگرایی و همجنسگرایی موضوع درجه، سطح، مقیاس و اندازه می باشد.**

گرایش جنسی

گرایش جنسی به عنوان **دگرجنسگرایی** یا **همجنسگرایی** فرد تعریف می شود. این موضوع بر اساس اولویتهای فرد در انتخاب شریک جنسی تعیین می شود.

افراد به همان اندازه و درجه ای دگرجنسگرا و یا همجنسگرا می باشند که از جهت اروتیکی به دگرجنس یا همجنس کشش و تمایل دارند.

ارجحیتهای جنسی اکثر افراد به سمت جنس دیگر سمت و سو دارد و دگرجنسگرا می باشند. (**دگرجنسگرایی**).

اما به هر حال، اقلیتی وجود دارد که اولویتهای جنسی اش هم به دگرجنس و هم به همجنس سمت و سمت و سو دارد (**دوجنسگرایی**)، و اقلیت باز هم کوچکتری هست که اولویت جنسی اش عمدتاً به سوی همجنس خود می باشد (**همجنسگرایی**).

انواع اولیه رفتارهای جنسی 3. آمیزش همجنسگرایانه تسللی از تجارب

کینزی، از یافته های خود به نتیجه ای منطقی رسید که با قلم خویش آن را بیان نمود:

«مردان دو گروه مجزای جمعیتی، یعنی دگرجنسگرا و همجنسگرا، تشکیل نمی دهند. دنیا را نباید به گوسفند و بز تقسیم کرد. همه اشیاء سیاه یا سفید نیستند. طبیعت به ندرت با دسته بندی اینچینی سر و کار دارد. تنها ذهن انسان است که دسته بندی را کشف و سعی می کند که با فشار، انسانها را در لانه های کبوتری یعنی چاربهستهای مجزا بگنجاند. جهان زنده، در هرکدام از ابعاد خود، تسللی و زنجیره وار می باشد. هرچه که ما زودتر این موضوع را در خصوص رفتارهای جنسی بشر بیاموزیم، به همان اندازه سریعتر به درک عاقلانه ای از واقعیت سکس، دست خواهیم یافت. هرگاه که ما افراد را نه به صورت دگرجنسگرا و همجنسگرا، بلکه به عنوان افرادی که مقدار معینی تجارب دگرجنسگرایی و مقدار معینی تجارب همجنسگرایی دارند، ببینیم، آنوقت این امر، به تفکر روشنتری حول موضوع، کمک خواهد کرد.

منبع:

Alfred C. Kinsey et al., Sexual Behavior in the Human Male (1948) p. 639



اما، همانطور که همه ما می دانیم، در زندگی روزانه، مردم به این مسائل توجه نمی کنند، و از «همجنسگرایان» و «دگرجنسگرایان» طوری سخن می گویند که گویا آنها دو گروه کاملاً مجزا هستند. درحقیقت، بسیاری از همجنسگرایان، بنا به دلائل اجتماعی و سیاسی ترجیح می دهند که خود را یک گروه مجزا بدانند. اما، کسانی هم هستند که خواهان به رسمیت شناختن طیف بسیار وسیعتری از گرایشات جنسی می باشند. کل این موضوع به بحث مفصلی نیاز دارد. در مبحث دوجنسگرایی تا حدودی به آن اشاره شده است.)

آلفرد. س. کینزی (1956) -
1894) تقسیم انسانها به دو گروه
مجازی- «همجنسگرا» و
«دگرجنسگرا» - را قبول نداشت.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش همجنسگرایانه

نه افراد، بلکه رفتارها

کینزی، این را پذیرفت که با گذر زمان حتی در یک فرد نیز ممکن است تعادل بین دگرجنسگرایی - همجنسگرایی تغییر کند. زنان و مردانی وجود دارند که در دوره ای از زندگیشان، رفتارهای دگرجنسگرایی محض، و در دوره ای دیگر از زندگی خود، رفتارهای همجنسگرایی محض، در پیش می گیرند. بعضیها هم، به هر دو نوع رفتار، البته به درجات مختلف و با شدت و حدتی متفاوت، مبادرت می ورزند.



Paidierastia (عشق به پسرها)
یونانیان قدیم رفتارهای همجنسگرایانه را به عنوان جزئی از فعالیت جنسی مرد قبول داشتند و با توجه به سود اجتماعی اش، آن را تحت نام Paidierastia (عشق به پسرها) در جامعه و فرهنگ خود پرورش دادند. این گونه روابط عشقی، سدی در برابر ازدواج و بچه دار شدن ایجاد نمی کرد.
(تصویری از نقاشی روی گلدانی از یونان باستان)
SPK
موزه های دولتی برلین

عده ای هم، در ابتدا با یک نسبت کشش و علاقه به هر دو جنس شروع می کنند و بعد به مرور، بیشتر مجذوب این یا آن جنس می شوند. به هر حال، این ترجیح و اولویت دهی، ممکن است دائمی باقی نماند. درحقیقت، موقعیت یک فرد بر روی مقیاس درجه بندی کینزی، ممکن است در طول زمان، چندین بار جا به جا شود. اگر تقسیم کل جمعیت به «دگرجنسگرا» و «همجنسگرا» نادرست است، به همان اندازه هم، «دگرجنسگرا» و «همجنسگرا» نامیدن یک فرد نادرست می باشد. بر این اساس، غیر ممکن است بدانیم که چه تعداد از انسانها «دگرجنسگرا» و چه تعداد «همجنسگرا» می باشند.

تنها چیزی که می توان تعیین کرد این است که در هر زمان معینی، چه تعداد از افراد به هرکدام از مقیاسهای پیوستاری درجه ای دگرجنسگرا - همجنسگرا، تعلق دارند. سئوالاتی مثل «چه تعداد افراد همجنسگرا وجود دارند؟» یا «آیا من همجنسگرا هستم؟»، هیچ پاسخ علمی ارزشمندی ندارند. به طور خلاصه، رفتارهای همجنسگرایانه به اقلیت کوچک «همجنسگرایان» محدود نمی شود، بلکه، کم و بیش و به درجات متفاوتی، در بسیاری از افراد دیگر که مهر همجنسگرا بودن نمی خورند هم، دیده می شود. (برای مثال به اینجا مراجعه شود.)
به همین سبب، در اینجا، انواع بیشتر معمول آمیزشهای همجنسگرایانه، بدون در نظر داشتن این که چنین رفتارهایی در بین افراد خاصی اتفاق می افتند، توضیح داده می شوند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش همجنسگرایانه

انواع اولیه آمیزش جنسی

آنچه که قبل از این درباره آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه گفته شد، در مورد آمیزش جنسی همجنسگرایانه هم صدق می کند. در اینجا هم، اغلب پژوهشگران جنسی، روی نمونه هایی از مقابرت جنسی که تماس فیزیکی مستقیم با اندامهای جنسی حداقل یک طرف رابطه را شامل می شوند، تمرکز می کنند. و این، موضوع را به مقدار زیادی ساده می کند. به این خاطر، ما هم در اینجا از آن پیروی کرده و چهار نوع مقابرت جنسی را از هم تفکیک می کنیم:

وقتی که اندامهای جنسی یک طرف در تماس با دست (های) طرف دیگر باشد، ما از مقاربت جنسی دستی صحبت می‌کنیم.
 وقتی که اندامهای جنسی یک طرف در تماس با دهان طرف دیگر باشد، ما از مقاربت جنسی دهانی صحبت می‌کنیم.
 وقتی که اندامهای جنسی یک طرف در تماس با اندامهای جنسی طرف دیگر باشد، ما از مقاربت جنسی آلتی صحبت می‌کنیم.
 وقتی که اندامهای جنسی یک طرف در تماس با مقعد طرف دیگر باشد، ما از مقاربت جنسی مقعدی صحبت می‌کنیم.

انواع اولیه رفتارهای جنسی 3. آمیزش همجنسگرایانه مقاربت جنسی دستی

در اینجا، مقاربت جنسی دستی به معنای تماس بین اندامهای جنسی یک نفر با دست (های) دیگری، تعریف شده است. هر دو جفتهای مؤنث و مذکر، اندامهای جنسی همدیگر را نوازش و تحریک می‌کنند. به هر حال، کسی که برای فرد همجنسی جلق می‌زند، بنا بر تجارب شخصی خود می‌داند که چگونه طرف را به لذت برساند. کلاً، مقاربت جنسی دستی، به احتمالی، ساده‌ترین و شایع‌ترین نوع فعالیت جنسی همجنسگرایانه می‌باشد، و در عین حال، بی‌خطرترین نوع «سکس بی‌خطر» هم هست.

انواع اولیه رفتارهای جنسی 3. آمیزش همجنسگرایانه: مقاربت جنسی دستی زنان



یک جفت زن در حال شروع عشق
 ورزی
 نقاشی چینی
 اوائل قرن بیستم.
 موزه سکس چین، تونگلی.

مقاربت جنسی دستی بین زنان، تقریباً شبیه مقاربت جنسی دستی بین مردان می‌باشد. به طور مسلم، زنان عموماً عاشق لمس و نوازش کل بدن خود می‌باشند، و مثل مردان، برای مالیده شدن آلت جنسی خود، عجله‌ای ندارند. با این همه، زنان بهتر می‌دانند که چه چیزی به زنان لذت می‌دهد. آنها قادرند با استمناء برای همدیگر به ارگاسم برسند.
 اضافه بر این، از آنجا که برانگیختگی جنسی در زنان، به طور طبیعی به خیس شدن واژن می‌انجامد، ضرورتی برای کاربرد لوبریکانتهای تولیدی هم وجود ندارد.
 بر خلاف تصور بسیاری از مردان، زنان هنگام استمناء معمولاً چیزی به درون واژن خود فرو نمی‌کنند، بلکه خیلی راحت و ساده، به اندامهای جنسی بیرونی خود همچون بدنه کلیتوریس (نه سر آن)، لبهای کوچک و دهانه واژن دست برده و آنها را لمس و مالش می‌دهند. البته شاید، این نواحی را به شکل مؤثری، با یک ویبراتور الکتریکی هم تحریک کنند و برانگیزانند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی 3. آمیزش همجنسگرایانه: مقاربت جنسی دستی مردان



یک جفت مرد در حال شروع عشق
ورزی
نقاشی چینی
سلسله کیونگ
موزه سکس چین، تونگلی.

مردانی که برای همدیگر استمناء می کنند، استفاده از بزاق دهان یا لوبریکانتهای تولیدی برای خیس کردن آلت جهت پیشگیری از زخم شدن نواحی حساس آن را ضروری می یابند. بهترین لوبریکانتهای برای این کار، لوبریکانتهای حلال (water-soluble) می باشند. چنانچه از ژل لوبریکانت به مقدار کافی استفاده شود، آنها می توانند از مقاربت دستی به مقاربت آلتی تغییر حالت دهند. بعضی از مردان دوست دارند که آلت خود و طرف مقابل را در دست خویش گرفته و به طور همزمان برای هر دو آلت جلق بزنند. مردان دیگری هم هستند که دوست دارند یکی برایشان استمناء کند بدون آنکه خود برای طرف مقابل چنین کاری انجام دهند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی 3. آمیزش همجنسگرایانه: مقاربت جنسی دهانی

آمیزش جنسی دهانی (سکس دهانی) در اینجا به معنای تماس شهوانی بین اندامهای جنسی یک فرد با دهان دیگری است.



یک جفت زن در هماغوشی عاشقانه
چوب بری ژاپنی، قرن نوزدهم.

اندامهای جنسی و دهان، دو منطقه بسیار حساس بدن هستند که به راحتی برانگیخته می شوند، و به این دلیل، در تماس مستقیم قرار گرفتن دهان و آلت جنسی در هنگام آمیزش، تعجب آور نیست. درحقیقت، این رفتار تقریباً در همه پستانداران دیده می شود، و از نقطه نظر بیولوژیکی، دلیلی وجود ندارد که انسان به عنوان رشد یافته ترین و حساس ترین نوع پستاندار، از این قاعده مستثنی باشد.

به هر حال، در گذشته، در برخی جوامع و دوره های تاریخی، سکس دهانی گناه، جرم و بیماری محسوب می شد، و کسانی که به آن می پرداختند، به شدت مجازات می شدند. علی رغم

محکومیت مذهبی، قانونی و روانپزشکی سکس دهانی در کشورهای غربی، جفتهای دگرجنسگرا و همجنسگرا، هر دو، در طول تاریخ به طور وسیعی بدان مبادرت ورزیده اند. قابل ذکر است که تکنیکی که در عمل به کار برده می شود، در هر دو گروه یکی است.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش همجنسگرایانه: مقاربت جنسی دهانی (مکیدن (خوردن) آلت مرد (Fellatio))

لغت «فلاسیو» (در فارسی عامیانه: کیر خوری، ساک زدن)، از کلمه لاتین *Fellare* به معنی مکیدن گرفته شده، و برای توضیح عمل لیسیدن و مکیدن اندامهای جنسی مرد به کار برده می شود. مسلماً، وقتی که دو مرد به آمیزش جنسی با هم می پردازند، ممکن است به نوبت به «فلاسیو» برای همدیگر هم دست بزنند. دو مرد، طبیعتاً می توانند به طور همزمان به فلاسیو بر همدیگر هم مشغول شوند. (به توضیحات مربوط به «69» در زیر مراجعه شود.)

در گذشته مردم سعی بر این داشتند که در کار «فلاسیو»، بین «فاعل» و «مفعول» تمایز قائل شوند، و بدین طریق معنی این لغات را در ذهن خود وارونه جلوه می دادند. بر اساس تمایز گفته شده، فردی که آلت دیگری را به دهان گرفته و با حرکات و فعالیت خود آن را می مکد، «مفعول» می باشد، اما طرف دیگر که بی حرکت و به حالت سکون قرار گرفته و آلتش مکیده می شود، «فاعل» است. این نوع استدلال بدان انجامید که فرد متحرک، «مفعول» (پاسیو) و همجنسگرا است، اما آن «فعال» بدون حرکت، به نحوی دگرجنسگرایی خود را دست نخورده نگه داشته است. (در نوع دیگری از همین استدلال، گرفتن ذکر به دهان و مک زدن آن، حالت مک زدن آلت مرد توسط زن در روابط دگرجنسگرایی را تداعی می کند؛ پس اگر مردی آلت مرد دیگری را مک بزند، نقش زن را ایفاء کرده و طرف مقابل در نقش فرو کننده و مرد ظاهر می شود. و بدون هیچگونه توضیح دیگری، طرفی که «نقش زن» را ایفاء کرده، همجنسگرا، و طرف مقابل که «نقش مرد» را ایفاء نموده، به عنوان دگرجنسگرا شناخته می شود.)

پس تعجب آور نیست که بسیاری از مردان دوجنسگرا (و کسانی که نسبت به گرایش خود چندان مطمئن نیستند) و پسران تن فروش، از این استدلالها برای توجیه فعالیتهای همجنسگرایانه خود سود می جویند. این افراد بر نقش بی تحرک و غیر فعال خود به عنوان «فاعل» اصرار می ورزند و سعی می کنند سرد و بی تفاوت جلوه کنند، تا بعداً ادعا کنند که واقعاً هیچ کار «گی» انجام نداده اند. اما درحقیقت، فاعل یا مفعول بودن، ربطی به جنس، جنس، و یا گرایش جنسی ندارد. وقتی که مردی به کمک مرد دیگری به ارگاسم برسد، این بدان معنا است که از جهت جنسی به طور تمام و کمال توسط یک مرد برانگیخته می شود، و هیچ لحن و دلیلی، این واقعیت را نمی پوشاند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش همجنسگرایانه: مقاربت جنسی دهانی: زنان: «کونیلینکتوس و 69» (Cunnilinctus and “69”) لیسیدن و مکیدن آلت زن

زنان: کونیلینکتوس

لغت «کونیلینکتوس»، از کلمه لاتین *Cunus* به معنی فرج و *Linguere* به معنی لیس زدن مشتق شده، و برای توضیح عمل لیسیدن و مکیدن اندامهای جنسی زن به کار برده می شود. بسیاری از زنان، از لیسیده شدن اندامهای جنسی خود لذت می برند، و چنانچه با زن دیگری سکس داشته باشند، چه بسا با لیسیدن متقابل اندامهای جنسی همدیگر، با هم به تبادل لذت بپردازند. زنان، طبیعتاً می توانند به طور همزمان به لیسیدن آلت همدیگر مشغول شوند. (به توضیحات مربوط به «69» در زیر مراجعه شود.) زنان ممکن است از لیسیدن همدیگر به عنوان وسیله ای برای برانگیختن جنسی همدیگر سود جویند و بعد از آن، به انواع دیگر مقاربت جنسی با هم روی آورند، و یا لیسیدن اندامهای جنسی همدیگر را تا رسیدن به ارگاسم ادامه دهند. از آنجا که یک زن خود بنا به تجربه دقیقاً می داند که چه چیزی به او لذت می دهد، پس در لیسیدن و لذت دهی مؤثر به زن دیگری که مشغول آمیزش جنسی با اوست، هیچ مشکلی ندارد.

شصت و نه «69»

اصطلاح انگلیسی عامیانه سکستی ناین (شصت و نه) فرانسوی «Soixante – neuf» برای توضیح حالتی از آمیزش جنسی به کار برده می شود که در آن، یک جفت به حالت عکس هم دراز کشیده و به طور همزمان به لیسیدن آلتهای جنسی همدیگر می پردازد. در چنین وضعیتی، بدنهای آنها نسبت به هم به حالت اعداد شصت و نه (69 انگلیسی) قرار می گیرند؛ یعنی سر یکی در لای پای دیگری واقع می شود.

مسلماً، هر جفتی که با هم به مقاربت جنسی می پردازد، می تواند از این شیوه استفاده کند. دو نفر می توانند از دست زدن به سکس دهانی همزمان برای همدیگر به عنوان روشی برای برانگیختگی جنسی خود سود جویند، و یا آن را تا رسیدن به ارگاسم ادامه دهند، بخصوص اگر یک جفت وقت کافی صرف این کار کرده و در موقعیت بدنی راحتی قرار بگیرد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: سکس دهانی شرط احتیاط

**سکس دهانی بدون حفاظ
(مردان یا زنان)**



خطر اچ. آی. وی. / ایدز
شرکای جنسی تصادفی ممکن است بدون آن که خود بدانند، به اچ. آی. وی. / ایدز مبتلا باشند. به این خاطر، سکس دهانی با آنها با خطر ابتلاء به عفونت، بخصوص برای طرفی که اسپرم، ترشحات واژنی، خون قاعدگی، یا هر مایع دیگر بدنی را می بلعد، همراه است.
با تشکر از BZgA
کلن - آلمان.

با توجه به شیوع اچ. آی. وی. / ایدز، و گسترش بیماریهای مقاربتی در جهان، زنان و مردان، هر دو، باید خطر سرایت عفونت از طریق مقاربت دهانی با افراد ناشناس و تازه آشنا را، جدی بگیرند. حتی چنانچه شرکای جنسی آشنا هم، با افراد ناشناس و یا مبتلا، به آمیزش جنسی دست بزنند، و بعداً شریک جنسی رسمیشان، اسپرم آلوده، ترشحات واژنی، خون قاعدگی، یا هر مایع بدنی دیگر آنها را بیلعد، آنوقت، طرف را به بیماری مبتلا می کنند. خطر انتقال اچ. آی. وی. / ایدز از طریق سکس دهانی چندان زیاد نیست، اما به هرحال وجود دارد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش جنسی همجنسگرایانه آمیزش آلتی

در اینجا، آمیزش آلتی به معنای تماس شهوانی بین اندامهای جنسی دو فرد می باشد. بنا بر آموزه های



دو مرد با نعوذ به هم نزدیک می شوند
کنده کاری، حدود 1500 سال قبل از میلاد، ایالت گوانکسی، چین. موزه سکس چین، تونگلی.

فروید و پیروانش، هدف رشد و نمو جنسی فرد، «بلوغ تناسلی» است، و آمیزش آلتی تنها شکل «بالغ و رسیده» بیان جنسی افراد بزرگسال می باشد.

به هرحال، این تنها نوع مقاربت است که به تولید مثل می انجامد. اما، از آنجا که دو زن، یا دو مرد با هم، قادر به تولید مثل نیستند، چه بسا به دیگر انواع آمیزش جنسی دست زده و لذت ببرند. با این وجود، هم جفتهای زن و هم جفتهای مرد، هر دو، گاهی به آمیزش جنسی آلتی با هم پرداخته و به ارضاء جنسی می رسند. این موضوع کاملاً قابل درک است چون هم آلت جنسی مرد و هم آلت جنسی زن، نسبت به لمس و تماس حساس می باشند و در اثر آن به شدت تحریک می شوند. مسلماً، به دلایل ساختاری، مقاربت آلتی یک جفت همجنس از مقاربت آلتی یک زن و مرد با هم، متفاوت می باشد. اما، این تفاوت خیلی کمتر از آن چیزی است که بعضیها علناً حاضر به اعتراف به آن باشند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش جنسی همجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی هم کناری آلت‌های جنسی نسبت به هم

دو زن، یا دو مرد همجنسگرا، ممکن است آنچنان همدیگر را تنگ در آغوش بگیرند که اندامهای جنسیشان در تماس مستقیم با هم واقع شوند. آنوقت، حرکات موزون لگنها، می تواند به تحریک و شهوانی کردن هر دو طرف بیانجامد.



مردانی که بدین طریق آلت‌های خود را به هم می رسانند، استفاده از لوبریکانت برای خیس کردن آلت‌های خود و افزایش حساسیت، و همچنین جلوگیری از سایش نقاط حساس ذکر را، مفید می یابند. بدون کاربرد نوعی لوبریکانت، سر آلت یک طرف که به موهای اطراف آلت دیگری می خورد، ممکن است خراش بردارد. بسیاری از مردان این را هم دوست دارند که آلت خود و طرف مقابل را با هم، در دست گرفته و به طور همزمان هر دو آلت را، تا ارگاسم، جلق بزنند. البته این عمل را می توان آمیزش دستی هم نامید. دو زن هم از در تماس قرار گرفتن آلت‌های خود لذت می برند. این عمل گاهی حتی امکان ارگاسم هر دو طرف را هم برایشان فراهم می آورد. همانطور که قبلاً اشاره شد، حتی در آمیزش مهبل‌ی در یک رابطه دگرجنسگرایانه هم، حساسترین نقاط محرک جنسی زن، کلیتوریس، لبهای کوچک مهبل و درگاه آن می باشند. همه این مناطق نامبرده را می توان با مالش آنها بر بدن زنی دیگر، تحریک نمود و برانگیخت. با این همه، زنانی وجود دارند که بالاخص از دخول عمقی مهبل‌ی لذت می برند. اینگونه زنان چه بسا به راحتی به آمیزش جنسی همجنسگرایانه بپردازند اما حس کنند که لذت فیزیکی آن کمتر از آمیزش مهبل‌ی است.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش جنسی همجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی آمیزش مهبل‌ی تشبیهی

اگر یکی از دو زنی که به عشق ورزی با هم پرداخته اند، یک ذکر مصنوعی به بدن خود ببندد، آنوقت



آنها می توانند آمیزش دخول مهبل‌ی (زن و مرد) را شبیه سازی کنند. درحقیقت، بسیاری از مردان هم، از تصور چنین کاری توسط یک زن، در ذهن خود، لذت می برند. انواع آلت‌های مصنوعی مردانه هم در بازار یافت می شوند که یا می توان از طریق پستی سفارش داد و یا از «فروشگاههای سکس» تهیه نمود. ولی، حقیقت این است که تعداد بسیار محدودی از زنان به چنین کاری دست می زنند. و اگر هم چنین کنند، احتمالاً بیشتر برای تحریک مردان بیننده است تا برای لذت جویی شخصی خودشان. همانطور که پیش از این اشاره شد، وقتی که زنان به مقاربت با هم می پردازند، دوست دارند که در ابتدا به شکل عام و کلی مورد لمس و نوازش قرار گیرند. سپس، وقتی که به سطح معینی از تهییج جنسی رسیدند، آنوقت تحریک و برانگیختن بلاانقطاع اندامهای جنسی بیرونی، عامل مهمی در رسیدن آنها به ارگاسم می باشد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش جنسی همجنسگرایانه

آمیزش مقعدی

مقاربت مقعدی در اینجا، به معنای تماس جنسی بین آلت یک طرف با مقعد طرف دیگر می باشد. از آنجا که مقعد یکی از حساس ترین نقاط شهوانی بدن می باشد، بسیاری از زنان و مردان در خلال عمل جنسی خود، به شکلی از تحریک مقعدی لذت می برند. در اصل، واقعیت این است که بعضی افراد برای لذت بیشتر در خلال استمناء، انگشت یا شیئی استوانه ای شکل، به مقعد خود فرو می کنند. بنابراین، هیچ تعجبی ندارد که گاهی، در خلال مقاربت جنسی مردان با هم، آلت یکی و مقعد دیگری به هم رسانده شوند. این امکان وجود دارد که یک مرد آلتش را در مقعد شریک جنسی خود فرو کند. اما از آنجا که مقعد برخلاف مهبل به طور طبیعی لزج نمی شود، کاربرد نوعی لوبریکانت توصیه می شود. کرمهای آبی (water-soluble creams) برای این کار مناسبند، و بهتر است که مستقیماً به مقعد مالیده شوند. بعد از آن، فرو کردن آهسته و آرام می تواند شروع شود. البته، مردانی هم هستند که صرفاً از مالیدن آلتشان در بین لمبرهای شریک جنسی خود لذت می برند.

هرچند که آمیزش مقعدی می تواند برای هر دو طرف بسیار رضایتبخش باشد، اما این رفتار برخلاف آنچه که بسیاری تصور می کنند، عمل «روزمره ای» نیست. در فرهنگ ما، بیشتر مردم آموخته اند که مقعد را به خاطر عملکرد آن، کثیف و مشمئزکننده تصور کنند. (اندامهای جنسی هم، البته به نسبت کمتری، به خاطر ارتباط آنها با خروج ادرار از بدن، تنفرآور و منزجر کننده دانسته می شوند.) در ضمن، یک تابوی قوی مذهبی و اجتماعی علیه تماس بین مقعد و ذکر هم عمل می کند. حتی در بعضی از کشورها این عمل جرم محسوب می شود. در چنین شرایطی، عجیب نیست که بعضی از همجنسگرایان به همان اندازه بسیاری از دگرجنسگرایان، از آمیزش مقعدی منزجرند.

در انتها، این را هم باید اضافه نمود که به دلایل ساختار بدنی (آناتومیکی)، دو زن نمی توانند با هم به مقاربت مقعدی پردازند. تنها استثناء این است که یکی از دو طرف آلت مصنوعی به کمر خود ببندد. اما این مسئله بیشتر تئوریک است تا واقعی، چون زنانی که به عشق ورزی با هم می پردازند، معمولاً با به کارگیری دیگر انواع آمیزشهای جنسی همدیگر را ارضاء می کنند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش جنسی همجنسگرایانه: آمیزش مقعدی

دخول مقعدی

بد نیست به این موضوع هم اشاره شود که تعداد معدودی از مردان از این که شریک جنسیشان چیزی در مقعد آنها فرو کند، لذت می برند. این چیزها (اشیاء) گاهی ممکن است سفت و بلند باشند، و حتی در موارد بسیار نادری هم ممکن است یک شریک جنسی دست خود را به طور کامل وارد مقعد دیگری کند، که به آن «**fistfucking**» (فیبست فاکینگ = مشت گایی) می گویند.

تنها می توان حدس زد که آن دسته از مردانی که به چنین عملی مبادرت می ورزند، از خطرات آن بی اطلاعند. پیش از هر چیز، با این کار، خطر عفونت از راه خراش دیدگی و چرک زیر ناخنها وجود دارد. همچنین خطر آسیب دیدگی داخلی وجود دارد که شاید حس نشود اما ممکن است به خونریزی و حتی مرگ منجر شود. هرچند که قابلیت ارتجاعی ماهیچه اسفینکتر مقعد توان کش دادن توسط آلت مردانه که به آرامی وارد می شود را دارد، اما کش دادن آن با یک مشت یا چیزی به اندازه آن، به قابلیت ارتجاعی ماهیچه مقعد صدمه می زند. به عبارت دیگر، درحالیکه آمیزش مقعدی به خودی خود مشکلی ایجاد نمی کند، اما «مشت گایی» می تواند به وارد آوردن صدماتی بیانجامد، بخصوص اگر این کار به یک عادت تبدیل شود. مواردی دیده شده که در نتیجه «فیبست فاکینگ» کارکرد عادی مقعد کاملاً مختل و دخالت پزشک ضروری شده است.



ویبراتورهایی برای فرو کردن در مقعد یا واژن

در بعضی از کشورها «فروشگاههای سکس» انواع مختلفی از ویبراتورهایی که با باتری کار می کنند را، عرضه می دارند. این ویبراتورها می توانند برای دخول مقعدی یا مهبلی به کار برده شوند. قسمت بیرونی آنها معمولاً از لاتکس می باشد، و بعضی از آنها به شکل و شمایل آلت مردانه ساخته شده اند. بعضی فروشگاهها هم نوعی سوراخگیر (پلاگ = Plug)، یا سوراخگیرهایی که قابلیت باد شدن دارند، را برای اهداف جنسی مختلف می فروشند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش جنسی همجنسگرایانه: آمیزش مقعدی رفتار و برخوردهای فرهنگی



در انگلستان، قرن 17، اسقف جان اترتون (John Atherton 1598 - 1640) به تصویب قوانین کیفری سختی علیه سودومی و لواط (آمیزش مقعدی)، کمک نمود. سرانجام، خودش و میانشرش که «شریک جرمش» بود، با استناد به همان قوانین (به جرم لواط)، در ملاء عام به دار آویخته شدند.

برای مدت زمانی طولانی، آمیزش مقعدی، بخصوص آمیزش مقعدی بین مردان، در دو سنت یهودی و مسیحی، گناه و انحراف دانسته می شد، برخوردی که به اسلام هم کشیده شد. مسیحیان سده های میانه، چنین عملی را «جرم علیه طبیعت»، «باگری» یا «سودومی» می نامیدند، و مجازات شدیدی برای آن در نظر می گرفتند. درحقیقت، «قوانین سودومی» در بعضی از کشورهای غربی تا قرن بیستم اجرا می شدند، ولی بعداً به مرور لغو شدند.

ادامه اثرات روانی این میراث تاریخی به کنار، اما بسیاری از افراد، کماکان، مقعد را به خاطر عملکردش، کثیف و مشتمل کننده می دانند. (اندامهای جنسی هم، البته به نسبت کمتری، به خاطر ارتباط آنها با خروج ادرار از بدن، تنفرآور و منزجر کننده دانسته می شوند.) اینگونه برخوردها اغلب در اعماق فرد ته نشین شده اند و باید محترم شمرده شوند. به هرحال، خودخواهی است اگر از هر کسی خواسته شود که بر خلاف میل خود، نوعی فعالیت جنسی که به آن رغبتی ندارد را، انجام دهد. ولی، دانشمندانی که بی طرفانه، و از چشم انداز تاریخی و جهانی به بررسی موضوع می پردازند، به این نتیجه می رسند که انزجار از آمیزش مقعدی هرگز جهانی و همگانی نبوده است.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش مقعدی

رفتار و برخوردهای فرهنگی

شرط احتیاط

با توجه به شیوع اچ. آی. وی. / ایدز، و گسترش بیماریهای مقاربتی در جهان، مردان باید خطر سرایت



عفونت از راه آمیزش مقعدی با افراد ناشناس و تازه آشنا را، جدی بگیرند. حتی چنانچه شرکای جنسی آشنا هم، به آمیزش جنسی با افراد ناشناس و یا آلوده دست بزنند، ممکن است ناخودآگاه آلوده شوند. خطر بیشتر متوجه طرفی است که گیرنده می باشد (آلت طرف مقابل در او فرو می شود و در نتیجه اسپرم احتمالاً آلوده دریافت می کند). مرد دهنده (فرو کننده) با خطر کمتری مواجه است، اما توصیه می شود که برای حفظ سلامت خود (و دیگری) همیشه از کاندوم استفاده کند. سکس مقعدی بین همجنسگرایان یکی از راههای اصلی انتقال اچ. آی. وی. / ایدز می باشد.

و در انتها، به رفتار مخاطره آمیز دیگری هم باید اشاره شود: لیسیدن مقعد (یا همان کون لیس)، علاوه بر دربر داشتن خطر انتقال بیماریهای مقاربتی «کلاسیک - آشنا» همچون سوزاک، سیفلیس، هیپاتیت ب. و امثالهم، به انتقال روده زیبایی همچون آمیبها، کرمهای انگلی و دیگر باکتریهای روده ای هم منجر می شود.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

4- تماس جنسی با حیوانات



سیما و منظری مذهبی

بالا: خدای اعظم یونانیان؛ زئوس، به قالب قوئی در آمده تا با لیدا، ملکه اسپارتا، جماع کند. (مجسمه قدیمی یونانی)

پائین: مجسمه ها و سنگ تراشیهایی برخی از معابد کهن هندوئی نحوه های انواع رفتارها و فعالیتهای جنسی را در معرض نمایش می گذارند. (در اینجا نمونه ای از معبد لاکشمانا، خواجه راهو، در مرکز هند. نشان داده می شود.)

در افسانه ها و قصه های عامیانه بسیاری از فرهنگهای جهان، به موضوع آمیزش جنسی نوع انسان با دیگر انواع حیوانات، همچون ببر، گرگ، اسب، مار و تمساح اشاره شده است. برخورد با این نوع رفتار همیشه منفی نبوده است. برای نمونه، مذهبی که به «دگرذیسی و زایش جانها» یعنی ایده مینی بر این که انسان بعد از مرگ مجدداً در قالب حیوان دیگری زاده می شود، معتقد هستند، با موضوع تماس جنسی انسان و حیوان برخورد کاملاً متفاوتی نسبت به آن مذهبی داشته اند که انسان را به عنوان یک استثنا، و بدون هرگونه رابطه معنوی با جهان حیوانات می دیده اند. در اغلب افسانه های کهن، حیوانات هستند که بیشتر مورد توجه و علاقه انسان واقع می شوند، اما نویسندگان یونان باستان و روم قدیم، مواردی تعریف می کنند که در آنها حیوانات ابتکار عمل را به دست گرفته و خود پیشقدم شده اند. مثلاً، در داستان معروفی از ایلین (Aelian = Claudius Aelianus) در قرن دوم میلادی، دلفینی به پسر دل می بندد، با او به عشق ورزی می پردازد و او را همدم خود می کند. وقتی که آن پسر در اثر حادثه ای تلف می شود، دلفین دلشکسته هم میل و رغبت به ادامه زندگی را از دست می دهد. یونانیان بر این اعتقاد هم بودند که زئوس، خدای اعظم آنان، گاهی به قالب حیوانی در می آمد تا موفق به آمیزش جنسی با زنان و دخترانی شود «که به راحتی پا نمی دادند». پس او، در قالب گاوی

نر با اروپا، و در قالب یک قو با لیدا جفتگیری کرد. افسانه های یونان این را هم به ما می گویند که «پاسیفانی» (Pasiphaë)، ملکه جزیره کریت، با یک گاو نر آمیزش جنسی داشته و انسان هیولایی به اسم «مینوتاور» (Minotaur) را از او به دنیا می آورد که سر گاو نر داشته است. داستانها و افسانه های مشابهی توسط برخی از مردمان قدیم در آسیا، آفریقا و آمریکا، روایت شده اند. برای مثال، قبائل خاصی در بین اسکیموها این اعتقاد را دارند که انسان سفیدپوست، در نتیجه مقاربت جنسی بین یک زن با سگ پدید آمده است.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

4- تماس جنسی با حیوانات

تاریخچه 1

در جوامع یهودی- مسیحی، تماس جنسی بین انسان و حیوان، برای مدت زمانی طولانی، جرم محسوب می شد. طبق آنچه که در انجیل آمده، عبریان کهن، با محکوم کردن افراد به مرگ، از این عمل جلوگیری می کردند. (20: سفر لایوان)



بعد هنری

تماس جنسی انسان با حیوانات از دوران کهن در آثار همه فرهنگها دیده می شود. در تصویر فوق مردی در حال آمیزش با یک الاغ دیده می شود. حکاکی سنگی، وال کامونیکا - ایتالیا، حدود 3000 سال پیش از میلاد.

مجموعه قوانین شرعی و مدنی یهود (تلمود) به زن بیوه، به این دلیل که مبدا از سگ استفاده جنسی ببرد، هیچوقت اجازه نگهداری سگ به عنوان حیوان خانگی را نمی دهد. (Abodah Zarah 22b; Baba Metziah 71 a)

این برخورد منفی یهودی بعداً در آئینهای مسیحی هم به کار بسته شد، که به نوبه خود، بر قوانین مدنی بسیاری از کشورهای غربی هم تأثیر گذاشت. این جرم «سودومی» خوانده شد. (از نام شهر سودوم در انجیل گرفته شده که چون مردمانش «انواع اعمال جنسی غیر طبیعی» مرتکب شدند، منهدم گردید. کتاب پیدایش - 19)

در اذهان مردمان سده های میانه، این موضوع همه انواع آمیزش جنسی غیر مهلبی، از جمله مقاربت جنسی با حیوانات و بخصوص اعمال همجنسگرایی را شامل گردید. (در اصل، انجیل نمی گوید که شهروندان سودوم چنین تماسهایی داشته اند)، اما،

طنز تاریخ این است که همان قوانین سودومی سرانجام علیه خود یهودیان به کار برده شدند. در سده های میانه، برخی از علمای مذهبی مسیحی اعلام کردند که تماس جنسی یک انسان مسیحی با یک فرد یهودی یا مسلمان، از جهت اخلاقی مترادف مقاربت «غیر طبیعی» با یک حیوان محسوب می شود، «نظر به اینکه این افراد در دین و قانون ما با حیوان فرقی ندارند». و چنین جرمی بسیار جدی تلقی می شد.

در طول قرنها، تا همین اوائل دوران مدرن، زنان و مردان به جرم نزدیکی جنسی با حیوانات، زنده به گور یا حلق آویز شده و یا آتش زده می شدند. بعضی اوقات، حیوانی که فرد با او جماع داشته هم، به همراه فرد به قتل می رسید. این قوانین و سنن مذهبی، در اندیشه های پزشکی غربی هم منعکس شده بودند. پس، رفتارهایی که از نظر روحانیون معصیت و جرم تلقی می شدند، توسط روانپزشکان هم به راحتی به عنوان بیماری معرفی می شدند. آنها، مقاربت جنسی با حیوانات را، به عنوان علائم بالینی «اختلال»، «کجروی»، «ناهنجاری»، و یا «انحراف» می دانستند. آنچه که کلیسا و دولت آن را «سودومی» و «جرم علیه طبیعت» نامید، روانپزشکان با عجله «zoophilia» («جانور خواهی»)، و یا «bestiality» («حیوان بازی» نامگذاری کردند. در نتیجه، مردمانی که به چنین رفتاری دست می زدند، به عنوان بیمار معرفی شدند. در قرن بیستم بود که روانپزشکان به نقد نظرات خود دست زده و کم کم چنان قضاوت کلی و عمومی ای را به کنار نهادند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی 4- تماس جنسی با حیوانات تاریخچه 2



فردریک دوم (اعظم)، 1786 -
(1712)

پادشاه پروس، به سنت مذهبی
محکومیت شدید تماس جنسی انسان
با حیوان، پشت پا زد.



اگوست فورل (1931) -
(1848)

لغو قوانینی که علیه تماس
انسان با حیوانات بودند را، خواستار
گردید.

در قرن هیجدهم، «دوران روشنگری»، در اغلب کشورهای غربی به مرور از شدت و حدت محکومیت مذهبی و پیگرد قانونی تماسهای جنسی افراد با حیوانات کاسته شد. مثلاً پادشاه پروس، فردریک کبیر، که خود را حاکمی روشن و آگاه می دانست، به دگمهای مذهبی وابسته نبود و در امور جنسی به حدی پراگماتیست (عملگرا) بود که وقتی که یکی از سربازان سواره نظام او، در حال آمیزش جنسی با یکی از مادیان پادشاه دیده شد، شاه مجازات ساده ای را بدعت نمود: «طرف باید به پیاده نظام منتقل شود.»

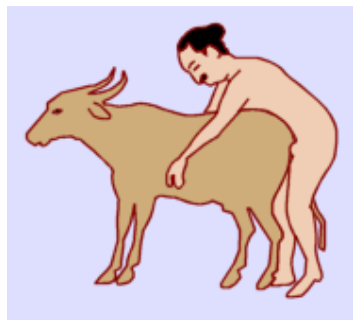
قرن نوزدهم شاهد کاهش روزافزون نفوذ مذهبی در قانونگذاری مدنی و کیفری اروپا بود، و بالاخره، در قرن بیستم، روانپزشک برجسته سوئیسی **اگوست فورل (Auguste Forel)** به طور جدی و غیر مترقبه ای خواستار لغو همه قوانین مربوط به «سودومی» گردید.

«وقتی ابله فقیری با گاوی جفتگیری می کند، نه بر گاو جراحی وارد می شود و نه بر صاحب گاو. تازه، حتی در صورتی که متهم صاحب حیوان هم باشد، باز هم قاضی، حکم سودومی می دهد. قانون چگونه این حق را به خود می دهد که عملی که به هیچ کسی آسیبی نمی رساند را، مجازات کند؟ این سند آشکاری از یابوهای مذهبی است، چیزی شبیه مجازات گناه علیه روح مقدس» (1)

درواقع، در دهه های بعد از آن، بسیاری از کشورهای غربی به بازبینی قوانین کیفری خود پرداخته، و در آخر هم قوانین مربوط به تماس جنسی با حیوانات را لغو کردند. امروزه تنها در چند جای محدود، این قوانین هنوز باقی مانده اند.

(1) Forel, A. The Sexual Question (German original edition.1905), engl ed: New York 1926., p. 400

انواع اولیه رفتارهای جنسی 4- تماس جنسی با حیوانات: شیوع و گستردگی



یک رفتار نادر

تماس جنسی بین انسانها و حیوانات همیشه نادر بوده است. این مسئله معمولاً در محیطهای کشاورزی و دامداری اتفاق می افتد.

(نقاشی هندی، قرن نوزدهم)

در جوامع دامداری گذشته، ممکن است تماس جنسی بین چوپانان منفرد، با گاو، گوسفند یا بزهایشان، تا حدودی عادی بوده باشد، ولی در جهان مدرن ما، اینگونه تماسها تقریباً نادر می باشند. مسلماً، دستیابی به آمار دقیق، در این خصوص کار مشکلی است، اما یافته های **آلفرد. س. کینزی** تا امروز همچنان با اعتبار باقی مانده اند: تنها 8% مردان و 4% زنان آمریکایی چنین تجاربی داشته اند، و این تجارب معمولاً فرعی بوده اند. امروزه اگر هم تماس جنسی بین انسان و حیوان برقرار شود، عمدتاً در مناطق دورافتاده روستایی رخ می دهد. مثلاً، ممکن است پسران مزرعه داری شاهد جفتگیری دامها باشند و به وسوسه بیفتند که خودشان هم به آن نوع رابطه جنسی دست بزنند. آنها شاید به جماع مهبل با گوساله، اسبهای کوتاه با جثه

ریز (Pony- ponies)، گوسفند، خوک، سگ، و حتی اردک یا جوجه، دست بزنند. این نوع تماسها معمولاً تنها چند دفعه تکرار، و بعد کنار گذاشته می شوند. البته گاهی پسری، برای مدت زمانی، تماس جنسی منظمی با یک حیوان خاصی برقرار می کند. آمیزش مهملی تنها نوع ممکن تماس جنسی بین انسان و حیوان نمی باشد. برخی از پسران خیلی راحت برای حیوان استمناء می کنند (مثل زمانی که دامدار برای گرفتن اسپرم جهت لقاح مصنوعی حیوانات، عمل می کند)، یا شاید حیوان را به لبسیدن ذکر یا مقعد خود وادارند. تکنیکهای مشابهی توسط دختران و زنان هم به کار برده می شوند، هرچند که تماس جنسی بین زنان و دختران با حیوانات خیلی نادرتر از تماس افراد مذکر با حیوانات می باشد. اگر تماس جنسی انسان با حیوانات نسبتاً نادر است، اما، تماس بین حیوانات از گونه های مختلف با هم، چندان غیر معمول نیست. در بعضی موارد جفتگیریهایی همچون اسب با الاغ، یا شیر با ببر، ممکن است به تولید بچه هایی (برای نمونه قاطر و «شیرپلنگ») هم بیانجامد. حیوان انسان، خویشاوند نزدیکی در بین پستانداران ندارد، و شاید همین موضوع سبب محدودیت تماس جنسی انسان با حیوان باشد. بدیهی است که چنین تماسی هرگز به آبستنی هیچ حیوان یا انسانی، نمی انجامد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

4- تماس جنسی با حیوانات

یک رفتار نادر

امروزه، بعد از مطالعات جامع و نفس گیر آمارهای دفعات تماس جنسی انسانها با حیوانات، عجیب به نظر



تماس جنسی حیوان - انسان
تصویر، یک حکاکی سنگی در
چین را نشان می دهد.
ایالت گوانگسی، حدود 1500
سال پیش از میلاد.
موزه سکس چین، تونگلی.

می رسد که مقامات بالای مذهبی، قانونگذاری و روانپزشکی، اصلاً وقت خود را صرف پرداختن به چنین مسئله ای کرده باشند. اکنون، ما این را می دانیم که این نوع رفتار، در واقع بسیار نادر می باشد. این رفتار در بین مردان نادر است و در بین زنان، نادرتر. به عبارتی، موضوع فاقد هرگونه اهمیت اجتماعی است. به این دلیل، ما بر این تصوریم که محکومیت شدید آن، در اصل در خدمت اهداف سمبلیک خاص مذهبی بوده باشد.

می توان حدس زد که در آینده، مقامات قانونگذاری و پزشکی، ذهن خود را خیلی کمتر درگیر موضوع تماس جنسی انسان با حیوان، خواهند کرد. به هر حال، تا جایی که به حیوان صدمه ای وارد نشده، یا با آن بد رفتاری صورت نگرفته باشد، نیازی به دخالت جامعه در قضیه وجود ندارد. دلیلی هم برای زدن برچسبهای روانی بر مسائل پرتی مثل اینگونه تماسها، باقی نمی ماند. تنها، مردان و زنانی را که تماس جنسی با حیوانات را بر تماس جنسی با انسانی دیگر ترجیح می دهند، می توان از جهت جنسی، کژرو تلقی کرد. در چنین حالتی، همچون در دیگر حالات رفتارهای جنسی، که فرد وسواس روانی خاصی برای دست زدن به آنها احساس می کند و خود را ناچار می یابد (confining and compulsive)، ارائه کمکهای تخصصی به فرد، توصیه می شود. (برای اطلاع بیشتر [به اینجا](#) مراجعه شود.)

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

همانطور که مشاهده شد، رفتارهای جنسی انسان، در چندین مرحله، و به اقسام جهات و سمت و سوهای ممکن، رشد می کنند. رفتار جنسی، بر پایه پتانسیل غریزی بیولوژیکی بنیان شده، و تحت تأثیر عوامل فرهنگی، که خود از دوره ای به دوره ای دیگر و از محلی به محلی دیگر فرق می کنند، شکل می گیرد. البته، این را باید به خاطر داشت که: هم ارزشهای جنسی و هم امکانات جنسی مناطق روستایی و شهری با یکدیگر فرق دارند. این مسئله در مورد مردم فقیر و غنی، جوانان و پیران، تحصیلکردگان و بی سوادان، زاهدان و بی دینان، و حتی در خانواده های با پیشینه فرهنگی و اجتماعی یکسان هم، صدق می کند. به علاوه، بسیاری از

کشورها، گروه‌های قومی مختلف و حتی گروه‌های مهاجر، فرهنگ و سنن خاص خود را دارا می‌باشند؛ لذا مسئله خیلی پیچیده تر و غامض تر از آن است که تصور می‌شود. در هر صورت، افراد در طول رشد خود، با نسخه‌ها و پیش‌نویس‌های جنسی بسیار متعددی رو به رو می‌شوند و آنهایی که به مذاقشان بیشتر خوش می‌آیند را، انتخاب می‌کنند. انتخاب‌هایی که فرد انجام می‌دهد، نتیجهٔ پروسهٔ تعامل و داد و ستدی است که به شرایط و موقعیتهای بسیاری بستگی دارد، و از آنجا که شرایط و موقعیتهای افراد از هم متفاوتند، در نتیجه، انتخاب آنها نیز از هم متفاوت می‌باشند. بنابراین، وجود اینهمه تنوع در رفتارهای جنسی بشر، و تفاوت در علائق جنسی انسانها تعجب آور نیست. البته، در بعضی حالتها، علائق آنقدر ویژه و غیر معمولی اند که مسئله ساز می‌شوند. هر جامعه‌ای، مقدار معینی از تنوع در علائق جنسی را تحمل می‌کند و، محدوده‌ای از گسترهٔ رفتارهای جنسی را به عنوان «نرمال» می‌پذیرد. با این وجود، تعریف پذیرفته شدهٔ جهانی از نرمالینهٔ جنسی وجود ندارد. (به بخش «رشد و نمو رفتارهای جنسی» پیشگفتار: یک نسخه - تغییر نسخه های فرهنگی 1» مراجعه شود.)

بسته به محیط اجتماعی، ممکن است انواع مختلفی از رفتارهای جنسی جذاب و مد شوند، یا غیر قابل درک، شنیع، و تفرآور تلقی گردند. حتی ممکن است قانوناً مجازات شوند. همانطور که گفته شد، عوامل تأثیرگذار و تعیین کننده همانا زمان و مکان می‌باشند.

در این دورهٔ آموزشی، امکان توضیح همه و یا اکثر تنوعات رفتارهای جنسی بشر وجود ندارد. امکان بحث حول واکنشهای اجتماعی نسبت به این تنوعات و تفاوتها در گذشته و حال هم وجود ندارد. ولی، می‌توانیم آخرین سمت و سواها را به ثبت برسانیم: در چند دههٔ گذشته، خواست حقوق جهانی جنسی، هرچه گسترده تر شده است و، در نتیجه، کشورهای هرچه بیشتری هم، گسترهٔ وسیعتری از تنوعات علائق جنسی را پذیرفته اند. بعد از توضیحات و ارائهٔ مدارکی در زیر، نمونه‌های بعضی از رفتارهای جنسی غیر معمول آورده می‌شوند.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی حقوق جنسی 1

امروزه، بسیاری از انسانها، حقوق جنسی را به عنوان بخشی از حقوق بشر خود مطالبه می‌کنند. این درخواست، در تاریخ بشر تازگی دارد. در واقع، حتی درخواست و مطالبهٔ خود حقوق بشر هم موضوع نسبتاً تازه‌ای است. هرچند در بعضی از تمدنهای کهن دیده شده، اما جنبش حقوق بشری، تا قرن هیجدهم، به جنبشی جهانی و همگانی تبدیل نشد. سینه چاک ترین پیشگامان آن، نویسندگان اروپایی و آمریکایی «عصر روشنگری» بودند. هدف مشترک آنها، بنا کردن جامعهٔ عادلانه‌ای بود که در آن همهٔ افراد از حقوق برابر و مساوی برخوردار باشند. برای اولین بار، در «اعلامیهٔ استقلال آمریکا» در سال 1776 تأکید گردید که: هر فردی «از حقوق سلب ناپذیر حیات، آزادی، و پیگیری شادی و سعادت خود» برخوردار است. انقلاب فرانسه، در سال 1789 اعلامیهٔ حقوق انسان و شهروند را تصویب نمود، که الهام آور انواع جنبشهای اجتماعی در کشورهای دیگر شد، و سرانجام در سال 1948، به تصویب اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد منجر گردید.

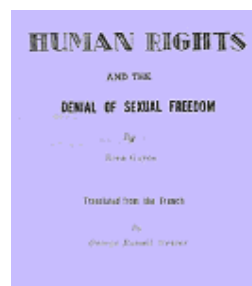


اعلامیه استقلال آمریکا

این سند، با اعلام «حقوق سلب ناشدنی فرد در پیگیری خوشبختی خود»، باعث گردیده که بسیاری از مدافعان حقوق انسانها، به آن به عنوان منبع الهام و دلیل و برهانی برای مطالبهٔ حقوق جنسی، از جمله حق لذت فیزیکی، بنگرند. (در اینجا، اولین عنوان، و چند سطر اولیهٔ آن، دیده می‌شود.)

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی حقوق جنسی 2

همانطور که می دانیم، علی رغم اعلامیه استقلال آمریکا، برده داری در ایالت‌های جنوبی آن کشور همچنان ادامه یافت، انقلاب فرانسه، به حقوق زنان بی توجهی نمود که با دلسردی و بی تفاوتی آنها مواجه شد، و اعلامیه سازمان ملل متحد هم حقوق جنسی، که چند دهه قبل از آن به موضوع مهم اجتماعی تبدیل شده بود، را مسکوت گذارد. در واقع، سند پیش نویس حقوق جنسی بشر در سال 1930، پیشنهاد شده بود، اما به دلیل گسترش هجوم فاشیسم و در ادامه آن جنگ دوم جهانی، خیلی راحت به فراموشی سپرده شد. هنگامی که سازمان ملل بالاخره اعلامیه حقوق بشر خود را منتشر کرد، رنه گایون آن را مورد انتقاد قرار داده و جزوه ای را، به هزینه خود چاپ و برای همه جنسیت شناسانی (سکسولوگهایی) که می شناخت، ارسال نمود.



اعلامیه سازمان ملل متحد و منتقدان آن

اعلامیه جهانی حقوق بشر (1948) به خاطر کوتاهی در امر پوشش دادن و حفاظت از حقوق جنسی، توسط رنه گایون مورد انتقاد قرار گرفت. در سمت راست تصویر فوق، جلد جزوه رنه گایون «حقوق بشر و انکار آزادی جنسی» (1951) دیده می شود.

سرانجام، موضوع به انواع گروه‌های ریز و درشت اجتماعی واگذار شد تا خود اعلامیه های حقوق انسانی، جنسی و تولید مثلی بشر را منتشر کنند. در حال حاضر، مهمترین این اعلامیه ها، اعلامیه حقوق جنسی می باشد که در سال 1999 توسط انجمن جهانی جنسیت شناسی WAS= world Association of Sexolog، که امروزه انجمن جهانی بهداشت جنسی نامیده می شود، تصویب گردید. متن اعلامیه مزبور در اینجا آورده می شود.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

حقوق جنسی 3



اعلامیه حقوق جنسی

جنسیت یکی از اجزاء جدائی ناپذیر شخصیت هر انسانی است. رشد و توسعه کامل آن به ارضاء و برآورده شدن نیازهای اولیه انسان، همچون میل به ارتباط، صمیمیت، ابراز احساسات، لذت، محبت و عشق بستگی دارد.

جنسیت از طریق تعامل بین فرد و ساختارهای اجتماعی قوام می یابد. رشد و توسعه همه جانبه جنسیت برای رفاه و تندرستی فرد، رابطه اش با دیگران، و خیر و سعادت جامعه، لازم و ضروری است.

حقوق جنسی، حقوق جهاتشمول بشری است که بر اساس آزادی ذاتی، شرافت و برابری همه انسانها استوار است. از آنجا که سلامتی و تندرستی حق اساسی بشر است، بنابراین، سلامتی و تندرستی جنسی هم باید حق بنیادی بشر محسوب شود.

برای اطمینان از رشد تندرستی و سلامت جنسی بشر و جوامع، حقوق جنسی زیر بایستی در همه جوامع به رسمیت شناخته شده، با تمام وسایل مورد تبلیغ و ترویج، احترام، دفاع و حمایت قرار گیرند. تندرستی و سلامتی جنسی زاده محیطی است که همه این حقوق جنسی را به رسمیت شناخته، مورد احترام قرار داده و به آنها عمل می کند.

1- حق آزادی جنسی. آزادی جنسی شامل امکان و فرصت برای افراد جهت بیان کامل پتانسیل جنسیشان می باشد. اما این امکان، اجبار، بهره کشی، و سوء استفاده جنسی را دربر نمی گیرد.

2- حق خودمختاری جنسی، تمامیت جنسی و ایمنی بدن جنسی. این حق شامل توان تصمیم گیری مستقلانه درمورد زندگی جنسی خود در چارچوب اخلاق فردی و اجتماعی می باشد. این اصل همچنین شامل کنترل و لذت از بدن خود، فارغ از هر نوع شکنجه، قطع عضو و خشونت می باشد.

3- حق حریم خصوصی جنسی. شامل حق تصمیمات شخصی و رفتارهای فرد در صمیمیت و نزدیکی، تا جایی که وارد حریم حقوق جنسی دیگران نشود، می باشد.

4- حق برابری جنسی. این حق به فارغ بودن از همه اشکال تبعیض، بدون توجه به جنس، جنسیت فرهنگی (جندر)، گرایش جنسی، سن، نژاد، طبقه اجتماعی، مذهب، و معلولیت جسمی یا روانی، دلالت دارد.

5- حق لذت جنسی. لذت جنسی، از جمله خودکامی جنسی (Autoeroticism) منبعی است برای تندرستی جسمی، روانی، فکری و معنوی.

6- حق بیان عواطف جنسی. بیان عواطف جنسی فراتر از لذت کامروایانه (Erotic pleasure) یا عمل جنسی است. افراد حق دارند جنسیت خود را از طریق تماس، لمس، ابراز عواطف و عشق بیان کنند.

7- حق معاشرت آزادانه جنسی. این یعنی حق ازدواج کردن یا نکردن، حق طلاق و برقراری دیگر انواع پیوندهای جنسی مسئولانه.

8- حق تصمیم گیری آزادانه و مسئولانه در امر تولید مثل. این شامل حق تصمیم گیری درباره داشتن یا نداشتن فرزند، تعداد فرزندان، فواصل سنی بین آنها، و حق دسترسی کامل به تمام امکانات باروری و مقررات مربوط به آن می باشد.

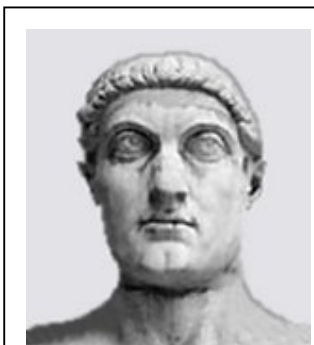
9- حق دسترسی به دانش جنسی کسب شده از طریق پژوهشهای علمی. این حق تصریح دارد که دانش و اطلاعات جنسی بایستی از طریق فرایندی فارغ از مزاحمت، و در عین حال بر مبنای اخلاق تحقیقات علمی تولید شده و به روشهای اصولی در همه لایه های جامعه منتشر شوند.

10- حق برخورداری از آموزش جامع جنسی. این یک پروسه مادام العمر، از بدو تولد و در تمام طول عمر می باشد و، همه مؤسسات اجتماعی باید در آن مشارکت داده شوند.

11- حق برخورداری از مراقبتهای بهداشت جنسی. مراقبتهای بهداشت جنسی باید جهت پیشگیری و درمان همه نگرانیها، دلهره ها، مشکلات و اختلالات جنسی، در دسترس باشند.

مصوب چهاردهمین کنفرانس جهانی سکسولوژی در هنگ کنگ- 26 اوت 1999

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی پس زمینه تاریخی: از گناه تا بیماری



کنستانتین (حوالی 337 -
280 بعد از میلاد)

در بستر مرگ غسل تعمید داده شد،
و اولین امپراتور (قیصر) مسیحی
روم بود. او «روم جدیدی» در
بخش شرقی امپراطوری خود به
وجود آورد (روم شرقی) و پایتخت
آن را به بیزانس منتقل کرد و نام
آن را به قسطنطنیه (کنستانتینوپول
یعنی شهر کنستانتین- استانبول
امروزی) تغییر داد. در دوران
جانشینی او، مسیحیت، دین رسمی
امپراطوری گردید و وی عقاید
خود نسبت به جنسیت را، به شرق
و غرب اروپا تحمیل کرد.

در قرن چهارم بعد از میلاد، **کنستانتین اول** (کبیر) اولین امپراتور مسیحی روم گردید، و در دوران جانشینان، مسیحیت، دین رسمی دولت شد. در نتیجه، دیدگاه مسیحیت در رابطه با جنسیت، به تدریج، در قاره اروپا پذیرفته شد. این دیدگاه که بر اساس سنتهای قدیمی یهودی، و متأثر از فلسفه های زاهدانه کهن استوار شده، حتی بعد از سقوط امپراطوری روم، تا همین دوران مدرن، به عنوان دیدگاه غالب در جهان غرب و مستعمرات آنها باقی ماند. **طبق دکتترین مسیحیت، فعالیت جنسی فقط با هدف تولید مثل موجه می باشد، و هرگونه مقاربت جنسی دیگری که در خدمت چنین هدفی نباشد، گناه و معصیت محسوب می شود.** درحقیقت، بعضی از انواع مقاربتهای جنسی همچون آمیزش دهانی یا مقعدی، و یا تماس جنسی با حیوانات، یا آمیزش جنسی دو مرد با هم، آنچنان مکروه و منفور بودند که در طول قرنها، افراد خاطی، به عنوان مجرم، به شدیدترین وجهی مجازات می شدند. تنها در دویست سال اخیر است که بعضی از کشورهای اروپایی شروع به زدودن نفوذ مذهبی از قوانین کیفری خود کردند و مجازات «مکروهات» جنسی را کنار نهادند: چنانچه به کسی آسیبی وارد نشده باشد، قانون، به سادگی رفتار صورت گرفته را نادیده می گیرد.

اما، هر جا که قانون عقب نشینی کرد، پزشکی وارد میدان شد. روانپزشکی به عنوان رشته در حال تکوین پزشکی، آنچه که در گذشته گناه و معصیت شمرده می شد را به بیماری روانی تبدیل نمود و در نتیجه، «مکروهات»، تحت نام «اختلال و آسیبهای روان جنسی» بازتولید شدند. روانپزشکان برای مشخص کردن این بیماریها، حتی واژه های مذهبی قدیمی مثل «کجروی» (perversion)، «جنون»، (aberration)، و «انحراف» (deviation) را به کار بردند.

در سده های میانه، این واژه ها به افراد مرتد و رافض دارای اعتقادات «التقاطی» مذهبی اطلاق می شدند، ولی در اوائل دوران مدرنیسم به کسانی که

دارای رفتارهای «التقاطی» جنسی بودند، نسبت داده شدند. در نتیجه، رافضان و مرتدان که زمانی مجرمان مذهبی بودند، در شروع مدرنیسم به بیماران پزشکی تبدیل شدند. بنابراین، دیگر مجازاتی لازم نداشتند بلکه باید مورد مداوا قرار می گرفتند. در اواخر قرن بیستم بود که بالاخره اهالی حرفه پزشکی، از اهالی دادگستری پیروی کرده و به زدودن رد پای مذهب از کتابهای راهنمای تشخیص بیماریها پرداختند. پزشکان «تازه روشنفکر»، متوجه شدند که به کار گیری چشم بسته ایده های مذهبی، موضوعی بیشتر اخلاقی و تهی از بار علمی بوده است. بنابراین، به کوشش جهت یافتن معیارهای عینی بی طرفانه برای بررسی رفتارهای جنسی روی آوردند. از آن به بعد، آنها دیگر از «افراد منحرف» و امثالهم حرفی نزدند، بلکه در پی یافتن واژه های تازه ای بودند که صرفاً توصیفی و از جهت اخلاقی و دآوری بی طرفانه باشند.